

محتوای ویژه کتاب

- ترجمه دروس به صورت کلمه به کلمه و کلی
- ترجمه دروس و همه تمرين های کتاب
- پاسخ به همه تمرين ها و فعالیت ها
- ارزشیابی مستمر همراه با پاسخ و بارم بندی
- آزمون های پایانی با پاسخ و بارم بندی

عرب

الدليل آهلاً و سهلاً: خوش آمدید

۱

يَسْتَدِيُّ	الْعَام	الْدَرَاسِيُّ	الْجَدِيدُ.	يَذْهَبُ	الْقُلَّابُ وَ	الْقَالَابُ إِلَى	الْمَدَرَسَةَ بِفَرْحٍ؛	هُنَّ
شروع می شود	سال	تحصیلی	جديد	می روند	دانش آموزان پسر	دانش آموزان دختر	به مدرسه	با شادی آنها

سال تحصیلی جدید شروع می شود. دانش آموزان پسر و دختر با شادمانی به مدرسه می روند؛

يَخْمِلُونَ	حَقَائِيقُهُمْ؛	الشَّوارُعُ	مَفْلُوَةً
برمی دارند	كيف هایشان	خیابان ها	بر

آنها كيف هایشان را برمی دارند؛ خیابان ها پر

يَأْتِيُنَّ وَ	الْبَنَاتِ.	يَسْتَدِيُّ	فَضْلُ	الْدَرَاسَةَ وَ	الْقِرَاءَةُ وَ	الْكِتَابَةُ وَ	فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ	الْتَّلَابِيْدِ.
از پسران و	دختران	شروع می شود	فصل	درس و	خواندن و	نوشتن و	فصل دوستی	دانش آموزان

از پسران و دختران است. فصل درس و خواندن و نوشتن و فصل دوستی بین دانش آموزان شروع می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخششندۀ و مهریان

أَنْدَأَ	يَاشِمَ	اللَّهُ	كَلَامِي	رَبِّي	أَذْكُرَ	عِنْدَ	قِيَادِي
شروع می کنم	با نام	خدا	سخنم	به یاد می آورم	پروردگارم	هنگام	برخاستم

با نام خدا کلامم را آغاز می کنم و به هنگام برخاستم پروردگارم را به یاد می آورم.

أَنْدَأَ	يَاشِمَ	اللَّهُ	دُرُوسِي	أَذْكُرَ	رَبِّي	عِنْدَ	جُلُوسِي
شروع می کنم	با نام	خدا	درس هایم	به یاد می آورم	پروردگارم	هنگام	نشستم

با نام خدا درس هایم را شروع می کنم و به هنگام نشستم پروردگارم را به یاد می آورم.

أَفْرَادُ	بِاسْمِ اللَّهِ	كِتَابِي	أَسَالَ	رَبِّي	حَلَّ	صِعَابِي
مشکلاتم	با نام خدا	کتابم	درخواست می کنم	پروردگارم	حل	مشکلاتم
با نام خدا کتابم را می خوانم، حل مشکلاتم را از پروردگارم درخواست می کنم.						
مَكْتَبَنَا	نُورُو	حَيَاةٌ	فِيهِ دُعَاءُ	فِيهِ صَلَاةٌ		
مکتب ما	نور و زندگی	در آن	دعا	در آن	نمایز	
مکتب ما نور است و زندگی در آن دعا و نماز است.						
فِيهِ عِلُومٍ	فِيهِ كَمَالٍ	فِيهِ كُنُورٍ	فِيهِ جَمَالٍ			
در آن علوم	در آن رشد	در آن گنجها	در آن زیبایی			
در آن علوم، رشد، گنجها، زیبایی است.						
يَتَخَرَّجُ	مِنْهُ	الْعَلَمَاءُ	يُذَرِّسُ	فِيهِ الْحُكْمَاءُ		
فارغ التحصیل می شوند	از آن	دانشمندان	درس می دهند	در آن	حکیمان	
دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند و حکیمان در آن درس می دهند.						
هَا	كُثُبِي	أَنوارٌ	سَمَانِي	مَزْحَمَةٌ	كَثْرَةٌ	كَذَوَانِي
هان	کتاب هایم	نورهای	آسمانی من	رحمت	گنج	مانند داروی من
هان کتاب هایم نورهای آسمانم هستند؛ رحمت، گنج همچون داروی من هستند.						
أَنْدَادُ	بِاسْمِ اللَّهِ	أُمُورِي	فَاسِمُ إِلَهِيِّ	زَادَ	شَرُورِي	
شروع می کنم	با نام خدا	کارهایم	زیرا نام	خدای من	زیاد کند	شادی ام
با نام خدا کارهایم را شروع می کنم زیرا نام خدا شادی ام را زیاد می کند (می افزاید).						

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

ترجمه احادیث زیر را کامل کنید.

بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.

۱- «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ».

قطعاً خدا زیاست زیبایی را دوست می دارد.

۲- «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمِيلَ».

هر کس دانش را پنهان کند؛ پس مثل اینکه او ندان است.

۳- «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا؛ فَكَانَهُ جَاهِلٌ».

هیچ خیری در سخنی نیست مگر با عمل.

۴- لَا خَيْرٌ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَقْلِ».

بیشتر گناهان آدمیزاد در زبان اوست.

۵- «أَكْثَرُ خَطَايَا أَنِّي آدَمُ فِي لِسَانِي».

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي

احادیث زیر را بخوانید سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱- «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ».

الف) به راستی که حسابت نیکی را از بین می برد؛ مانند آتش که محصول را از بین می برد.

ب) قطعاً حسابت خوبی ها را می خورد همان گونه که آتش، هیزم را می خورد.

۲- «أَغْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ».

الف) داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش بیفزاید.

ب) عالم ترین مردم، کسی است که علیم خودش را از علم مردم کمتر بداند.

۳- «الْكَلَامُ كَالَّذِي وَقَلِيلٌ يَنْتَفَعُ وَكَثِيرٌ قَاتِلٌ».

الف) سخن مثل درمان است. اندک آن سریع شفا می دهد و بسیار آن می گشد.

ب) سخن مانند داروست. اندکش سود می رساند و بسیارش گشته است.

۴- «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ».

الف) قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

ب) حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

۵- «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ».

الف) غریب کسی است که دوستی ندارد.

ب) غریب آن کسی است که با دوستش رابطه خوبی ندارد.

۵

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

به قارسی ترجمه کنید.

۱- «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ وَالْجِبَالُ وَالْفَجَرُ»

آنچه در آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان است برای او سجده می‌کنند.

۲- «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَقْرَبَاتِ كَوْكَبِ الشَّمْسِ وَالقَمَرِ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»

قطعاً من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم. آنها را در حالی دیدم که برای من سجده می‌کردند.

۳- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ»

قطعاً خداوند چیزی را به مردم ظلم نمی‌کند اما مردم خودشان ظلم می‌کنند.

۴- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِّنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالِ.

علم بهتر از ثروت است. علم تو را حفظ می‌کند و تو ثروت را حفظ می‌کنی.

۵- «لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَطَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ».

برای هر چیزی راهی است و راه بهشت دانش است.

۶

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

فعل‌های ماضی و مضارع را در آیات زیر معلوم کنید.

يَغْفِرُ فعل مضارع

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (الزَّهْرَى ۵۳)

قطعاً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.

۲- «مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنَّ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ» (هود ۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم اما آنها به خودشان ظلم کردند.

۳- «صَرَّنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» (التَّوْمَى ۵۸)

در این قرآن از هر مثالی برای مردم زدیم.

لَا يَعْلَمُونَ: فعل مضارع منفي

۴- «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (يوهُس ۵۵)

اگاه باش که وعده خداوند حق است اما بیشتر آنها نمی‌دانند.

لَا يَعْلَمُ: فعل مضارع منفي

۵- «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْقَيْبٌ إِلَّا اللَّهُ» (التَّمْلِ ۶۵)

هیچ کس جز خداوند اسرار آسمان‌ها و زمین را نمی‌داند.

۷

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

ترجمه ناقص را کامل کنید.

۱- «لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (المُؤْمِنُونَ ۱۹)

برای شما در آن میوه‌های بسیاری هست و از آن می‌خورید.

۲- «يَصْرِيبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (التُّورُ ۳۵)

خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند و خداوند به هر چیزی دانا است.

۳- «أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَ اللَّهِ لَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (يوهُس ۶۲)

هان. قطعاً برگزیدگان خدا نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند.

۴- «الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسُوفَ يَعْلَمُونَ» (الْحَجَرُ ۹۶)

کسانی که همراه خدا خدایی دیگر قرار می‌دهند پس در آینده خواهند دانست.

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ

کدام فعل از نظر زمان با بقیه فعل‌ها «ناهماهنگ» است؟

- | | | | |
|------------------------------------|--|--|--|
| <input type="checkbox"/> نَهَرْتُ | <input type="checkbox"/> تَقْطَعَانَ | <input type="checkbox"/> يَسْمَحَانَ | <input checked="" type="checkbox"/> جَعَلْتَا |
| <input type="checkbox"/> أَكَلْنَا | <input type="checkbox"/> أَمْرَوْا | <input checked="" type="checkbox"/> أَسْمَعَ | <input type="checkbox"/> أَخْذَثُمْ |
| <input type="checkbox"/> جَلَسْوَا | <input type="checkbox"/> كَتَمَا | <input checked="" type="checkbox"/> يَجْمَعُ | <input type="checkbox"/> جَلَبْتُ |
| <input type="checkbox"/> يَخْلُقُ | <input type="checkbox"/> تَخْدِيمَيْنَ | <input checked="" type="checkbox"/> حَصَدْتُ | <input type="checkbox"/> تَخْرُشُ |
| <input type="checkbox"/> صَعْدَنَ | <input type="checkbox"/> صَنْفَنَ | <input type="checkbox"/> شَرَحَا | <input checked="" type="checkbox"/> تَظْرِفَنَ |



الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ

کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

- | | | | | |
|---|---|--|--|------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> عَلِمْنَا | <input checked="" type="checkbox"/> عَرَفْوَا | <input type="checkbox"/> عَبَرْتُنَّ | <input type="checkbox"/> صَبَرْتُمْ | <input type="checkbox"/> هُمْ: |
| <input type="checkbox"/> تَضَخَّكَنَّ | <input type="checkbox"/> يَظْبَخْنَ | <input checked="" type="checkbox"/> تَظَلَّمُونَ | <input type="checkbox"/> يَعْبَشُونَ | <input type="checkbox"/> أَنْتُمْ: |
| <input type="checkbox"/> تَفَتَّخَنَّ | <input type="checkbox"/> أَفْتَخَنَّ | <input type="checkbox"/> يَغْفَرُونَ | <input checked="" type="checkbox"/> تَغْفِلُ | <input type="checkbox"/> نَحْنُ: |
| <input checked="" type="checkbox"/> فَعَلْنَا | <input type="checkbox"/> قَدَرْنَا | <input type="checkbox"/> قَرَبْتُ | <input type="checkbox"/> قَبَلْتُمَا | <input type="checkbox"/> هُمَا: |
| <input type="checkbox"/> تَلْبَسْنَا | <input type="checkbox"/> يَكْذِبْنَا | <input checked="" type="checkbox"/> تَقْذِفُ | <input type="checkbox"/> تَكْثُمْنَا | <input type="checkbox"/> هُنَّيْ: |

الْتَّمْرِينُ الثَّامِنُ

فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

ماجلَس	لَا يَجْلِسُ	نَشَّسَتْ	سِبِّحَلُسُ	خواهد نشست
ذَهَبْتُمْ	رَفِيد	تَذَهَّبُونَ	سُوفَ تَذَهَّبُونَ	خواهید رفت
سَمْغَنَ	شَنِيدَنَد	سِمْغَنَّ	مَا سِمْغَنَا	نَشِيدَيْم
يَنْظَرُ	نَگَاهَ مَىْ كَنَد	نَظَرُ	أَنْظَرُ	نَگَاهَ مَىْ كَتَم
صَدَقَتْ	رَاسَتْ گَفْتَ	صَدَقَتْ	صَدَقَتْ	رَاسَتْ گَفْتَم
يَعْرَفُونَ	مِنْ شَنَاسِنَد	تَعْرِفُونَ	تَعْرِفِينَ	مَىْ شَنَاسِي

الْتَّمْرِينُ التَّاسِعُ

با توجه به تصویر پاسخ دهید.



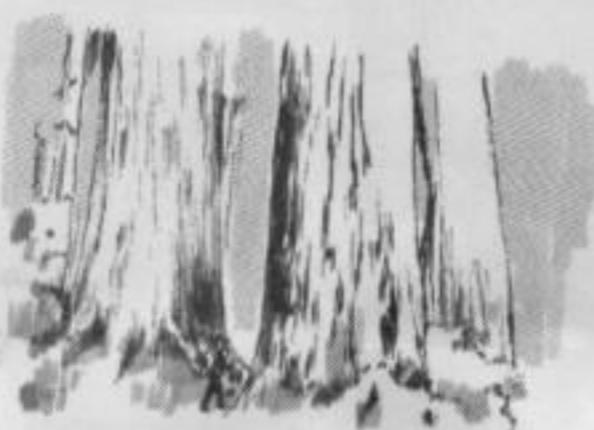
هل هذا زَمِيلُكَ؟ (آیا این هم کلاسی تو است؟)
نعم، هذا زَمِيلِي. (بله، این هم کلاسی من است.)



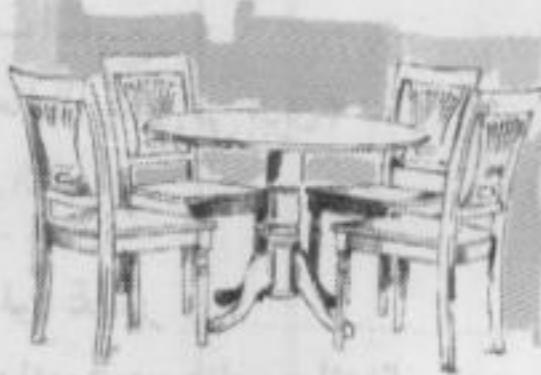
ماذا عَلَى الشَّجَرَةِ؟ (چه چیزی روی درخت است؟)
الْحَمَامَتَانِ. (دو کبوتر)



لِمَنْ هَذَا الْمَرْقُدُ؟ (این مرقد مال کیست؟)
سعدی شیرازی. (سعدی شیرازی)



أَيْنَ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ (آن مرد کجاست؟)
جثب الشَّجَرَةِ. (کنار درخت)



فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالَمُ مَعْرُوفٌ؟ (این دانشمند در چه علمی کم گزیناً حول المِنْضَدَةِ؟ (چند صندلی اطراف میز است؟)
أَرْبَعَةٌ. (چهار)



عِلْمُ الْكِيْمِيَاءِ (علم شیمی)



مَتَى تَلْعَبُنَ كُرْكَةَ الْمِنْضَدَةِ؟ (چه موقع تنیس روی میز بازی می کنید؟)
نَحْنُ نَلْعَبُ بَعْدَ الدَّرْسِ. (ما بعد از درس بازی می کنیم.)



مَاذَا فِي هَذِهِ السَّاحِرَةِ؟ (چه چیزی در این میدان است؟)
السَّيَّارَةُ وَالْبَيْتُ. (ماشین و خانه)



يَمْ يَسَافِرُ الْحَجَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟ (حجیان با چه چیزی به مکه مکرمہ سفر می کنند؟)
يَسَافِرُ الْحَجَاجُ بِالْقَاطِنَةِ. (حجیان با هواپیما سفر می کنند.)



يَا تَلَمِيذَاتُ كَيْفَ حَالُكُنَّ؟ (حالتان چطور است ای دانش آموزان؟)
نَحْنُ بِخِيرٍ. (ما خوبیم.)

التَّمْرِينُ العَاشرُ

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

- ١- واحد / إثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعه / عشرة / أحد عشر / إثنا عشر
- ٢- الأول / الثاني / الثالث / الرابع / الخامس / السادس / السابع / الثامن / التاسع / العاشر / الحادي عشر / الثاني عشر
- ٣- يوم السبت / الأحد / الاثنين / الثلاثاء / الأربعاء / الخميس / الجمعة.
- ٤- الربيع / الصيف / الخريف / الشتاء
- ٥- الفطور في الصباح / الغداء في الظهر / العشاء في الليل

التَّمْرِينُ الْحَادِي عَشَرَ
به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

تو کیستی؟
من یک نویسنده هستم.
حالت چطور است؟
من خوبم.
تو اهل کجا هستی؟
من ایرانی هستم.
تو در کدام کلاس هستی؟
من در کلاس نهم هستم.
چه موقع سال تحصیلی در ایران شروع می‌شود؟
در اول فصل پاییز شروع می‌شود.

۱- من آنت؟
انا کات.

۲- کیف حالک؟

انا بخیر.

۳- من آین آنت؟
انا می‌ایران.

۴- فی آی صَفَ آنت؟
انا فی الصَّفَ التَّاسِعَ.

۵- مَنَّى يَدَا الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيْرَانَ؟
يَدَا فِي أَوَّلِ الْخَرِيفِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

آنها خواستند
شما رسیدید
تو پیشیمان شدی
آنها می‌توانند
او بردیک شد
ما قطع می‌کنیم
او سود نکرد

(هُمَا أَنْتَمَا طَلَبَتَا
(هُنَّ أَنْتُمْ وَصَلَّثْتُمْ
(هُوَ أَنْتِ نَدِقْتِ
(أَنْتُمَا هُنَّ يَقْدِرُنَّ
(هُنِّي أَنْتِ قَوْتَتْ
(أَنَا نَحْنُ نَقْطَعْ
(نَحْنُ هُوَ مَا نَفَعَ

(أَنَّتْ أَنْتَمَا تَغْلَمْ
(هُمَا هِيَ يَضْحَكَانَ
(هُمْ نَحْنُ تَجْحَخَنَا
(هُمْ أَنْتَمَا يَنْصُرُونَ
(أَنَّتْ أَنْتَمَا لَا تَخِذِّبَ
(هُمْ نَحْنُ وَجَذَنَا
(أَنَّتْ أَنَا أَنْظَرْ

التَّمْرِينُ الْثَالِثُ عَشَرَ

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهمانگ» است؟

<input checked="" type="checkbox"/> حقیقت	<input type="checkbox"/> طباخة	<input type="checkbox"/> طبیعت	<input type="checkbox"/> موظفة
کیف	آشپز	پزشک	کارمند
<input checked="" type="checkbox"/> عامل	<input type="checkbox"/> مدینة	<input type="checkbox"/> قریة	<input type="checkbox"/> محافظه
کارگر	شهر	روستا	استان
<input type="checkbox"/> جَدَّه	<input checked="" type="checkbox"/> لَوْن	<input type="checkbox"/> أخت	<input type="checkbox"/> بَنْتٌ
مادر بزرگ	رنگ	خواهر	دختر
<input type="checkbox"/> عین	<input type="checkbox"/> يَد	<input checked="" type="checkbox"/> قول	<input type="checkbox"/> قَدْمٌ
چشم	دست	سخن	<input type="checkbox"/> پا
<input type="checkbox"/> سِنْحَاجَب	<input type="checkbox"/> فَرَس	<input checked="" type="checkbox"/> جَنَّةٌ	<input type="checkbox"/> بَقَرَةٌ
سنحاج	اسپ	بهشت	<input type="checkbox"/> کاو
<input type="checkbox"/> شَمْس	<input checked="" type="checkbox"/> كَوْكَبٌ	<input type="checkbox"/> قَمَرٌ	<input checked="" type="checkbox"/> أُشْرَقَةٌ
خورشید	ستاره	ماه	خانواده
<input type="checkbox"/> سَنَة	<input type="checkbox"/> شَهْرٌ	<input checked="" type="checkbox"/> ذَهَبٌ	<input type="checkbox"/> أَشْبُوعٌ
سال	ماه	طلا	هفتنه
<input checked="" type="checkbox"/> سَحَاب	<input type="checkbox"/> تَمَرٌ	<input type="checkbox"/> رُزْقَانٌ	<input type="checkbox"/> تَفَاحٌ
ابر	خرما	انار	سیب

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرُ

هَذِهِ الْكَلْمَةُ رَا بِهِ تَوْضِيْحٌ مَنْاسِبٌ آنَ وَصَلَ كَنِيدُ. «يَكَ كَلْمَهُ اضَافِي اسْتُ.»

مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفَطَوْرَ وَالْغَدَاءَ وَالْغَشَاءَ.

جَائِيَ كَهْ دَرَ آنَ مَرْدَمْ صِبَحَانَه، نَهَارَ وَ شَامَ مَىْ خُورَنَد.

هُوَ الَّذِي يَذْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.

كَسِيَ كَهْ بَا دَعْوَتْ يَا بِي دَعْوَتْ وَارِدَ خَانَه مَىْ شَوْدَ.

رِياضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدٌ عَشَرَ لَاعِبًا.

بَازِيَ كَهْ دَرَ آنَ يَازِدَه بازِيْكَن بازِيَ مَىْ كَنْتَد.

طَائِيرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ.

پِرْنَدَه سِيَاهَ رَنَگَ كَهْ صَدَائِي زِيَابِي نَدارَد.

أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.

زَمِينٌ وَسِيعَى كَهْ دَرَ آنَ درْخَتَانَ زِيَادَى وَجُودَ دَارَد.

وَقْتُ نِهايَةِ النَّهَارِ وَبِدَائِيَةِ اللَّيلِ.

زَمَانٌ يَا يَانَ رَوْزَ وَ شَرْوَعَ شَبَ.

١- كُرْتَهُ القَدْمِ

فُوتَبَال

٢- الْمَحَافِظَةُ

أَسْتَان

٣- الْمَظَلَّمُ

رِسْتُورَان

٤- الْمَسَاءُ

عَصْر

٥- الْغَابَةُ

جِنْغَل

٦- الْفَرَابَةُ

كَلَاغ

٧- الْضَّيْفُ

مَهْمَان

١٢

١٣

١٣

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ عَشَرُ

دَرْ جَائِيَ خَالِي، يَكِي ازْ كَلْمَهَهَايِ زِيرَرَا بِنَوِيْسِيدُ. «دَوْ كَلْمَهُ اضَافِه اسْتُ.»

عَلَيْكَ / ذَهَبَهُ / الْجَلُوسُ / الْحَجَرُ / الْجَاهِلُ / الْأَمَانُ / الصَّعَابُ

ادَبُ أَدْمِي بِهَتَرَ ازْ طَلَائِي اوْستَ.

عَلَمُ درَ كُودَكِي هَمَانَندَ نَقَاشِي درَ سَنَگَ اسْتَ.

دوْ نَعْمَتَ نَامَلُومَ هَسْتَنَد؛ سَلَامَتِي وَ اَمْنِيَتَ.

رَوْزَگَارَ دَوْ رَوْزَ اَسْتَ؛ رَوْزَى بِرَائِي توْ وَ رَوْزَى عَلِيَهِ توْ.

دَشْمَنِي عَاقِلَ بِهَتَرَ ازْ دَوْسَتِي نَادَانَ اَسْتَ.

١- أَدَبُ الْمَزَرِ، خَيْرِيْمَنْ ذَهَبَهُ.

٢- الْعِلْمُ فِي الصَّفَرِ، كَالْتَّقْشُ فِي الْحَجَرِ.

٣- نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.

٤- الدَّهْرُ يُومَان؛ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمُ عَلَيْكَ.

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرِيْمَنْ صَدَاقَةُ الْجَاهِلِ.

١٤

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ عَشَرُ

مَتَضَادَ كَلْمَهَهَايِ دَاخِلَ جَدُولِ رَا دَرْ كَلْمَاتِ زِيرَبِيدَا كَنِيدُ وَ بِنَوِيْسِيدُ.

كَثِيرٌ / لَيْلٌ / نِهايَةٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / صَدَاقَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / فَرَحٌ / كَذَبٌ / حَازٌ

يَمِين	يَسَار ≠	قَرِيب	بعِيد ≠	غَالِيَة	رَحِيقَة ≠
حَازٌ	بَارِد ≠	نِهايَة	بِدَائِي ≠	شِرَاء	بَيْنَ ≠
كَذَبٌ	صَدَقَ ≠	جَمِيل	قَبِح ≠	فَرَحٌ	حَزَن ≠
لَيْلٌ	نِهَار ≠	صَدَاقَة	عَدَاوَة ≠	كَثِير	قَلِيل ≠

١٥

التَّمْرِينُ السَّابِعُ عَشَرُ

١٤

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق / فلاحان / شجرة / رياضيون / سيدات / مدرستان

شجرة	فرد مؤنث
فلاحان	مثنای ذکر
مدرستان	مثنای مؤنث
رياضيون	جمع مذكر سالم
سيدات	جمع مؤنث سالم
أوراق	جمع مكتر

١٤

تمرين (دورة اول متوسطه)

ارزشیابی مستمر

الف) جواب صحیح را مشخص کنید.

- نادرست درست
 خیر بله

۱- «تَبَدَّىءُ» فعل مضارع از «إِبْتَدَأ» است. (٢٥٪ نمره)

۲- آیا فعل های «جَعَلْتُمْ وَأَجْعَلْ» از نظر زمان یکی هستند؟ (٢٥٪)

ب) گزینه درست را انتخاب کنید.

۳- کدام گزینه از نظر زمان با بقیه گزینه ها نامهانگ است؟ (٥٪)

الف) ۱) يَخْمُلُونَ ۲) تَجْعَلُونَ ۳) يَسْجُدُونَ

ب) ۱) يَضْرِبُ ۲) تَضْرِبُ ۳) ضَرَبْنَا

۴- کدام گزینه از نظر جنسیت با بقیه نامهانگ است؟ (٥٪)

الف) ۱) فَلَاحُونَ ۲) شَجَرَتَانِ ۳) رِيَاضِيَاتِ

ب) ۱) هُوَ ۲) أَنْتَ ۳) أَنْتُمْ

۵- برای ضمیر «أَنْتُمْ ...» کدام فعل مناسب نیست؟ (٥٪)

۱) شَرِبْتُمْ ۲) تَخْرِبُونَ ۳) ذَهَبُوا ۴) تَفْرِبُونَ

۶- منفی ماضی، مضارع و مستقبل فعل «سِمْعَنَ» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (٥٪)

۱) لَا سِمْعَنَ، يَسِمْعَنَ، سَيَسِمْعَنَ

۲) مَا سِمْعَنَ، تَسِمْعَنَ، سُوفَ يَسِمْعَنَ

۳) مَا سِمْعَنَ، يَسِمْعَنَ، سَيَسِمْعَنَ

۷- کدام گزینه از نظر معنی با بقیه کلمات هماهنگ نیست؟ (٥٪)

الف) ۱) الرَّبِيع ۲) الْجُمُعة ۳) الصَّيفُ

ب) ۱) أَرْبَعَة ۲) سِتَّة ۳) الْثَّلَاثَة

۸- در پاسخ به سوال «مَنْ أَنْتَ» کدام گزینه صحیح است؟ (٥٪)

۱) أَنَا مُعْلِمَةٌ ۲) فاطمة ۳) أَنَا إِيرَانِيٌّ

ج) عبارت های مرتبط را به هم وصل کنید.

۹- کلمات متضاد در ستون «الف و ب» را به هم وصل کنید (یک کلمه اضافی است). (١/٥)

ـ حاز	ـ رخيصة
ـ بغير	ـ بـداية
ـ غالـة	ـ شراء
	ـ بـاردة

١٦

۱۰- کلمات کامل کننده جملات ستون «الف» را از ستون «ب» پیدا کنید و به آن وصل کنید (یک کلمه اضافی است). (۱/۵)

الجاهل	◦	◦ أدب المرء خير من ...
الحَجَرُ	◦	◦ الْعِلْمُ فِي الصِّفَرِ كَالنَّقْشِ فِي ...
الأمان	◦	◦ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صِدَاقَةٍ ...
ذهبیه	◦	◦ د) ترجمه کنید.

د) ترجمه کنید.

۱۱- ترجمه کلمات مشخص شده را بنویسید. (۱/۵)

الف) جَارِبُنْ حَيَانٌ عَالَمُ الْكِيمِيَاءِ.

ب) الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَخْدِ.

ج) الْفُطُورُ فِي الصَّبَاحِ.

۱۲- جملات زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ.

ب) الْغَابَةُ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَبِيرَةٌ.

ج) يُسَافِرُ الْحَجَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.

د) أَنْتُمْ تَحْمِلُونَ حَقَائِقَكُمْ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ نادرست (۰/۲۵) ۲ خیر (۰/۲۵) ۳ الف) سجدوا (۰/۰) ب) ضرئنا (۰/۲۵) ۴ الف) فلاحون (۰/۰) ب) أنت (۰/۰) ۵ ذهباوا (۰/۵) ۶ گزینه (۳/۰/۵) ۷ الف) الجمعة (۰/۰) ب) الثلاثاء (۰/۰/۲۵) ۸ گزینه (۴/۰/۵) ج) (رخيصة ≠ غالية) (۰/۰/۵) (شراء ≠ بيع) (بارد ≠ حاز) (۰/۰/۵) ۱۰ أدب المرء خير من ذهبيه. (۰/۰/۵) العلم في الصغر كالنقش في الحجر. (۰/۰/۵) عداوة العاقل خير من صداقه الجاهل. (۰/۰/۵) ۱۱ الف) شيمي (۰/۰/۵) ب) يكتتبه (۰/۰/۵) ج) سبحانه (۰/۰/۵) الف) روزگار دو روز است؛ روزی با تو و روزی عليه تو. (۰/۰/۵) ب) جنگل زمین وسیعی است که در آن درختان زیادی است. (۰/۰/۵) ج) حاجیان به مکه مکرمه سفر می کنند. (۰/۰/۵) د) شما كيف هایتان را بر می دارید (حمل می کنید). (۰/۰/۵)

الدَّرْسُ الثَّالِثُ قوانین المُرُورِ: قوانین راهنمایی و رانندگی

أُسرته، خانواده‌اش	مع هرماه	المائدة سفره	علی بر	جلس بر	عندما هنگامی که	من از مدرسه	المدرسة ناراحت	حزيناً نا راحت	سبحاجاد سجاد	رجوع برگشت
-----------------------	-------------	-----------------	-----------	-----------	--------------------	----------------	-------------------	-------------------	-----------------	---------------

سجاد با ناراحتی از مدرسه برگشت؛ هنگامی که با خانواده‌اش بر سفره نشست

بدأ	بالثکاء	فجأة	وذهب	إلى	غُرفةٍ؛	ذهب
شروع کرد	گریه	ناگهان	رفت	به	اتاوش	رفت

ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاوش رفت؛

أبُوهُ	إِلَيْهِ وَ	تَكَلَّمُ	مَعَهُ وَ	سَأَلَهُ:	لِمَاذَا	مَا أَكَلْتَ	الظَّلَامُ؟!
--------	-------------	-----------	-----------	-----------	----------	--------------	--------------

پدرش به سوی او صحبت کرد با او از او پرسید چرا نخوردی غذا

پدرش به سوی او رفت و با او صحبت کرد و از او پرسید: چرا غذا نخوردی؟!

أَحَبَّ:	«هَلْ	تَعْرُفُ	صَدِيقِي	حُسْنِي؟»	قَالَ:	«نَعَمْ؛	أَغْرِفَهُ؛
----------	-------	----------	----------	-----------	--------	----------	-------------

جواب آیا من شناسی دوستم حسین گفت بله او را من شناسم

جواب داد: آیا دوستم حسین را من شناسی؟ گفت: بله؛ او را من شناسم؛



«له؟» حَدَثَ مَاذَا ذُكِرَ وَ هادئٌ، وَ لَدُّهُو او پسر باهوش ارام چه اتفاق افتاده است برای او او پسر باهوش و آرامی است. چه اتفاقی برای او افتاده است؟

أَجَابَ سَجَاجِدٌ: «هُوَ رَقْدٌ فِي الْمَسْتَشْفِي؛ تَصَادَمَ جَوَابَ دَادَ سَجَاجَدَ او بَسْتَرَى شَدَ در بیمارستان تصادف کرد

سجاد جواب داد: او در بیمارستان بستری شد؛

بِالسَّيَارَةِ؛ تَصَادَمَ حَدَثَ اِتْفَاقَ اِفْتَادَهُ اِسْتَ با ماشین تصادف است

با ماشین تصادف کرد؛

النَّارِع	فَعْلَر	نَادِيَّةٌ؛	الْمُقَابِلِ؛	عَلَى	شَاهِدَةٌ	أَمَامِيٌّ؛ عِنْدَمَا
خیابان	مقابل من	هنگامی که	او را صدا زدم	در	پیاده رو	او را مشاهده کردم

تصادف در مقابل من اتفاق افتاد؛ هنگامی که او را در پیاده رو مقابل دیدم، او را صدا زدم؛ ناگهان از خیابان عبور کرد

سَيَارَةٌ فَجَاهَةً وَمَا نَظَرَ إِلَى الْيَسَارِ وَالْيَمِينِ؛ اِتَّرَبَ نَاكِهَانَ نَكَاهَ نَكَرَدَ بَهْ چَبَ رَاسَتَ تَزَدِيكَ شَدَ ماشِينَ

و به سمت چپ و راست نکاه نکرد؛ ماشینی به او نزدیک شد

صَدَمَتْهُ، وَ مِنْهُ وَ تَصَادَفَ كَرَدَ بَهْ او

و با او تصادف کرد.

فَالَّا كَيْفَ حَالَهُ الْآنِ؟
گفت پدرش چگونه حالش الان

پدرش گفت: الان حالش چطور است؟

فَالَّا سَجَاجِدٌ «هُوَ بِخَيْرٍ؛ كَانَتْ سَرْعَةُ الشَّيَارَةِ قَلِيلَةً.»
گفت سجاد او خوب است سرعت ماشین کم بود

سجاد گفت: او خوب است؛ سرعت ماشین کم بود.

فِي الْيَوْمِ التَّالِي طَلَبَ الْمُدَرِّسَ مِنْ قَوَافِلَنَّ الْمُرُورِ فِي صَحِيقَةِ جَدَارِيَّةِ در روز بعد درخواست کرد معلم از دانش آموزانش نوشتن قوانین از دانش آموزانش کند کردن در روزنامه دیواری

در روز بعد، معلم از دانش آموزانش نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی را در روزنامه دیواری درخواست کرد.

ثُمَّ طَلَبَ مُدِيرُ الْمَدَرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الشَّرُورِ شَرْحَ اِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي الْمَدَرَسَةِ.
سپس درخواست کرد مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی آموزش علائم راهنمایی و رانندگی در مدرسه

سپس مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی آموزش علائم راهنمایی و رانندگی در مدرسه را درخواست کرد.

جَاءَ شَرْطَيُّ الشَّرُورِ وَ شَرْحَ اِلِّا شَارَاتِ الْلَّازِمَةِ وَ اَمْرَفُمْ لَمْ يَلِسَ رَاهِنَمَائِيَّ وَ رَانِنَدَگَيَّ تَوْضِيَحَ دَادَ عَلَامَ لَازِمَ بِرَاهِنَمَائِيَّ دَانِشَ آمُوزَانَ اَمْرَ كَرَدَ بَهْ آنَهَا

پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علائم لازم برای دانش آموزان را توضیح داد و از آنها خواست که از محل

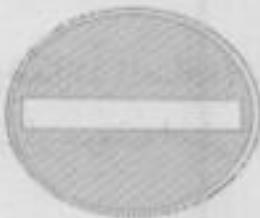
بِالْعَبورِ	مِنْ	مَقْرَأَ	الْمُشَاةِ
عَبُورٌ كَرْدَنْ	ازْ	گَلْزَكَاهْ	پِيَادَهْ

عبور پیاده (پیاده رو) عبور کنند.

۱۸

كَتَبْ	الْقَلَامِيدُ	صَحِيقَةُ	جِدَارِيَّةُ	وَرَسْمُوا	فِيهَا	عَلَامَاتٍ	الْمُرُورُ	وَشَرِحُوا	مَعَانِيهَا
نوشت	دانش آموزان	روزنامه	دیواری	کشیدند	در آن	علامت های	راهنمایی و رانندگی	توضیح دادند	معنای آنها را

دانش آموزان روزنامه دیواری را نوشتن و در آن علامت های راهنمایی و رانندگی را کشیدند و معنای آنها را توضیح دادند.



السَّيْرُ فِي هَذَا الطَّرِيقِ مَمْنُوعٌ.
ورود ممنوع



الدُّورَانُ عَلَى اليمينِ مَمْنُوعٌ.
گردش به راست ممنوع



الدُّورَانُ عَلَى اليسارِ مَمْنُوعٌ.
گردش به چپ ممنوع



اقْتِرَابٌ مِنَ الْمَطَعَمِ.
به رستوران نزدیک می شوید



مَرْأَةُ الْمُشَاةِ
 محل عبور عابر پیاده



الْعَمَالُ يَعْمَلُونَ.
کارگران مشغول کارند

۱۸

سؤال متن

درستی یا نادرستی گزینه های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

نادرست درست

-
-
-
-
-

- ۱- كانَ مَوْضِعُ الصَّحِيقَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَافِلَ الْمُرُورِ.
موضوع روزنامه دیواری قوانین راهنمایی و رانندگی بود.
- ۲- رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوْصِفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.
حسین در درمانگاه نزدیک خانه اش بستری شد.
- ۳- رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.
سجاد خوشحال به خانه اش بازگشت.
- ۴- أَسْرَهُ سَجَادٌ مَا عَرَفَتْ حُسَيْنًا.
خانواده سجاد حسین را نشناخت.
- ۵- كَانَتْ شُرْعَةُ السَّيَارَةِ قَلِيلَةً.
سرعت ماشین کم بود.



وزن و حروف اصلی

نکته ۱: حروف اصلی (ریشه)

بیشتر کلمات عربی « حرف اصلی » دارند که به این سه حرف اصلی « ریشه کلمه » گفته می شود.

مانند: عالم ← علم منصور ← نصر رحیم ← رحم

۱۹

برای پیدا کردن ریشه کلمه می‌توانیم از کلمات هم‌خانواده استفاده کنیم. در حقیقت، ریشه یا حروف اصلی یک کلمه «۳ حرف مشترک» در کلمات هم‌خانواده که به ترتیب تکرار می‌شوند، به جدول زیر دقت کنید:

ریشه	کلمات هم‌خانواده
ن ظ ر	ناظر - منظور - نظیر
ع م ل	عامل - معمول - یغمل
ش ه د	شاهد - مشهود - شهید
ه ج م	مهاجم - هجوم - تهاجم

۲۰

لهم (۲۶۰) مجموعه

نکته ۲: حروف زائد (اضافه)

به حروف غیر از حروف اصلی «حروف زائد» می‌گویند.

مثال:

عالیم ← «علم» سه حرف اصلی و «الف» زائد است.

منصور ← «نصر» سه حرف اصلی و «م-و» زائد است.

رحمیم ← «رحم» سه حرف اصلی و «ی» زائد است.

نکته ۳: وزن کلمه

اگر به جای «۳ حرف اصلی» به ترتیب «فع ل» بگذاریم و حروف زائد و حرکات را تغییر ندهیم، وزن کلمه به دست می‌آید.

مثال:

ص	ا	د	ق	ف	ل	ع	ـ	ـ	ـ
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ

پس وزن «صادق»، «فاعل» است.

وزن‌های مهم و معنی آن‌ها

مهماً ترین وزن‌هایی که شما می‌خواهید عبارتند از: ۱- فاعل ۲- مفعول ۳- فعال

۱- فاعل: انجام دهنده کار را نشان می‌دهد.

۲- مفعول: کلمه‌ای که کار روی آن انجام شده است.

۳- فعال: صفت مطلق (صفت ساده فارسی) است.

مثال:

معنی	کلمه	وزن
یاری کننده	ناصر	فاعل
یاری شده	منصور	مفعول
شنوا	سمیع	فعال

فن ترجمه

ترجمه کنید.

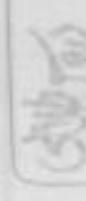
با صانعِ گُلِ مُضبوغ یا خالقِ گُلِ مُخلوق:

ای سازنده هر ساخته شده‌ای و ای آفریننده هر آفریده شده‌ای.

التمرين الأول

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

ع ب د	عبادت شده	عبادت کننده	عبد، مَغْبُود:
ف ت ح	فتح شده	فتح کننده	فاتح، مَفْتُوح:
ک ت ب	نوشته شده	نویسنده	کاتب، مَكْتُوب:



۲۰

ض رب	زده شده	زنده	ضارب، مصروف:
خ د م	خدمت شده	خدمت کننده	خادم، مخدوم:
ش ه د	دیده شده	بیننده	شاهد، مشهود:

٢١

٢٢

التمرين الثاني
وزن كلمات جدول را بنویسید.

مضارع	ماضي	ريشه
يخرج	أخرج	خرج
يفعل	أفعل	
يتسلّم	سلم	سلم
يفعل	فعّل	
يتعامل	تعامل	عمل
يتفاعل	تفاعل	
يتعلّم	تعلّم	علم
ينتفعُ	تفعل	
يستخدم	استخدم	خدم
يشتغل	اشتغل	
يسافر	سافر	سفر
يفاعل	فاغل	
ينكِّر	إنكَّر	نكِّر
ينتفعُ	إنفعَل	
يشتغلُ	أشتغلَ	شغل
يفتعلُ	إفتتعلَ	

٢٢

التمرين الثالث

پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به هم را به یکدیگر وصل کنید.

قواعد الشيره والثورو في الشارع والجادة.

١- قوانين المُثُور

قوانين عبور و صرور در خیابان و جاده.

قوانين راهنمایی و رانندگی

جائِب من الشارع لثورو الناس.

٢- المشتبه

قسمتی از خیابان برای عبور مردم.

بیمارستان

أوراق فيها أخبار و معلومات أخرى.

٣- الرصيف

برگه‌هایی که در آن خبرها و اطلاعات دیگر است.

بیاده رو

مكان مجهر لشخص المرضى.

٤- الصحيفة

مكانی مجهز برای رسیدگی به بیماران.

روزنامه

جريدة الدموع من الحزن.

٥- البكاء

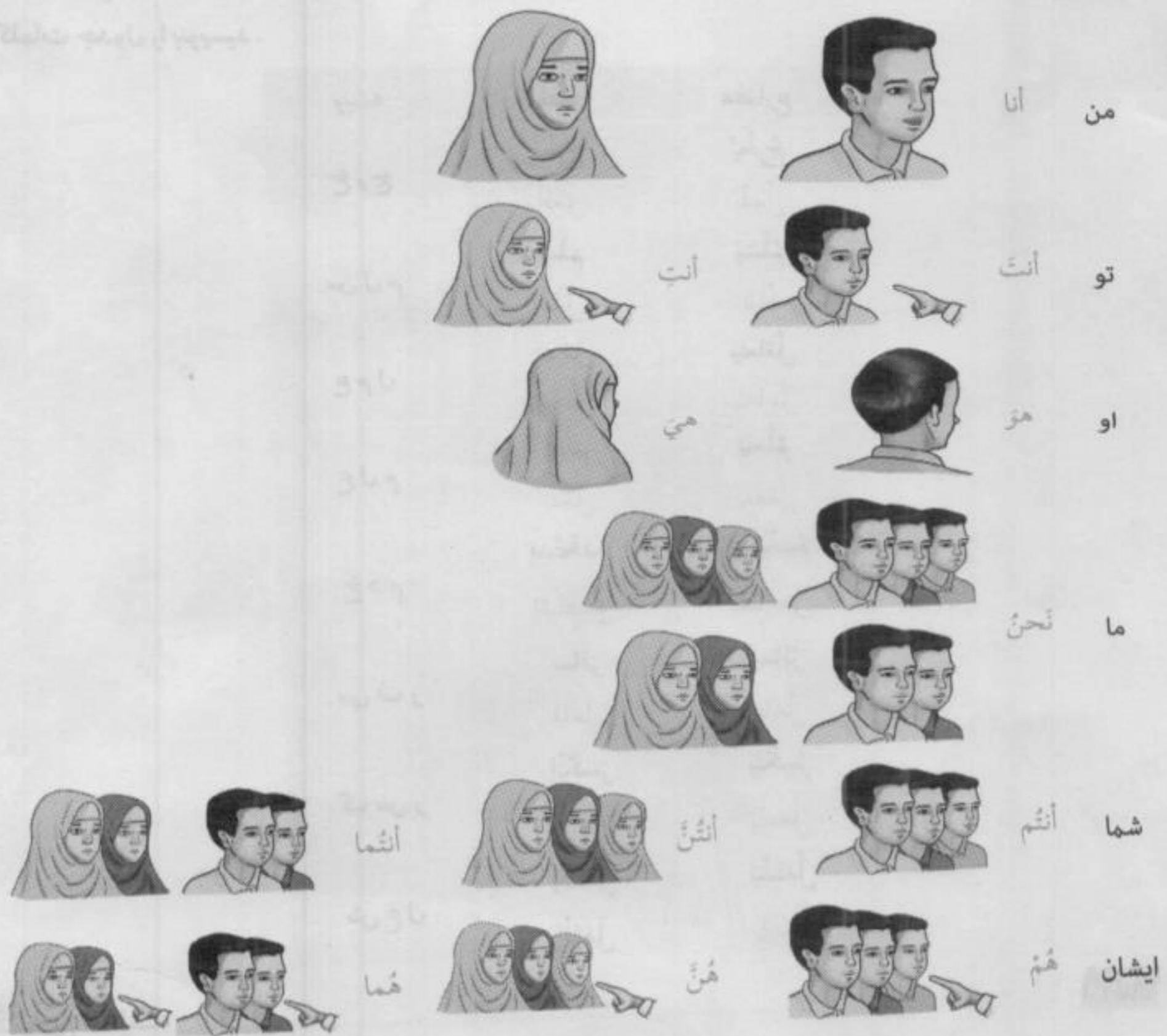
جريدة اشک از ناراحتی.

گریه کردن

التمرين الرابع

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ / هُمَا / هُم / هي / هُنَّ / أَنْتَ / أَنْشَمَا / أَنْشَم / أَنْتِ / أَنْشَنَّ / أنا / نَحْنَ



التمرين الخامس

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافی است.»

الثالي / جداريّة / تصاديّة / تلّميذ / الدّموع / حدث

١- يا زميلي ما بيك؟ لم أنت حزين؟ ماذا حدث؟

اي هم كلاسي تو را چه شده است؟ برای چه ناراحت هستی؟ چه اتفاقی افتاده است؟

٢- التلاميذ مشغولون بتهيّة صحيحة جداريّة.

دانشآموزان مشغول تهییه روزنامه دیواری هستند.

٣- أخي تلّميذ في الصف السادس الابتدائي.

برادرم دانشآموز کلاس ششم ابتدائی است.

٤- السيارات ياصاديّة أمام باب المصانع.

دو ماشین مقابل درب کارگاه تصادف کردند.

٥- الدّموع جاريّة على وجهي القليل.

اشكها بر صورت کودک جاري هستند.

الْتَّمْرِينُ السِّادِسُ

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهمانگ» است؟

<input type="checkbox"/> طائرة	<input type="checkbox"/> سفينة	<input type="checkbox"/> سيارة	<input checked="" type="checkbox"/> هادئ
<input type="checkbox"/> هواپیما	<input type="checkbox"/> کشتی	<input type="checkbox"/> ماشین	<input type="checkbox"/> آرام
<input type="checkbox"/> رصيف	<input type="checkbox"/> خاتم	<input checked="" type="checkbox"/> ساحة	<input type="checkbox"/> شارع
<input type="checkbox"/> پیاده‌رو	<input type="checkbox"/> انگشت‌تر	<input type="checkbox"/> میدان	<input type="checkbox"/> خیابان
<input type="checkbox"/> نظر	<input type="checkbox"/> شاهد	<input type="checkbox"/> رأى	<input checked="" type="checkbox"/> أكل
<input type="checkbox"/> دید	<input type="checkbox"/> دید	<input type="checkbox"/> دید	<input type="checkbox"/> خورد
<input checked="" type="checkbox"/> جار	<input type="checkbox"/> شای	<input type="checkbox"/> شراب	<input type="checkbox"/> ماء
<input type="checkbox"/> همسایه	<input type="checkbox"/> چای	<input type="checkbox"/> نوشیدنی	<input type="checkbox"/> آب
<input checked="" type="checkbox"/> نادی	<input type="checkbox"/> سیس	<input type="checkbox"/> لسان	<input type="checkbox"/> ید
صدا زد	دندان	زبان	دست

٢٤

الْتَّمْرِينُ السِّابِعُ

آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلمات براین وزن‌ها در آنها بیابید.

فعال: عباد

يَفْعُلُ، يَسْتَعْدِدُ

فعالة: سعاده

يَفْعَلُ

۱- مِنْ سَعَادَةِ إِنِّي أَدَمَ حَنْنَ الْخُلُقَ وَمِنْ شَفَاقَةِ إِنِّي أَدَمَ سَوْءَ الْخُلُقِ. (رسول الله)

از خوشبختی ادمیزاد اخلاق خوب و از بدبختی ادمیزاد اخلاق بد است.

۲- شَرْفُ النَّزَهَ بِالْعِلْمِ وَالْأَدْبِ لَا يَلِ الأَحْلَلُ وَالثَّنَبِ. (الإمام علي)

ارزش انسان به علم و ادب است نه به اصل و نسب.

۳- إِنَّ أَحَبَّتِ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْصَحَّهُمْ لِعِبَادَهُ. (رسول الله)

قطعاً محبوب‌ترین بندگان خدا نزد او اندرزگوت‌ترین آنها برای بندگانش است.

۴- خَنْثُ الْأَدْبِ يَشْرُقُ بَنْجَ الثَّنَبِ. (الإمام علي)

ادب نیکو زشتی نسب را می‌پوشاند.

۵- هَذِهِ اللَّهُ عَالَمُ غَيْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَضَمِّ. (الفاطر ۳۸)

قطعاً خداوند به اسرار آسمان‌ها و زمین دانا است.

٢٥

الْتَّمْرِينُ الثَّامِنُ

متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفَّ التَّاسِعِ، إِسْحَاقٌ، لِي أَخْتَانٌ: مَهْدِيمٌ وَلَالِينٌ، هُمَا صَفِيرَتَانٌ فَلَا تَذَهَّبَا إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَعِنْدِي أَخْوَانٌ:

هَاشِمٌ وَجَوَادٌ، هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ؛ أَنَّهُ تَخْرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَالآنُ هُوَ خَلْوَاتِي، جَوَادٌ فِي الصَّفَّ التَّاسِعِ، تَحْنُّ مِنْ مَدِينَةِ «سِرْوَان»

فِي مُحَافَظَةِ «سِيِّستان وَبَلْوَشِيَّة».

ترجمه متن: من دانش‌آموزی در کلاس نهم هستم. اسم من اسحاق است. دو خواهر دارم: مهدیم و لالین، آن دو کوچک

هستند و به مدرسه نمی‌روند و دو برادر دارم: هاشم و جواد. هاشم بزرگترین فرزند خانواده است. همانا او از مدرسه

فارغ‌التحصیل شده و اکنون قناد است. جواد در کلاس هفتم است. ما در شهر «سروان» در استان سیستان و بلوچستان هستیم.

۱- لِمَاذَا لَا تَذَهَّبُ مَهْدِيمٌ وَلَالِينٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ لَا هُمَا صَفِيرَتَانٌ.

چرا مهدیم و لالین به مدرسه نمی‌روند؟ زیرا آنها کوچک هستند.

۲- مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْأَتَيْنِ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟ هَاشِمٌ.

اسم بزرگ‌ترین پسر این خانواده چیست؟ هاشم

٢٦

٢٣

٢٤

التمرين التاسع

با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز را به دست بیاورید.

تصادمات / تکلم / تلامید / نادیشم / ملایع / آزهار /
 مُشَتَّشَفِی / إفتربت / شقاوة / أَنْصَح / تَقْتُلُونَ / حَذَرْشَمَا /
 أَخْوَات / إخْوَة / بُكَاء / سَيَارَات / وَقْتَ / الْوَان / يَرْسَمُنَ /
 أَسْمَاك / فِضَّة / حَزِينَة / فَجَاهَة

رمز

ف	ج	آ	ة
ی	ر	س	م
م	س	ت	ش
و	ق	ع	ت
ف	ض	ة	د
ن	ا	د	ی
ت	ل	ا	م
ک	س	م	ا
ت	خ	و	ت
م	ص	ب	ک
ت	ر	ر	م
ا	ق	ت	د
ب	ک	ا	م
ت	ن	ظ	ا
م	خ	و	ت
ر	ش	ه	ر
ن	ل	و	ا
ح	ل	و	ن
ا	ن	ص	ح
م	ه	ر	ت
ت	ز	ن	م
س	س	ی	ا
ش	ق	ا	و

رمز: «في سعة الأخلاق كثُرَ الأزرق».
 گنج های روزی در وسعت اخلاق است.

٢٧

نور الشماء

نور أسمان

بخوانيد و ترجمه کنيد.

١- «مَنْ آتَيْتُمْ بِأَشْوَقِ الْآخِرَةِ عَمَلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (البقرة ٦٢)

كساني که به خداوند و روز قیامت ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند پس یادداشان نزد یورودگارشان است.

٢- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْتُمْ بِأَشْوَقِ الْآخِرَةِ عَمَلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (الصف ٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا می گویند چیزی را که انجام نمی دهید.

۳- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَشْوَأَ حَسَنَةً» (الأحزاب ۲۱)

به راستی که رسول خدا (ص) الگوی خوبی برای شما است.

۴- «إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» (البقرة ۱۸۶)

هنگامی که بندگانم درباره من از تو بپرسند پس همانا من نزدیک هستم.

۵- «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» (المجادلة ۱۱)

خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) هَوَرَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى.

ب) الرَّصِيفُ جانِبٌ مِّنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.

ج) الدَّمْوَعُ جَارِيٌّ عَلَى وَجْهِ الظَّفَلَةِ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) إِنَّهُ تَخْرُجٌ مِّنَ الْمَدْرَسَةِ وَالآنُ هُوَ السَّانُقُ.

ب) التَّلَامِيذُ مُشغَلُونَ بِتَهْبِيَّةِ صَحِيفَةِ جَدَارِيَّةٍ.

ج) يَا صَانِعَ كُلِّ مَضْنُوعٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَعْلُوقٍ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

فتح شده

فتح کننده

الف) فاتیخ:

نوشته شده

نویسنده

ب) مکتوب:

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) رَقَدْ سَجَادَ فِي مُشْتَوْصِفٍ قَرِيبٍ مِّنْ بَيْتِهِ.

ب) رَجَعَ سَجَادَ وَبَدَا بِالْبَكَاءِ.

ج) طَلَبَ الْمَدِيرِسِ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَاعِينَ الْمُرُورِ.

د) السَّيَارَاتُ تَصَادَمَتَا أَمَامَ بَابِ الْمَكْتَبَةِ.

۵- در جملات زیر کلمات هم وزن «فاعل، مفعول، فعلیل» را مشخص کنید. (۱/۵)

الف) الصَّحِيفَةُ أُورَاقٌ فِيهَا أخْبَارٌ وَمَعْلُومَاتٌ أُخْرَى.

ب) إِنَّ اللَّهَ عَالَمٌ غَيْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

ج) كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَارَةِ قَلِيلَةً.

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

حروف زائد	حروف اصلی	هم خانواده	كلمه
م - و			متظلو
	ف - ت - ح		فاتیخ
		قادر	قادر

۷- وزن کلمات مشخص شده را بنویسید. (۱)

الف) شَرْفُ الْمَرْءَ بِالْعِلْمِ وَالْأَدْبِ.

ب) أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفَّ الْقَاسِيَّ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ الف) بیمارستان (۰/۵) ب) پیاده رو (۰/۵) ج) اشکها (۰/۵) ۲ الف) فارغ التحصیل، راننده. (هر مورد ۰/۲۵)
- ب) روزنامه دیواری (۰/۵) ج) ساخته شده‌ای، آفریننده (هر مورد ۰/۲۵) ۳ الف) فتح کننده (۰/۵) ب) نوشته شده (۰/۵)
- ۴ الف) سجاد در درمانگاه نزدیک خانه‌اش بستری شد. (۰/۵) ب) سجاد برگشت و شروع به گریه کرد. (۰/۵) ج) معلم از دانش آموزانش نوشتند قوانین راهنمایی و رانندگی را درخواست کرد. (۰/۵) د) دو ماشین مقابل درب کتابخانه تصادف کردند. (۰/۵)
- ۵ الف) معلوم بر وزن مفعول (۰/۵) ب) عالم بر وزن فاعل (۰/۵) ج) قلیل بر وزن فعل (۰/۵) ۶ هر مورد (۰/۲۵)

حروف زائد	حروف اصلی	هم خانواده	کلمه
م - و	ظ - ل - م	ظالم	مظلوم
ا	ف - ت - ح	مفتوح	فاتیخ
ی	ق - د - ر	قادر	قدیر

- ۷ الف) علّم بر وزن فعل ب) طالب بر وزن فاعل (هر مورد ۰/۵ نمره)

الدليل چشمِ الصداقَة: پُل راستگویی

بیت‌های	عداوهٔ	عداوهٔ	وقعت	الأیام	أحد	فِي	مَرْعَةٍ	فِي	أَخْوَيْنِ	وَسَعِيدٌ	حَمِيدٌ	كَانَ
بین آن دو	دشمنی	دشمنی	افتاد	روزها	یکی	در	گندم	در	مزرعه	دو براذر	برادر	بود
										برادر	بزرگ‌تر	حَمِيد

وَخَفِيَّتْ الْأَخْرَى الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخْرَى
وَخَشِمَكِينْ شَدْ بَرَادُرْ بَرَادُرْ بَرَادُرْ

حَمِيد و سَعِيد دو بَرَادُر در مَرْعَة گَنْدَم (گَنْدَم زَار) بودند؛ در یکی از روزها بین آن دو دشمنی افتاد و حَمِيد بَرَادُر بَزرگ‌تر بَرَادُر

الْأَضْفَرِ «سَعِيدٌ» وَقَالَ لَهُ: «أَتَرْجِعُ مِنْ مَرْعَعِي..»
کوچک‌تر سَعِيد گفت به او خارج شو از مَرْعَة من

سَعِيد بَرَادُر کوچک‌تر خشمنگین شد و به او گفت: «از مَرْعَة من خارج شو.»

وَقَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: «أَخْرَجْتِي مِنْ بَيْتِنَا.»
و گفت همسر حَمِيد به همسر سَعِيد خارج شو از خانه ما

و همسر حَمِيد به همسر سَعِيد گفت: «از خانه ما خارج شو.»

فِي صَبَاحِ أَخْدِ الأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ فَتَحَّمَّلَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ تَجَارًا؛
در صبح یکی روزها کوید مردی درب خانه حَمِيد هنگامی که باز کرد حَمِيد درب خانه مشاهده کرد تجارت

در صبح یکی از روزها، مردی در خانه حَمِيد را کوید (زد): هنگامی که حَمِيد در خانه را باز کرد، تجارت را دید:

فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَقْلِبُتْ وَمَنِي؟»
پس از او پرسید چه می‌خواهی از من

پس از او سؤال کرد: «از من چه می‌خواهی؟»

أَجَابَ النَّجَارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَقْلٍ؟»
جواب داد تجارت جست و جوی می‌کنم از کار آیا نزد تو کار

تجارت جواب داد: «به دنیال کار می‌گردم؛ آیا تو کاری داری؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالْتَّأْكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدِكَ.»
پس گفت حمید با تأکید نزد من مشکل و حل آن در دست تو

حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»

قَالَ النَّجَارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْثُ جَارِيٌّ هُوَ أَخْيَرُ
گفت: نجار چیست آن مشکل تو جواب داد حمید آن خانه همسایه من او برادرم
نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه من است؛ او برادرم و دشمن است؛

وَعَدَوْيٌ: أَنْظَرَ إِلَى ذَلِكَ التَّهْرَ هُوَ قَسْمٌ
دشمن نگاه کن به آن رود او تقسیم کرد

به آن رود نگاه کن؛

الْمَرْعَةَ إِلَى يَصْقِينَ يَذْلِكَ التَّهْرَ إِنَّهُ غَصْبَانَ عَلَيْهِ عِنْدِي أَخْشَاتُ
مزروعه به دونیم با آن رود همانا او کند زیرا خشمگین بر من نزد من جوبها

كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَنِ رِجَاءٌ اضْطَرَ
زياد در ایار لطفاً بزار

او مزرعه را به وسیله آن رود به دو نیم تقسیم کرده است؛ همانا او رود را حفر کرده زیرا او بر من خشمگین (از دست من عصبانی) است. من چوب‌های زیادی در ایار دارم؛ لطفاً

جَدَارًا حَقَبَيَا بَيَّنَا.
دیوار چوبی بین ما

دیواری چوبی بین ما درست کن.»

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَارِ «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى التَّوْقِ وَأَرْجِعُ مَسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى
پس گفت نجار من صروم به بازار برمی‌گردم عصر هنگامی که برگشت حمید به

مَرْعَعِيَّةَ مَسَاءَ تَحْجِبَ كَثِيرًا النَّجَارَ مَا
مزروعه عصر تحجب کرد زیاد نجار

سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و عصر برمی‌گردم.» هنگام عصر که حمید عصر به مزرعه‌اش برگشت بسیار تعجب کرد؛

صَنْعَ جَدَارًا بَلْ صَنْعَ جَسْرًا عَلَى التَّهْرِ وَقَالَ لِلنَّجَارِ
ساخت دیوار بلکه ساخت پل بر رود پس عصبانی شد حمید گفت به نجار

«مَاذَا فَعَلْتَ إِنْ لَمْ صَنَّفْتَ جَسْرًا!»
چه کردی برای چه ساخته‌ای پل

نجار دیواری نساخت؛ بلکه پل روی رود ساخت؛ حمید عصبانی شد و به نجار گفت: «چه کرده‌ای؟ چرا پل ساخته‌ای؟»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَشَاهِدٌ جَسْرًا فَخَبَسَ أَنَّ حَمِيدًا أَمْرَ بِعُصْنَيْعِ
در آن زمان رسید سعید و دید پل پس فکر کرد که حمید امر کرد به ساختن

الْجِسْرِ فَعَبَرَ الْجِسْرَوْ بَدَأَ بِالْكَاءِ وَقَبْلَ
پل پس عبور کرد پل شروع کرد به گریه کردن و بوسید برادرش را

در این هنگام، سعید رسید و پل را مشاهده کرد؛ پس گمان کرد که حمید دستور ساختن پل را داده است؛ پس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و

أَعْذُرْنِي ذَهْبٌ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَارِ وَشَكَرَةً وَقَالَ: «أَنْتَ صَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ».»
معذرٌ خواهی کرد رفت حمید به سوی نجار از او تشکر کرد گفت تو میهمان من برای سه روز

معذرٌ خواهی کرد؛ حمید به طرف نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز میهمان من هستی.»

إِغْتَدَرَ النَّجَارُ وَقَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرٌ عَلَيَ الْدَّهَابِ لِصُنْعِهَا.»
عذرٌ خواهی کرد نجار گفت پلهای زیاد باقی است برای من رفتن برای ساختن آنها

نجار معذرٌ خواهی کرد و گفت: «پلهای زیادی باقی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم.»

إِثْنَانِ لَا يَنْظَرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قاطِعَ الرَّحْمِ وَجَارُ التَّوْءِ. الْإِمَامُ عَلَيْ
دو چیز نگاه نمی کند خدا به آن دو قطع کنند فامیل همسایه بد امام اعلی

دو چیز است که خداوند به آنها نگاه نمی کند؛ جدا کننده فامیل و همسایه بد. امام اعلی (ع)

سؤال متن

با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست

درست

- ١- «قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: أُخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.»
همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ما خارج شو.
- ٢- «صَنَعَ النَّجَارُ جَدَارًا خَشِيبًا بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.»
نجار دیواری چوبی بین دو برادر ساخت.
- ٣- «بَقِيَ النَّجَارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»
نجار سه روز در خانه حمید ماند.
- ٤- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.
سعید مزرعه را به دو قسمت (نصف) تقسیم کرد.
- ٥- مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَمَا قَبَلَ أَخَاهُ.
سعید پشیمان نشد و برادرش را نبوسید.
- ٦- حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.
حمید از سعید بزرگ‌تر است.

فِعْلُ الْأَمْرِ (١)

فِعْلُ الْأَمْرِ ← (يَا وَلَدُ، إِفْعَلُ)، (يَا بِنْتُ، إِفْعَلِي)



لَمْ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ الْقَبْ مَعَ زَمَلَاتِكَ.
چرا تو تنها هستی؟ با هم کلاسی‌هایت بازی کن.

فعل امر ۱

فعل مر: فعلی است که به کمک آن به کسی یا چیزی دستور می‌دهیم تا کاری انجام دهد.

نکته: فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود.

به الگوی زیر دقت کنید.

فعل امر	فعل مضارع	ضمیر
إفعَل	تَفْعَلُ	أَنْتَ
إفعَلْتِي	تَفْعَلَيْتِي	أَنْتِ

تفاوت فعل‌های مضارع و امر را کنید.

به جدول زیر دقت کنید:

فعل امر (مؤنث)	فعل مضارع (مؤنث)	فعل امر (ذكر)	فعل مضارع (ذكر)
إنهضي = بلند شو	تَهْضِيَنَ = بلند می‌شوی	إنهض = بلند می‌شوی	تَهْضِيَنَ = بلند می‌شوی
إشربى = بنوش	تَشْرِبَيْنَ = می‌نوشی	إشرب = می‌نوشی	تَشْرِبَيْنَ = می‌نوشی
أظلّبى = بخواه	تَظْلِبَيْنَ = می‌خواهی	أظلّب = می‌خواهی	تَظْلِبَيْنَ = می‌خواهی
گندم را درو کن.	اززعی فتحاً.	كليد را پيدا کن.	ابحث عن المفتاح.
به سوی پروردگارت باز گرد.	إزْجَمِي إِلَى زِيْكَ	پرچم ایران را بلند کن.	إرْفَعْ عَلَمَ إِيرَانَ.
از مادرت تشکر کن.	أشْكُرِي أَمْكَ.	بهترین کارها را طلب کن.	أَظْلَبْ سَيِّرَ الأَمْوَالِ.

۳۴

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

نادرست

درست

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را براساس حقیقت بنویسید.

۱- الفلاح يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ وَالْمَوَظْفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.

کشاورز در کارگاه و کارمند در اداره کار می‌کند.

۲- مَرْقَدُ الْإِمَامِ الْقَالِبُ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خَرَاسَانَ.

مرقد امام سوم در شهر مشهد در استان خراسان است.

۳- الْمَخْرَنُ مَكَانٌ تَجْمَعُ وَتَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءٌ مُخْتَلِفَةٌ.

انبار مکانی است که در آن چیزهای مختلفی را قرار می‌دهیم و نگهداری می‌کنیم.

۴- بَعْدَ تَصادِمِ سَيَارَتَيْنِ يَاتِيُ شُرطَيُّ الْمُرْوَرِ.

بعد از تصادف دو ماشین پلیس راهنمایی و رانندگی می‌آید.

۵- الْجِنَّرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرْضَى لِلِّعْلاجِ.

پل مکانی است که در آن بیماران برای معالجه بستری می‌شوند.

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رجاء، *التعيي* معنا کرمه المنشدة.

لطفاً با ما تنسیس روی میربازی کن.

رجاء، *الثَّبَتْ* معنا کرمه القدم.

لطفاً، با ما فوتیال بازی کن.

الْتَّمْرِينُ التَّالِيُّ

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱- «*رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ*» (المؤمنون ۱۰۹) فعل امر؛ إغفر - إرحم

پروردگارا ایمان اور دیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲- «... وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقِي فِي الْآخِرَةِ» (الشعاراء ۸۴) فعل امر؛ إجعل

در زبانم راستی برای دیگران قرار بده.

۳- «*رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ*» (المائدة ۸۳) فعل امر؛ أكتب

پروردگارا ایمان اور دیم پس ما را در زمرة گواهان بنویس.

۴- «... وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران ۱۴۷) فعل امر؛ انصر

و ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صیعاب / صالحات / راحمون / زوجة / چنرین / تلمیذتان

جمع مکسر	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	مثنای مؤنث	مثنای مذکر	فرد مؤنث
صیعاب	صالحات	راحمون	تلمیذتان	چنرین	زوجة

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

ترجمه کنید.

۱- يا أخی، اشمع کلام مُدرِّسنا. برادرم، سخن معلممان را گوش کن.

۲- يا أختی، اضنی مُستَقِلَّک. خواهرم آیندهات را بساز.

۳- يا أیّهَا التَّلَمِيذُ، أشکُرْرَبِّک. ای دانش‌آموز، پروردگارت را شکر کن.

۴- يا أیّهَا التَّلَمِيذَةُ، أشکُرْرَبِّک. ای دانش‌آموز، پروردگارت را شکر کن.

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ

٣٦

<input type="checkbox"/> أَنْجُوذ	<input checked="" type="checkbox"/> إِرْحَم
<input type="checkbox"/> مَخْزَنًا	<input checked="" type="checkbox"/> جِنَارًا
<input type="checkbox"/> حَيْبَ	<input checked="" type="checkbox"/> قَسْمٌ
<input type="checkbox"/> حَفَرٌ	<input checked="" type="checkbox"/> رَقَدٌ
<input checked="" type="checkbox"/> غَضْبَانٌ	<input type="checkbox"/> خُنْرَانٌ
<input checked="" type="checkbox"/> مَضْطَعٍ	<input type="checkbox"/> مَلْعُوبٍ

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- ١- مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللهِ
به کسی که در زمین است رحم کن تا آنکه در آسمان است به تو رحم کند.
- ٢- الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِغُبُورِ السَّيَارَاتِ.
مهندسان پُلی برای عبور ماشین‌ها ساختند.
- ٣- سَعِيدٌ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصَافَيْنِ بِذِلِكِ النَّهَرِ.
سعید با آن رود مزرعه را به دو نیم تقسیم کرد.
- ٤- عَجَزَ الْمَرِيضُ فِي الْمُسْتَشْفَى.
بیمار ناتوان شد پس در بیمارستان بستری شد.
- ٥- ظَلَّتْ صَدِيقَكَ فَهْوَ عَلَيْكَ.
به دوست ستم کردی پس او بر تو خشمگین شد.
- ٦- جَازَنَا يَغْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ.
همسایه ما در کارگاه صندلی‌سازی کار می‌کند.

٣٧

الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ

کلمه‌های متراծ و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جمال / تلمیذ / عندهما / خزین / قبیح / مخزون / لقا / شقاوة / طالب / سعاده
جمال ≠ قبیح / تلمیذ = طالب / عندهما = لقا / خزین = محروم / سعادت ≠ شقاوة
زیبایی ≠ زشتی / دانش آموز / هنگامی که / غمگین / خوشبختی ≠ بدبوختی

٣٧

كَلْمَةُ الْحِكْمَةِ

کنج دانش

پخوانید و ترجمه کنید.

١- أَعْلَمُ أَنَّ التَّضَرُّعَ الصَّبِيرِ.

بدان که پیروزی همراه با شکیبایی است.

٢- لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ.

کسی که از مردم تشکر نمی‌کند خدا را شکر نمی‌کند.

٣- أَغْبَجَ النَّاسَ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكِتَابِ الْإِخْوَانِ.

عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران (دوستان) عاجز باشد.

٤- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوكَ، قَاتِلْهُ عَقْوَةً شُكْرًا لِلْقَدْرَةِ عَلَيْهِ.

هنگامی که بر دشمنت قدرت یافته؛ پس بخشش را شکری بر قدرت علیه او قرار بده.

٥- الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْرَانُ كُلَّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْقَنْزِيرَ يَكْثُفُانُ كُلَّ عَيْبٍ.

علم و ثروت هر عیبی را می‌یوشانند و نادانی و فقر هر عیبی را نمایان می‌کنند.

فَعَالِيَّتُ

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه...) پیدا کنید که فعل امرداشته باشد.

الْإِبْسَامَةُ (الْبَخْنَدُ)

قَالَتِ الْوَالِدَةُ لِطَفْلَتِهَا:

مادر به دختر کوچکش گفت:

٣٨

إذ هي إلى ساحة المترى وأنظرى هل السماء صافية أم سحابية؟

به حياد خانه برو و ببين أسمان صاف است يا ابرى؟

ذهبت الظللة ثم رجعت وقالت:

كودك رفت، سپس برگشت و گفت:

«آسفه يا والدى، لأننى ما قدرت أن أنظر إلى السماء لأن المطر كان شديداً.»

متأسف مادر چون من نتوانستم به أسمان نگاه کنم آخر باران شدید بود.

أرزشیابی مستمر

١- فقط واژه های مشخص شده را ترجمه کنید. (١/٥ نمره)

الف) صنع التجار جسرا خشياً بين الأخرين.

ب) أطلب خير الأمور.

ج) الموظف يَعْمَلُ في الادارة.

٢- ترجمه های ناقص را كامل کنید. (١/٥)

الف) أَنْصُرْنَا عَلَى قَوْمِ الْكَافِرِينَ.

ب) الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتَرَانَ كُلَّ عَيْبٍ.

ج) أَنْتَ ضَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ:

٣- ترجمة صحيح را انتخاب کنید. (١)

الف) يَشْمَعُ:

ب) إِغْلَقْنِي:

٤- جمله های زیر را به فارسي روان ترجمه کنید. (٢)

الف) أَمْرَ حَمِيدٍ بِصُنْعِ الْجَنِّ.

ب) التَّجَارُ مَا صَنَعَ جَدَارًا.

ج) يَا أَخِي، أَشْكُرْرَبِكَ.

د) يَا أَيُّهَا الْقَلِيمُ، إِنْتَعْ كَلَمَ مُدَرِّسَنا.

٥- جدول زیر را كامل کنید. (١)

«سياراتين - أيام - سوق - مُؤظفون»

جمع مكسر

جمع مذكر سالم

مثنى مؤنث

فرد مذكر

٦- كزينة مناسب را انتخاب کنید. (١)

الف) رِجَاءٌ مَعْنَى كُرْبةِ الْقَدْمِ.

ب) الْفَلَاحُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ

٧- کلمات متراوef و متضاد را با (≠ ، =) مشخص کنید. (١)

(لتا عندما) (شقاوة سعادة)

٨- در جملات زیر فعل های امر را بیابید و آن ها را معنی کنید. (١)

الف) إِغْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ.

ب) إِجْعَلْ لِي لِسَانَ صَدِيقَ فِي الْآخِرِينَ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱. الف) پُل (۰/۵) ب) طلب کن (۰/۵) ج) کارمند (۰/۵) ۲. الف) پیروزگردان (۰/۵) ب) می‌بتوانند (۰/۵) ج) سه (۰/۵)
 ۳. الف) می‌شنود (۰/۵) ب) بدان (۰/۵) ۴. الف) حمید دستور به ساختن پل داد. (۰/۵) ب) نجات دیواری نساخت. (۰/۵)
 ۵. برا درم؛ پروردگارت را شکر کن. (۰/۵) د) ای دانشآموز؛ سخن معلمان را گوش کن. (۰/۵) هر مورد (۰/۲۵)

جمع مکثت	مفرد مذکور	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	أيام
سوق	سياراتين	موظفوون	متناين	أيام

۶. الف) إلْعَبَ (۰/۵) ب) المزرعة (۰/۵) ۷. لَمَا = عندما (۰/۵) شقاوة ≠ سعادة (۰/۵) ۸. الف) إِغْلَمَ = بدان (۰/۵)
 ب) إِجْعَلَ = قرار بده (۰/۵)

الصَّبَرُ مفتاحُ الْفَرَجِ: صبر کلید گشایش است.

۳

طلاب	من	طاليا	اثنا عشر	ذهب	في	بلاد	قبل	أربعين	سنة	في	ذهاب	هذا	وقت
دانشجویان	از	دانشجو	دوازده	دواده	در	كشور	سال	قبل	چهل	در	كتور	اين	حکایت
			رفت										افتاد
													الجامعة
													مع استاذهم إلى سفرة علمية
													دانشگاه با استادشان به سفر علمی

این حکایت چهل سال قبل در کشوری اتفاق افتاد؛ دوازده دانشجو از دانشجویان دانشگاه به همراه استادشان به سفری علمی

لتهیة	أنجات	عن الأسماك؛	كانت	مياه البحر	هادنة؛	فجأة ظهر	سحاب في
برای تهیه	پژوهش‌ها	دریاره	ماهی‌ها	دریا	آرام	آرام ناگهان	اشکار شد ابر در

برای تهیه پژوهش‌هایی دریاره ماهی‌ها رفتند. آب‌های دریا آرام بود، ناگهان ابری در آسمان آشکار شد پس باد شدیدی وزید و دریا مواج شد.

البحر	متواجهًا	فاصابت	صخرة؛	سفينة	فخاروا؛
دریا	متوجه	پس برخورد کرد	صخره	پس ترسیدند	فخاره

السفينة	انكسرت	قليلًا	ولكيها
کشتی	شکست	اندکی	اما

پس کشتی آنها به صخره‌ای برخورد کرد؛ پس ترسیدند؛ کشتی اندکی ترک برداشت اما غرق نشد.

رَبَّهُمْ	وَشَكَرُوا	كثیراً	فرحا	عِنْدَمَا	وَصَلَوا	إِلَى	جزيرَةٍ مَجْهُولَةٍ،	يَوْمَانِ	مَضَى	فِيهَا؛	وَنَزَلُوا
غرق نشد	هنگامی که	رسیدند	به زیاد	به جزیره	ناشناخته	جزیره	خشحال شدند	رسیدند	گذرانند	در آن	گذرانند

هنگامی که به یک جزیره ناشناخته رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آنجا پیاده شدند؛ دو روز را در آنجا گذرانند پس کسی را در

الجزيرَة	وما جاءَ	أخذَ	لَهُمْ	لَنْجاتِهِمْ؛	يَا شبابَ	عَلَيْكُمْ	بِالْمُحاوَلَةِ.
جزیره	نیامد	کسی	بر آنها	برای نجات آنها	استاد	ای جوانان	تلاش کردن



ماحدَتَ	كَانَهُ	واعْمَلُوا	بِهِ	كَانَهُ	كَانَهُ	كَانَهُ	إِنْسَنُوا
سخنم را	الْجَامِدَ	بِهِ أَنَّ	مُثِلَّ إِيْنَكَهُ	الْجَامِدَ	بِهِ أَنَّ	مُثِلَّ إِيْنَكَهُ	بِشَوْبَدَ

جزیره نیافتند و کسی برای نجات آنها نیامد؛ استاد به آنها گفت: «ای جوانان شما باید تلاش کنید. سخنم را گوش کنید و به آن عمل کنید، مثل اینکه هیچ اتفاقی رخ نداده است.

شَيْءٌ.	عَلَيْكُمْ	بِمُواصِلَةٍ	أَبْحَاثِكُمْ».
يا چيزی	بر شما	به ادامه دادن	پژوهشتن
باید پژوهشتن را ادامه دهید.»			

عَنْ	إِنْجَنَهُوا	«يَا طَلَابَ،	الْأُولُ:	وَقَالَ لِلْفَرِيقِ	أَفْرَقَهُ	أَرْبَعَةَ	إِلَى	فَسَمَّهُمْ	ثُمَّ
دریاره	جستجو کنید	دانشجویان پسر	اول	و گفت	به تیم	چهار	تیمها	با	پس تقسیم کرد آنها را
پس تقسیم کرد آنها را به چهار گروه (تیم) به دنبال شکاری بگردید و هیزم جمع کنید.»									

پس آنها را به چهار گروه (تیم) تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان (پسر) به دنبال شکاری بگردید و هیزم جمع کنید.»

وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الْثَانِي:	«يَا طَالِيَانَ،	إِجْلَابًا	يَقْضِي	الْأَشْيَاءِ الْصَّرُورَيَّةِ	مِنَ السَّقْفِيَّةِ.»
گفت به گروه دوم	ای دو دانشجوی پسر	بردارید	بعضی	چیزها	ضروری از کشتی

و به گروه دوم گفت: «ای دو دانشجو (پسر) بعضی از چیزهای ضروری را از کشتی بردارید.»

وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الْثَالِثِ:	«يَا طَالِيَاتُ،	أَظْبَخْنَ	لَنَا	لَنَا	طَالِيَاتُ،	وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الْثَالِثِ:
گفت به گروه سوم	ای دانشجویان دختر	بیزد	برای ما	غذا	غذا	گفت به گروه دوم

و به گروه سوم گفت: «ای دانشجویان دختر برایمان غذا بیزید.»

وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ:	«يَا طَالِيَاتَ،	إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ:	«يَا طَالِيَاتَ،	إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ:
گفت به گروه چهارم	ای دو دانشجوی دختر	جست و جو کنید	گفت به گروه چهارم	ای دو دانشجوی دختر	جست و جو کنید	گفت به همگی

و به گروه چهارم گفت: «ای دو دانشجو (دختر) به دنبال مواد غذایی بگردید.»

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ:	إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	مَضَى	أَسْبُوعٌ.	فِي يَوْمٍ	مِنَ الْأَيَّامِ
پس گفت به همگی	صبر کنید	همانا خدا	با صبر کنندگان	یک هفته در روزی	از روزها

نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ	وَأَصَابَتْ صَاعِقَةً
نازل شد باران شدید	برخورد کرد رعد و برق

سپس به همگی گفت: «صبر کنید؛ قطعاً خدا با صبر کنندگان است.» یک هفته گذشت. در روزی از روزها، باران شدیدی بارید و رعد و برق

سَفِيتُهُمْ فَاخْتَرَقَتْ.	قَالَ الْقَلَابُ:	لَا رَجَاءَ لِتَجَانِتِهَا.	فَقَرَأَ	الْأَسْتَاذُ هَذِهِ	عَنْ	يَا أَيُّهَا الْأَيَّاهُ
کشتی آنها سوخت	گفت دانشجویان	امیدی نیست	به نجات ما	پس خواند	استاد	این آیه ای

الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا
کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید

به کشتی آنها برخورد کرد و کشتی سوخت. دانشجویان گفتند: «هیچ امیدی به نجات ما نیست.» پس استاد این آیه را خواند: «ای کسانی که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید.»

حَرَنَ الْطَّلَابُ وَقَالُوا: «نَفْدَنَا سَفِيَّتَا».

أَحَدُهُمْ بَفْتَةً: ناراحت شد دانشجویان گفتند از دست دادیم کشتی‌مان فریاد زد یکی از آنها ناگهان دانشجویان ناراحت شدند و گفتند: «کشتی‌مان را از دست دادیم.» و بعد از ادای نماز و دعا ناگهان یکی از آنها فریاد زد:

«أَنْظُرُوا يَا زُعْلَانِي. أَنْظُرُنَّ يَا زَمْلَاتِي. تَلَكَ سَفِينَةٌ حَرَبَيَّةٌ تَقْرِبُ مِنَّا.»

نگاه کنید ای هم‌کلاسی‌های من نگاه کنید ای هم‌کلاسی‌های من آن کشتی جنگی نزدیک می‌شود به ما «ای هم‌کلاسی‌های من (بسر) نگاه کنید. ای هم‌کلاسی‌های من (دختر) نگاه کنید. آن کشتی به ما نزدیک می‌شود.»

السَّفِينَةُ الْحَرَبَيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَنَزَّلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرَحَ الْطَّلَابُ وَسَأَلُوا الْجُنُودَ: «كَيْفَ كَشْتِي جنگی نزدیک شد به آنها بیاده شد از آن سربازان خوشحال شد دانشجویان پرسیدند سربازان چگونه وَجَذَّمُ مَكَانًا؟»

وَجَذَّمْ مکانات؟

یافید جای ما جواب داد سربازان

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازانی از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند: «چگونه جای ما را پیدا کردید؟» سربازان جواب دادند:

«رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا وَشَاهَدْنَاكُمْ.»

دیدیم دودی از دور آمدیم مشاهده کردیم شما را

«دودی را از دور دیدیم. پس آمدیم و شما را مشاهده کردیم.»

۴۲ سؤال متن

با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست درست

۱- ذَهَبَ الْطَّلَابُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْبِيَةِ أَبْحَاثٍ عَنِ الْبَيَاتِ.

دانشجویان برای تهیه پژوهش درباره گیاهان به این سفر رفتند.

۲- مَا وَجَدَ الْطَّلَابُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.

دانشجویان انسانی غیر از خودشان در جزیره نیافرند.

۳- «عَشَرَةُ طَلَابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.»

ده دانشجو در سفر علمی بودند.

۴- كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِيَّةً فِي الْبِدايَةِ.

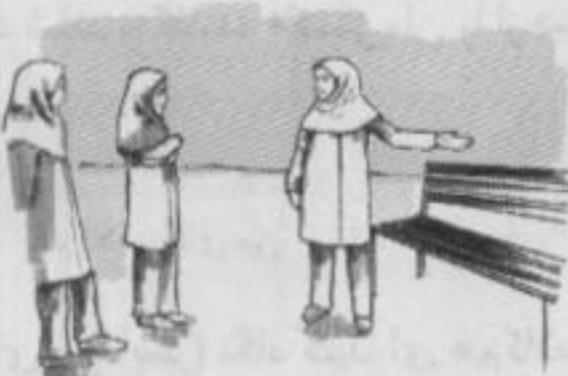
در ابتدا آب دریا آرام بود.

۵- وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَيِّنَ.

این حکایت دو سال قبل اتفاق افتاد.

فعل الأمر (٢)

فعل الأمر (٢) ← (يا أولاد، افعلوا)، (يا بنات، افعلن)، (يا ولدان، افقل)، (يا بنتان، افعلنوا)



رجاء، اجلسن هناك.
لطفاً آنجا بنشينيد.



رجاء، انزلوا من الحافلة
لطفاً از اتوبوس پياده شويد.



ابحثا عن الجواب في الكتاب.
جواب را در کتاب جستجو کنید.



ابحثا عن الجواب في الكتاب.
جواب را در کتاب جستجو کنید.

٤٢

نهام (دورة أول متوسطه)

بدائمه

فعل أمر ٢

همان طور که در درس گذشته با فعل امر مفرد مذکرو مفرد مؤنث آشنا شدیم، در این درس با فعل امر مثنی و جمع آشنا خواهیم شد.
به الگوی زیر دقت کنید:

فعل امر	فعل مضارع	ضمير
افعلا	تفعلان	أَتَّسما
افعلوا	تفعلون	أَنْتُمْ
افعلن	تفعلن	أَنْتُنَّ

تفاوت فعل های مضارع و امر را کشف کنید.

فعل امر (مؤنث)	فعل مضارع (مؤنث)	فعل امر (مذكر)	فعل مضارع (مذكر)
إِنْهَضَا = بلند شوید	إِنْهَضَان = بلند می شوید	إِنْهَضَا = بلند شوید	إِنْهَضَان = بلند می شوید
إِشْرِبَن = بنوشید	إِشْرِبَن = می نوشید	إِشْرِبَا = بنوشید	إِشْرِبَن = می نوشید
أَظْلَبَن = بخواهید	أَظْلَبَن = می خواهید	أَظْلَبَا = بخواهید	أَظْلَبَن = می خواهید

نکته: با دقت در فعل های جمع مؤنث متوجه می شوید که آخر فعل در امر تغییر نمی کند.

نهام

٣٦

ترجمه کنید.

عکس شهید را رسم کن.

أَرْسِمِي صُورَةَ الشَّهِيدِ.

سخن حق را بپذیر.

اقْبَلَ الْكَلَامُ الْحَقُّ.

برای خداوند، پروردگار جهانیان سجده کنید.

أَشْجُدُ إِلَهَ الْوَرَبِ الْعَالَمِينَ.

دستانتان را قبل از غذا بشویید.

أَغْسِلَا أَيْدِيْكُمَا قَبْلَ الْفَدَاءِ.

از همنشینان بد دوری کنید.

أَهْرَبُنَ مِنْ جَلِيلِسَاتِ الشَّوَّءِ.

نعمت خداوند بر شما را یاد کنید.

﴿إِذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾

٤٤

٤٥

٤٤

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱- بِلَادٍ كَبِيرَةٍ جِدَّاً فِي شَرقِ آسِيا. کشور بسیار بزرگ در شرق آسیا. الضین: چین.

۲- إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالْإِسْتِمَارُ عَلَيْهِ. ادامة کار و استمرار آن. مواصلیه: ادامه دادن

۳- شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ نَسْرِيَّةٌ وَلَا لَوْنَ لَهُ. برای زندگی ضروری است و هیچ رنگی ندارد. ماء: آب.

۴- يُدَرِّسُ فِيهَا الْأَسْتَاذُ وَيَتَخَرَّجُ مِنْهَا الْقَلَابُ. استاد در آنجا درس می دهد و دانشجویان از آن فارغ التحصیل می شوند. جامعه: دانشگاه

۵- الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِ الْبُلوغِ وَلَيْسُ أَطْفَالًا. کسانی که به سن بلوغ رسیدند و بچه نیستند. شباب: جوانان

۶- مَجْمَوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الزُّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ. مجموعه ای از ورزشکاران یا مجموعه ای از هم کلاسی هادر کار. فریق: تیم.

٤٤

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.

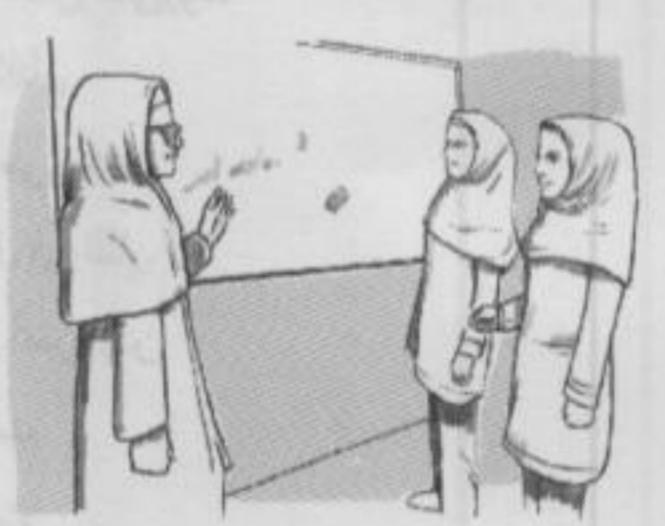


يَا صَدِيقَاتِي، رَجَاءَ أَخْرَجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دوستان من، لطفاً از کتابخانه خارج شوید.

يَا أَضْدِقَاتِي، رَجَاءَ، أَخْرَجُوكُمَا مِنَ الصَّفَّ.

ای دوستان من، لطفاً از کلاس خارج شوید.



يَا صَدِيقَاتِنَ، أَكْتُبَا جَوابَ السُّؤَالِيْنِ.

ای دو دوست، جواب این دو سوال را بنویسید.

يَا صَدِيقَاتِنَ، اخْمَلَاهُنَّهُنَّ الْمِنْضَدَّةَ.

ای دو دوست، این میز را بردارید.

٣٧

الْتَّمَرِينُ التَّالِيُّ

٤٥

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

فعل امر: إغْفِرْ

١- «رَبَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي» (القصص ١٦)

پروردگار، من به خودم ظلم کردم پس مرا بیامز.

فعل امر: إذْهَبْ

٢- قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ إِذْهَا إِلَى فَرَعَوْنَ» (ظَهَرَ ٤٣)

خداؤند به موسی و هارون گفت (به سوی فرعون بروید)

فعل امر: إغْفِرْ - إرْحَمْ

٣- «رَبَّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (المؤمنون ١١٨)

پروردگارا بیامز و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی.

فعل امر: أَسْجُدْ دوا

٤- «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا»

و هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجد کنید پس سجده کردند.

فعل امر: إعْمَلْوا

٥- «... إِعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلَيْمٌ» (المؤمنون ٥١)

عمل صالح انجام دهید همانا من به آنچه انجام می دهید دانا هستم.

٤٥

(٢٦٥) (٢٦٦) (٢٦٧)
الْتَّمَرِينُ الْرَّابِعُ

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ

جمله های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

چرا ترجمه یکی است؟

ترجمه فارسی

جمله عربی

ای دانش آموزان به نزول باران چون در زبان فارسی جمع مذکور و
جمع مؤنث وجود ندارد.

يَا طَلَابَاتُ، انتَظِرُوا إِلَى نُزُولِ الْمَقْطَرِ.

يَا طَالِيلَاتُ، انتَظِرُنَ إِلَى نُزُولِ الْمَقْطَرِ.

ای دانش آموزان لباس های
مناسب بپوشید.

يَا طَالِيلَانُ، البَسْ مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.

يَا طَالِيلَاتُانُ، البَسْ مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.

دانش آموزان عزیز، برای مطالعه آزمون پایانی دی ماه به انتحای کتاب قسمت آزمون پایانی مراجعه کنید.

٤٦

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِيِّ بِغَدَّ الْمَدْرَسَةِ.

١- قاطع الرَّحِيم

جدا کننده فامیل

محل تحصیلات عالی بعد از مدرسه.

٢- الْمَوَاصِلَةُ

ادامه دادن

هوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِزِيَارَةِ أَقْرِبَائِهِ.

٣- الْجَامِعَةُ

دانشگاه

کسی که به دیدار نزدیکانش نمی رود.

٤- الْحَطَبُ

هیزم

الشَّيْءُ الَّذِي يَضْعُدُ مِنَ النَّارِ.

٥- الدُّخَانُ

رود

چیزی که از آتشی بالا می رود.

٦- الْفَرْجُ

گشایش

أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلْاخْتِرَاقِ فِي النَّارِ.

چوب های مناسب برای آتش زدن

حَلُّ الصَّعَابِ وَالْمُشْكِلَاتِ.

حل سختی ها و مشکلات

٣٨

٤٧

کنزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ.

هیچ کاری مانند تحقیق کردن نیست.

۲- الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهَلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ.

اصل هر خوبی علم و اصل هر بدی نادانی است.

۳- اُظْلِبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالْصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيشَةً.

علم را طلب کنید اگرچه در چین باشد زیرا طلب علم واجب است.

۴- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهَلِ.

خیر دنیا و آخرت در علم و شر دنیا و آخرت در نادانی است.

۵- لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرَّيْنِ.

عاقل کسی نیست که خیر را از شر بازشناسد بلکه عاقل کسی است که خیر دو (چیز) شر را دریابد.

٤٨

تحقيق

با استفاده از نرم افزار قرآن سه آیه را که حروف اصلی فعل های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.

سوره بقره ← آیات ۷۵-۷۶-۷۷

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) ماضی أسبوع.

ب) كانت ميأة البخر هادئه في البداية.

ج) يا صديقان، إخْمَلاهُذِهِ المَنْضَدِهِ.

۲- ترجمه های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) رب إني ظلمت نفسي.

ب) الْحَقْطَبُ أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلْاحْتِراقِ.

ج) رَجَاءٌ إِنْزَلُوا مِنَ الْحَافِلَةِ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) تَرَحَّمُونَ:

رَحْمٌ مِنْ كَنَدٍ

رَحْمٌ مِنْ كَنِيدٍ

ب) أَشْكُرُوا:

تَشَكَّرُ كَنِيدٍ

تَشَكَّرُ كَنَدٍ



٤- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (٢)

الف) عَصَفَتْ رِيَاحٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مُؤَاجًا.

ب) رَأَيْتُ دُخَانًا مِنْ بَعْدِ.

ج) يَا طَالِبَاتُ، أَظِلْبُخْنَ لَنَا طَعَامًا.

د) فَقَدْنَا سَفِيَّتَنَا.

٥- در جملات زیر فعل‌های امر را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (١)

الف) إِنْحَثُوا عَنْ صَيْدٍ وَاجْمَعُوا الْحَطَبَ.

ب) إِشْمَغْنَ كَلَمَى وَ إِغْمَلَنْ بِهِ.

٦- جدول زیر را کامل کنید. (١/٥)

معنى	فعل أمر	معنى	فعل مضارع
			تَغْسِلَانِ
			تَضَعَّدَنِ

٧- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (١/٥)

الف) مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالَمِيِّ بَعْدِ الْمَدْرَسَةِ.

ب) حَلُّ الْعَصَابَ وَالْمَشَكَلَاتِ.

ج) هُوَ الَّذِي لَا يَدْهَبُ لِزِيَارَةِ أَقْرَبَائِهِ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

١ الف) هفته (٠/٥) ب) آرام (٠/٥) ج) حمل کنید (٠/٥) ٢ الف) ظلم کردم (٠/٥) ب) هیزم (٠/٥) ج) پیاده شوید (٠/٥)

٣ الف) رحم کنید (٠/٥) ب) تشکر کنید (٠/٥) ٤ الف) باد شدیدی وزید و دریا طوفانی شد. (٠/٥) ب) دودی از دور مشاهده

کردم. (٠/٥) ج) ای دانش‌آموزان برای ما غذا بیزید. (٠/٥) د) کشتی‌مان را گم کردیم. (٠/٥) ٥ الف) إِنْحَثُوا=جستجو

کنید، إِجْمَعُوا=جمع کنید. (هر مورد ٥/٢٥) ب) إِشْمَغْنَ = بشنوید، إِغْمَلَنْ = انجام دهید. (هر مورد ٥/٢٥) ٦ (هر مورد ٥/٢٥)

معنى	فعل أمر	معنى	فعل مضارع
بشوید	إِغْسَلَا	می‌شوید	تَغْسِلَانِ
بالا بروید	إِضْعَدَنِ	بالا می‌روید	تَضَعَّدَنِ

٧ الجامعه (٠/٥) ب) الفرج (٠/٥) ج) قاطع الرَّجُم (٠/٥)

٥ الْحَسَدُ الرَّجَاءُ: امید

كانت	مجموعة	من	الحيوانات	في غابة؛	الأسد و الذئب و الغزلة و الكلب	
بود	مجموعه‌ای	از	حيوانات	در جنگلی	شیر و آهو و سگ و	

مجموعه‌ای از حیوانات در جنگلی بودند: شیر و روباه و گرگ و آهو و سگ و

في يوم	من الأيام	جاء سيدة صيادي	نُمَّ	ستروا	خفرة عميق	و حفروا	صيادي	في يوم	من الأيام	جاء سيدة صيادي	نُمَّ	ستروا	خفرة عميق	و حفروا	صيادي	في يوم	من الأيام	جاء سيدة صيادي	نُمَّ	ستروا	خفرة عميق	و حفروا	صيادي	
در روزی	از روزها	آمد شش شکارچی	سپس	پنهان کردند	جاله‌ای	عمق	سپس	در روزی	از روزها	آمد شش شکارچی	سپس	پنهان کردند	جاله‌ای	عمق	سپس	در روزی	از روزها	آمد شش شکارچی	سپس	پنهان کردند	جاله‌ای	عمق	سپس	پنهان کردند

لصید	الحيوانات	ويبيعها	للحديقة	الحيوانات.
برای شکار	حيوانات	برای فروش آنها	باغ	حيوانات

در روزی از روزها شش شکارچی آمدند و چاله عمیقی حفر کردند (کندند) سپس آن را برای شکار حیوانات و فروش آنها به باع وحش پوشاندند (پنهان کردند).

وقع ثعلب	وغزاله	في الحفرة	بغترة	فظلا	مساعدة	لكن	الحيوانات	هربين	لانهن
افتاد	روباه	فهو	در	جاله	ناگهان	طلب کردند	اما	حيوانات	فرار کردند

سمِعَنَ	منْ بَعِيدَ	أصواتَ	الصَّيَادِينَ
شنیدند	از دور	صدای	شکارچیان

ناگهان روباهی و آهوی در چاله افتادند؛ کمک خواستند؛ اما حیوانات فرار کردند زیرا آنها از دور صدای شکارچیان را شنیدند.

حاول	الثعلب	والغزاله	للنّجاة
تلاش کرد	روباه	فهو	برای نجات

روباه و آهو برای نجات تلاش کردند.

بعد	دقائق
بعد	چند دقیقه

بعد از چند دقیقه:

قالث حمامه للثعلب	«لا فائدة	للقذ	جرخت	بدنك».
گفت کبوتر	به روباه	برای تلاش کردن	بالا نیا	تو نمی‌توانی به راستی که محروم کردی بدنست را

کبوتری به روباه گفت: «تلاش کردن هیچ فایده‌ای ندارد، بالا نیا، تو نمی‌توانی، به راستی خودت را مجروم کردی.»

وقال كلب للغزاله	«لا رجاء لنجاتك	لا تضعي	أنت لا تقدرین	لقد	جرخت	بدنك».
گفت سگی	به آهو	نیست امیدی	به نجات تو	بالا نیا	تو نمی‌توانی	به راستی که محروم کردی بدنست را

سگی به آهو گفت: «هیچ امیدی به نجات تو نیست، بالا نیا، تو نمی‌توانی، همانا که خودت را مجروم کردی.»

حاول	الثعلب	والغزاله	الخروج	مرة	آخری	ولكن	بدون	فائدة
تلاش کرد	روباه	وهو	خروج	بار	ديگر	اما	بدون	فایده

يَسِّرْ	الغزاله	وَبِقَيْث	في مکانها	ولكن	الثعلب	حاول	كثيراً
نا اميد شد	فهو	و باقی ماند	در جایش	اما	روباه	تلاش کرد	فراوان

فهو نامید شد و در جایش باقی ماند اما روباه بسیار تلاش کرد.

قالَتْ لَهُ الْحَمَّامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لَمْ تُحَاوِلْ!» افْتَلَ تَصْبِرْكَ؛
گفت به او کبوتر تو نصی توانی چرا تلاش می کنی؟ قبول کن سرتوشت دا

کبوتر به او گفت: «تو نمی توانی، چرا تلاش می کنی؟! سرنوشت را قبول کن،

لِكِنَ التَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذِلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدُهُ وَقَالَ:
اما روباه خارج شد از چاله در آن وقت رسید هدھد و گفت

اما روباه از چاله خارج شد. در آن هنگام هدھد رسید و گفت:

«أَنَا أَغْرِفُ هَذَا التَّعْلَبَ هُوَ ثَقِيلُ الشَّنْعِ؛ هُوَ ثُلَّ أَنَّ الْحَمَّامَةَ تُشَجِّعُ عَلَى الْخُروِجِ.»
من می شناسم این روباه او سگین گوش او گمان کرد که کبوتر تشویق می کند او را به خارج شدن
«من این روباه را می شناسم او کم شنواست. او گمان کرده که کبوتر برای خارج شدن او را تشویق می کند.»

قالَتِ الْحَيَّاتُ: «تَحْنُ ظَلَّمَنَا عَلَيْنَا بِمُسَاعِدَتِهَا.»
گفت حیوانات ما ظلم کردیم آهو برم کمک به او
حیوانات گفتند: «ما به آهو ظلم کردیم. کمک کردن به او بر ما واجب است.»

قالَتِ الْحَمَّامَةُ لِلْغَرَالَةِ: «أَسْخَرْجِي، أَنْتَ تَكْدِرِينَ عَلَى الْخُروِجِ بِشَهْوَةِ لَا تَأْسِيِ.»
گفت کبوتر به آهو خارج شو تو می توانی به خارج شدن به آسانی نامید نشو
کبوتر به آهو گفت: «خارج شو. تو می توانی به راحتی خارج شوی. نا امید نشو.»

حَارَلَتِ الْغَرَالَةُ الْخُروِجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَفَرَحَتِ الْحَيَّاتُ.
تلاش کرد آهو خارج شدن بار دیگر خارج شد خوشحال شد حیوانات
آهو بار دیگر تلاش کرد و خارج شد و حیوانات خوشحال شدند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ، وَمَنْ لَمْ يَطْلُبْ شَيْئًا لَمْ يَجِدْهُ.»
گفت پیامبر خدا کسی که طلب کند با چیزی را و تلاش کند می یابد.
کسی که چیزی را طلب کند و تلاش کند به دست می آورد. رسول الله (ص)

٥٢

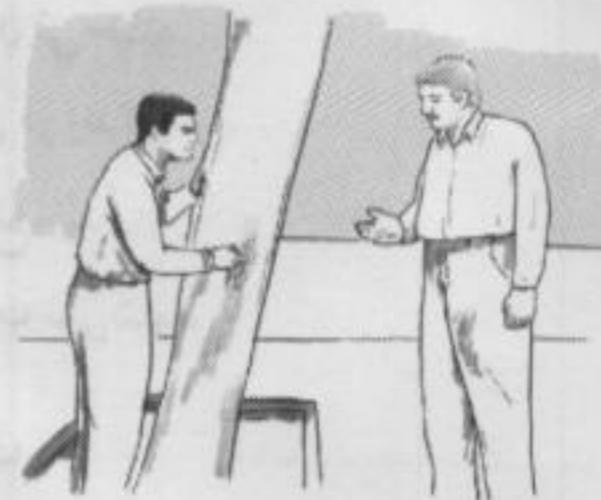
سؤال متن
با توجه به متن درس گزینه‌ی درست و نادرست را معلوم کنید.

- | نادرست | درست | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱- شَجَّعَتِ الْحَيَّاتُ التَّعْلَبَ عَلَى الْخُروِجِ مِنَ الْحُفْرَةِ.
حیوانات روباه را برای خروج از چاله تشویق کردند. |
| <input type="checkbox"/> | <input checked="" type="checkbox"/> | ۲- قَبَلَتِ الْغَرَالَةُ مَصِيرَهَا فِي الْبِدَايَةِ.
آهو از ابتدا سرنوشت را قبول کرد. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳- مَا سَرَّ الصَّيَادُونَ الْحُفْرَةَ فِي الْغَايَةِ.
شکارچیان چاله را در جنگل نپوشانند (پنهان نکردند) |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴- كَانَتِ الْحُفْرَةُ قَلِيلَةُ الْعُمُقِ.
چاله کم عمق بود. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵- أَرْبَعَةُ صَيَادِينَ كَانُوا فِي الْغَايَةِ.
چهار شکارچی در جنگل بودند. |



فِعْلُ النَّهْيِ (۱)

فِعْلُ النَّهْيِ (۱) ← (يَا وَلَدُ، لَا تَفْعَلُ)، (يَا بُنْتُ، لَا تَفْعَلِي)



لَا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.

روي درخت چیزی ننویس.

لَا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.

روي درخت چیزی ننویس.

بِلَا أَكْرَمٍ

فعل نهي ۱

فعل نهي: فعلی است که به کمک آن به کسی یا چیزی دستور می‌دهیم تا کاری را انجام ندهد.

نکته: فعل نهي از مضارع ساخته می‌شود.

به الگوی زیر دقت کنید:

لَا تَفْعَلُ	تَفْعُلُ	أَنْتَ
لَا تَفْعَلِي	تَفْعَلِي	أَنْتِ

تفاوت فعل های مضارع منفي و نهي را کشف کنيد.

به الگوی زير دقت کنيد.

فعل نهي	فعل مضارع منفي
لَا تَخْرُجْ: غمگین نشو	لَا تَخْرُجْ: غمگین نمی‌شوی
لَا تَشْرِبْ: نوش	لَا تَشْرِبْ: نمی‌نوشی

نکته: با دقت در آخر فعل مضارع منفي و نهي متوجه می‌شويم که آخر فعل مضارع منفي بدون

تغییر باقی می‌ماند.

ترجمه کنيد.

از رحمت خداوند نامید نشو.

لَا تَشَاءْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

چای داغ را نتوش.

لَا تَشْرِبِي شَايًا حَارًّا.

۵۴

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

حديقةُ الحيوانات

۱- مَكَانٌ يَذَهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَيُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوانَاتٍ مُخْتَلِفةً.

باغ و حش

جایی که مردم به آنجا می‌روند و در آنجا حیوانات مختلفی را مشاهده می‌کنند.

محاولة

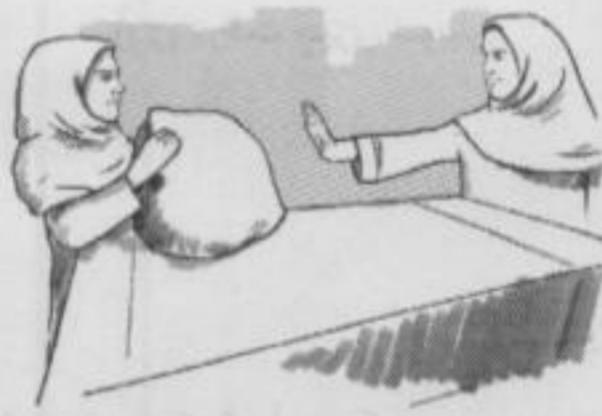
۲- السَّعْيُ وَالْاجْتِهادُ وَمُواصَلَةُ الْعَمَلِ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.

تلاش کردن

سعی و تلاش و ادامه دادن کار برای موفقیت در زندگی.

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حبيسي، لا تجعلني حقيتك هنا.

اي دوست من، كيفت را اينجا قرار نده.

يا حبيسي، لا تجعل حقيتك هنا.

اي دوست من، كيفت را اينجا قرار نده.

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ

آيات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر و نهی را معلوم کنید.

أَسْكُثْ: فعل امر

«إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُثْ». هنگامی که عصبانی شدی پس سکوت کن.

لَا تَخْزِنْ: فعل نهی

«لَا تَخْزِنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا». اندوهگین میباش قطعاً خدا با ماست.

لَا تَجْعَلْنَا: فعل نهی

«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الظَّالِمِينَ». پروردگارا ما را همراه قوم ستمکاران قرار نده.

٤- «أَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَائِنَكَ تَعِيشُ أَبْدًا وَ أَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَائِنَكَ تَمُوتُ غَدًا». اعمل: فعل امر برای دنیايت کار کن گویی که تو تا ابد زندگی می‌کنی و برای آخرت کار کن گویی که فردا می‌میری.

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید.

١- اَرْزُغْ صَدَاقَةً وَ لَا تَرْزُغْ عَدَاوَةً.

دوستی بکار و دشمنی نکار.

٢- أَنْكُثْ يَا طِفْلَةً وَ لَا تَنْرُخِي.

ای کودک ساکت شو و فریاد نزن.

٣- أَصْدِقْ فِي حَيَاةِكَ وَ لَا تَكْلِذْ أَبْدَا.

در زندگی ات راستگو باش و هرگز دروغ نگو.

٤- إِلْبَسْ قَمِيصاً أَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِعَبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبِسْ أَسْوَدَ.

برای عبور از خیابان در شب لباس سفید بپوش و لباس سیاه نپوش.

التمرين الخامس

کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها ناهمانگ است؟

<input type="checkbox"/> شرطی	<input type="checkbox"/> حلوانی	<input checked="" type="checkbox"/> مصباح	<input type="checkbox"/> حداد
<input type="checkbox"/> پلیس	<input type="checkbox"/> شیرینی فروش	<input type="checkbox"/> چراغ	<input type="checkbox"/> آهنگر
<input type="checkbox"/> مکتبة	<input checked="" type="checkbox"/> فاکهه	<input type="checkbox"/> ملعقب	<input type="checkbox"/> جامعه
کتابخانه	میوه	ورزشگاه	دانشگاه
<input checked="" type="checkbox"/> نجاح	<input type="checkbox"/> دخان	<input type="checkbox"/> نار	<input type="checkbox"/> حظب
موفقیت	دود	آتش	هیزم
<input type="checkbox"/> لیالی	<input type="checkbox"/> أيام	<input checked="" type="checkbox"/> غابة	<input type="checkbox"/> شهر
شبها	روزها	جنگ	ماهها
<input checked="" type="checkbox"/> أخذ	<input type="checkbox"/> سحاب	<input type="checkbox"/> مطر	<input type="checkbox"/> ریح
گرفتن	ابر	باران	باد
<input checked="" type="checkbox"/> جد	<input type="checkbox"/> ثفاح	<input type="checkbox"/> عناب	<input type="checkbox"/> رُمان
پدربرگ	سب	انگور	انار
<input type="checkbox"/> أمام	<input type="checkbox"/> فوق	<input type="checkbox"/> تخت	<input checked="" type="checkbox"/> بزرگسالگی
روبورو	بالا	زیر	
<input type="checkbox"/> أخضر	<input checked="" type="checkbox"/> افتح	<input type="checkbox"/> أحمر	<input type="checkbox"/> أرزق
سبز	بازکن	قرمز	آبی

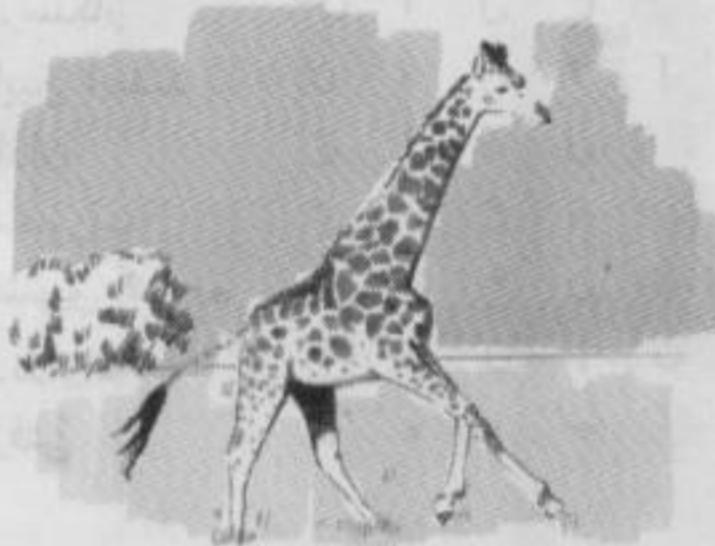
التمرين السادس

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

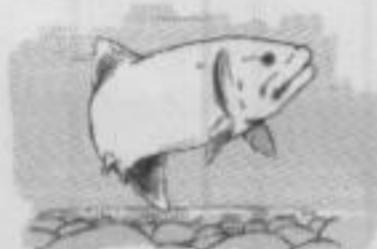
الحَمَّامَةُ / الذَّئْبُ / الزَّرَافَةُ / الْعُضْفُورُ / السَّمَكَةُ / الْفَيلُ / الْفَرْسُ / الْأَسْدُ / الشَّعْلَبُ



الشَّعْلَبُ حَيْوَانٌ مَكَارٌ.
روباه حیوان مکاری است.



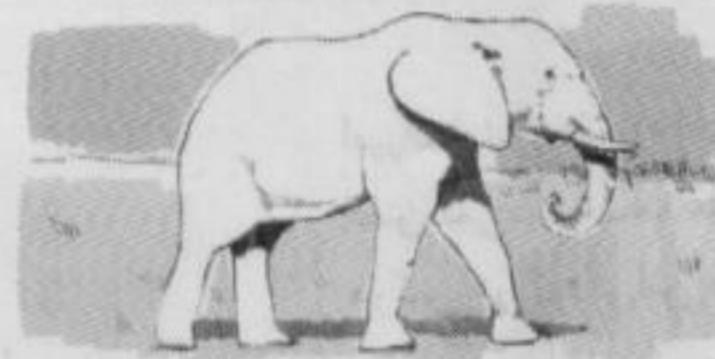
الزَّرَافَةُ حَيْوَانٌ طَوِيلٌ.
زرافه حیوان بلندی است.



السَّمَكَةُ في التَّهْرِ.
ماهی در رودخانه است.



الْأَسْدُ سُلْطَانُ الْغَارِيَةِ.
شیر سلطان جنگل است.



الْفَيلُ حَيْوَانٌ كَبِيرٌ.
فیل حیوان بزرگی است.



الْحَمَّامَةُ طَائِرٌ جَمِيلٌ.
کبوتر پرنده زیبایی است.



الفرس حیوان نجیب.
اسپ حیوان نجیبی است.



الذئب حیوان خریص.
گرگ حیوان طمع کاری است.



الغضف طائر صغير.
گنجشک پرنده کوچکی
است

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

يُحاوِلُ / مُواصِلَةً / إِنْخَثَى / إِقْتَرَبَ / شَجَعَنَا / نَزَّلَوْا / مُهْمَةً / كَلْبٌ / ذَهَابٌ
إِنْتَانٌ / مِهْنَةً / جَاهِلٌ / حَزِينٌ / إِذَا / أَسْنَانٌ / صَالِحٌ

رمز

ك ل ب	ا س گ
ي ح ا و ل	٢) تلاش می کند
ا ق ت ر ب	٣) نزدیک شد
ا ب ح ث ي	٤) جستجو کن
ح ز ي ن	٥) غمگین
ا ث ن ا ن	٦) دو
ا إ ذ ا	٧) هرگاه
م ن ة	٨) شغل
م و ا ص ل ة	٩) ادامه دادن
ص ا ل ح	١٠) درستکار
ن ز ل و ا	١١) پایین آمدند
ج ا ه ل	١٢) نادان
م ه م ة	١٣) ماموریت
ش ج ع ن ا	١٤) تشویق کردیم
أ س ن ا ن	١٥) دندانها
ذ ه ا ب	١٦) رفتن

رمز: ﴿لَا تَخْرُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (التوبه ٤٠)

اندوهگین میاش قطعاً خدا با ما است.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ عَنِ الْعِلْمِ:

١- «قَوْلُ لَا أَغْلَمُ بِنَصْفِ الْعِلْمِ».

٢- «مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرَةٍ، أَجَابَ فِي كِبِيرٍ».

٣- «كُلُّ شَيْءٍ يَنْفَضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ».

٤- «جَمَالُ الْعِلْمِ نَسْرَةٌ وَثَمَرَةُ الْعَمَلِ بِهِ».

٤٦

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره علم فرمود:
کفتن نمی دانم نصف علم است.

هر کس در کودکی اش سؤال کند، در بزرگی اش جواب می دهد.
هر چیزی با انفاق کم می شود جز علم.

زیبایی علم انتشار آن است و میوه اش عمل به آن است.
ای مردم بدانید که کمال دین طلب علم و عمل به آن است.

٤٦

تحقيق

دو نمونه کتاب معروف در ادبیات فارسی از زبان حیوانات مثال بزنید.

کلیله و دمنه - مرزبان نامه

از زیبایی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) خَرَجَ الْتَّلَبُ مِنَ الْحَفْرَةِ.

ب) لَا تَكُنُّشِي شَيْءًا عَلَى الشَّجَرِ.

ج) إِلْسِ قَمِصًا أَيْضًا.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

هر چیزی با انفاق جز علم.

دوستی و دشمنی

الف) كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ.

ب) إِزْرَغَ صَدَاقَةً وَلَا تَرْغَ عَدْوَاهُ.

۳- ترجمة صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) لَا تَخَرَّنْ: اندوهگین نمی‌شوی

ب) لَا تَكُنْبِي: دروغ نمی‌گویی

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

ب) أَنْتَ تَقْدِيرِنَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ.

د) قَوْلُ لَا أَغْلُمُ بِنَصْفِ الْعِلْمِ.

الف) وَقَعَ غَرَالَةً فِي الْحَفْرَةِ بَغْتَةً.

ج) مَا سَرَّ الصَّيَادُونَ الْحَفْرَةَ فِي الْغَابَةِ.

۵- نام هر تصویر را از گزینه‌های داده شده انتخاب کنید. (۱)

الف) الْتَّلَبُ الْكَلْب

الْحَمَّة



ب) الْأَسْد الْذَّبَاب

الْحَمَّة



۶- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱)

الف) حَيْوَانٌ يَخْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ. الْكَلْب

ب) عَاقِبَةُ الْأَنْسَانِ فِي حَيَاةِ. مَصِير

۷- در جملات زیر فعل‌های نهی و امر را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۲)

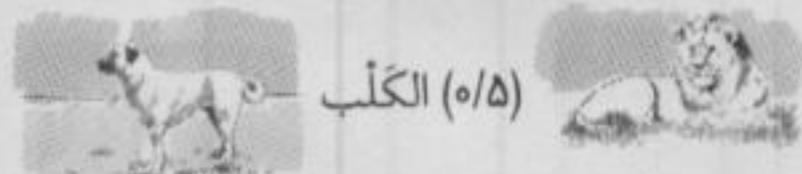
الف) إِلْسِ قَمِصًا أَيْضًا وَلَا تَلْبِسْ أَسْوَدًا.

ب) أُشْكُتُ وَلَا تَصْرُخِ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ الف) روباه (۰/۵) ب) ننویس (۰/۵) ج) پیراهن (۰/۵) ۲ الف) کم می‌شود (۰/۵) ب) بکار، نکار (هر مورد ۰/۵) ۳ الف) اندوهگین نمی‌شوی (۰/۵) ب) دروغ نگو (۰/۵) ۴ الف) ناگهان آهو در چاله‌ای افتاد. (۰/۵) ب) تو می‌توانی به راحتی خارج شوی. (۰/۵) ج) شکارچیان جاله را در جنگل پنهان نکردند. (۰/۵) د) گفتن نمی‌دانم نیمی از علم است. (۰/۵) ۵ الأسد

۶ الف) الْكَلْب (۰/۵) ب) مَصِير (۰/۵) ۷ الف) إِلْسِ = فعل امر =



بیوش، لا تلبیش: فعل نهی = نپوش (هر مورد ۰/۵) ب) اُشْكُتُ = سکوت کن، لا تصرخی: فعل نهی = فریاد نزن (هر مورد ۰/۵)

الدُّرْسُ الْأَسِلُ تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ: تَغْيِيرُ زَنْدَگِي

صَغِيرَةً	الْقَرْيَةِ	كَائِنَتْ	تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.	وَذَهَبَ	إِبْتَدَأَ	الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ الْجَدِيدُ
كُوچُكْ	روْسْتا	بُودَ	مَدْرَسَهُ وَرَفَتْ	دانِشْ‌آمُوزَانْ	بِهِ رُوْسْتا	شَرْعَ شَدَ سَالَ تَحْصِيلِي

وَجَمِيلَةً. دَخَلَتِ الْمَدْرَسَةِ فِي الصَّفَّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ وَزَيْبَا دَاخِلَ شَدَ مَعْلِمَ خَانِمَ درَ كَلاسَ چَهَارَمَ بُودَ كَلاسَ

سَالَ تَحْصِيلِي جَدِيدٌ شَرْعَ شَدَ وَدانِشْ‌آمُوزَانْ رُوْسْتا بِهِ مَدْرَسَهُ رَفَتْنَدَ. رُوْسْتا كُوچُكْ وَزَيْبَا بُودَ. خَانِمَ مَعْلِمَ وَاردَ كَلاسَ چَهَارَمَ شَدَ. قَالَتِ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «إِجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ». وَقَالَتِ لِلْبَنَاتِ: «إِجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ». هِيَ شَاهِدَتْ مُرْدِحَمًا شَلَوغَ كَفَتْ خَانِمَ مَعْلِمَ بِهِ پَسْرَانَ بَشِينَيَنْ سَمَتْ رَاسَتْ وَكَفَتْ بِهِ دَخْرَانَ بَشِينَيَنْ سَمَتْ چَبَ اوْ مشاهِدَه كَرَدَ كَلاسَ شَلَوغَ بُودَ. خَانِمَ مَعْلِمَ بِهِ پَسْرَانَ گَفَتْ: «سَمَتْ رَاسَتْ بَشِينَيَنْدَ». وَبِهِ دَخْرَانَ گَفَتْ: «سَمَتْ چَبَ بَشِينَيَنْدَ». اوْ

تَلَمِيذَةً	رَاسِبَةً	بِاسِمِ «سَارَة».	فَحَرِزَتْ	وَذَهَبَتْ	لِمَشَاهَدَةِ	مَلَفَهَا	لِلِّطَلَاعِ	عَلَى	ماضِيهَا.
دانِشْ‌آمُوزِي	عَرْدُودَ	بِاِنَامَ	سَارَهَ	نَارَاحَتْ شَدَ	وَرَفَتْ	بِرَايِ دِيدَنَ	بِرَونَدَه اوْ	بِرَايِ اطْلَاعِ	ازَ گَذَشَتَهَاشَ

دانِشْ‌آمُوزِي مَرْدُودِي بِهِ نَامَ «سَارَه» رَا دَيَدَ. پَسَ نَارَاحَتْ شَدَ وَبِرَايِ مشاهِدَه پَرَوْنَدَه اوْ وَاطْلَاعِ ازَ گَذَشَتَهَاشَ رَفَتَ.

فِي مِلَفِ السَّنَةِ الْأُولَى:	هِيَ تَلَمِيذَةً	جَيِّدَةً	جَيِّدًا.	تَكْتُبْ	وَاجْبَاتِهَا	جَيِّدًا.	هِيَ نَشِيطَةً	وَذَكِيرَةً
درِ پَرَوْنَدَه	سَالِ اُولَى	اوِ دانِشْ‌آمُوزِي	خَوبَ بِسِيَارَه	نَارَاحَتْ شَدَ	وَرَفَتْ	بِرَايِ دِيدَنَ	بِرَونَدَه اوْ	بِرَايِ اطْلَاعِ

وَفِي مِلَفِ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ:	هِيَ
وَدرِ پَرَوْنَدَه	سَالِ دُومَ اوِ

درِ پَرَوْنَدَه سَالِ اُولَى: اوِ دانِشْ‌آمُوزِي بِسِيَارَه كَوْشَا است. تَكَالِيفَش رَا بِسِيَارَه خَوبَ مَيْنُويَسَدَ. اوِ فَعَالَ وَبَاهُوشَ است وَدرِ پَرَوْنَدَه سَالِ دُومَ:

تَلَمِيذَةً	جَيِّدَةً	جَيِّدًا.	لِكَنَهَا	حَزِينَةً.	أُمَّهَا	رَاقِيَةً	فِي	الشَّسْتَشَفِيِّ.
دانِشْ‌آمُوزِي	خَوبَ	بِسِيَارَه	اما اوِ	نَارَاحَتْ	مَادِرَشَ	بِسْتَرِي	درِ	بِيمَارَسَتَانَ

اوِ دانِشْ‌آمُوزِي بِسِيَارَه كَوْشَا است. اما اوِ نَارَاحَتْ است. مَادِرَشَ درِ بِيمَارَسَتَانَ بِسْتَرِي است.

وَفِي مِلَفِ السَّنَةِ الْثَّالِثَةِ:	هِيَ	فَقَدَتْ	وَالِدَتَهَا	فِي هَذِهِ السَّنَةِ.	هِيَ حَزِينَةً	جَيِّدًا.
درِ پَرَوْنَدَه	سَالِ سُومَ اوِ	از دَسَتْ دَادَ	مَادِرَشَ	درِ اِينَ سَالَ اوِ	نَارَاحَتْ	بِسِيَارَه

وَدرِ پَرَوْنَدَه سَالِ سُومَ: اوِ مَادِرَشَ رَا درِ اِينَ سَالَ از دَسَتْ دَادَ. اوِ بِسِيَارَه نَارَاحَتْ است.

وَفِي مِلَفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ:	هِيَ	تَرَكَتْ	الْدَّرَاسَةَ	وَلَا تُحِبُّ	الْمَدْرَسَةَ	وَتَنَامُ	فِي الصَّفَّ.
درِ پَرَوْنَدَه	سَالِ چَهَارَمَ اوِ	ترَكَ كَرَدَ	دَرَسَ خَوانَدَنَ	وَدَوْسَتْ نَدارَدَ	مَدْرَسَهَ وَمَيْخَوابَدَ	درِ كَلاسَ	

وَدرِ پَرَوْنَدَه سَالِ چَهَارَمَ: اوِ دَرَسَ خَوانَدَنَ رَا رَهَا كَرَدَه وَمَدْرَسَه رَا دَوْسَتْ نَدارَدَ وَدرِ كَلاسَ مَيْخَوابَدَ.

الْمَدْرَسَةُ	لَامَث	نَفْسَهَا	وَغَيْرَهَا	طَرِيقَةً	تَدْرِيِسَهَا.
خَانِمَ مَعْلِمَ	سَرْزَنَشَ كَرَدَ	خَودَشَ رَا	وَتَغْيِيرَ دَادَ	رَوْشَ	دَرَسَ دَادَنَ خَودَ رَا

خَانِمَ مَعْلِمَ خَودَشَ رَا سَرْزَنَشَ كَرَدَ وَرَوْشَ تَدْرِيِسَشَ رَا تَغْيِيرَ دَادَ.

بَعْدَ مُدَّةً	فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمَدْرَسَةِ	جَلَبَ	الْتَّلَامِيذُ	هَدَايَا	لَهَا	وَجَلَبَتْ	سَارَةَ
بَعْدَ مُدْتَى	درِ جَشَنَ تَولَدَ	خَانِمَ مَعْلِمَ	أَورَدَ	دانِشْ‌آمُوزَانَ	هَدِيَهَا	بِرَايِ اوِ	وَأَورَدَ سَارَه

لِمَدْرَسَتِهَا	هَدِيَةً	فِي وَرَقَةِ صَحِيفَةِ	كَائِنَتْ
برَايِ خَانِمَ مَعْلِمَشَ	هَدِيَهَايِي درِ	ورَقَهِ رُوزَنَامَهِ بُودَ	

بعدَ از مُدْتَى درِ جَشَنَ تَولَدَ خَانِمَ مَعْلِمَ دَانِشْ‌آمُوزَانَ هَدِيَهَهَايِي برَايِ اوِ اُورَدَنَدَ وَسَارَه هَدِيَهَهَايِي درِ وَرقَهِ رُوزَنَامَهِ برَايِ خَانِمَ مَعْلِمَشَ اُورَدَ.

الْهَدِيَّةُ	رِجَاجَةٌ	عَطْرٌ	أُمَّهَا،	فِيهَا	قَلِيلٌ	مِنْ	الْعَطْرِ	فَضِحْكَةٌ	الْتَّلَامِيْدُ	فَقَالَتِ
هَدِيَّه	شِيشَه	عَطْرٌ	مَادِرْش	دَرْ آن	اَنْدَكِي	اَز	عَطْرٌ	پَسْ خَنْدِيد	دَانِشْ آمُوزَان	پَسْ گَفْت

الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْخِكُو» وَقَالَتِ
خَانِمُ مَعْلُومٍ بِهِ پَسْرَانِ نَخْنَدِيد وَ گَفْتَ

هَدِيَّه شِيشَه عَطْرٌ مَادِرْش بُودَ كَه در آن اَنْدَكِي عَطْرٌ بُودَ. دَانِشْ آمُوزَان خَنْدِيدَنَدَ؛ خَانِمُ مَعْلُومٍ بِهِ پَسْرَان گَفْتَ: «نَخْنَدِيد»

لِلْبَنِينَ «لَا تَضْخِكُنَّ». الْمَدْرَسَةُ عَطْرَثٌ نَفْسَهَا بِذِلِكِ الْعَظِيرٌ
بِهِ دَخْتَرَانِ نَخْنَدِيدَ. خَانِمُ مَعْلُومٍ عَطْرَ زَدَ بِهِ خَوْدَشَ بَا آنِ عَطْرٌ
وَ بِهِ دَخْتَرَانِ گَفْتَ: «نَخْنَدِيد». خَانِمُ مَعْلُومٍ خَوْدَشَ رَا با آنِ عَطْرٌ مَعْطَرٌ كَرَدَ.

جَاءَتِ سَارَةٌ عِنْدَ مُدَرِّسَتِهَا وَقَالَتِ: «رَايَتُكَ مِثْلَ رَائِحَةِ أُمِّيِّ».
أَمْدَ سَارَه نَزَدَ مَعْلُومَشَ گَفْتَ بَوْيَ توِ مَثْلَ بَوْيِ مَادِرْمَ
سَارَه نَزَدَ خَانِمُ مَعْلُومَشَ آَمَدَ وَ گَفْتَ: «بَوْيَ توِ مَثْلَ بَوْيِ مَادِرْمَ اَسْتَ».

شَجَعَتِ الْمَدْرَسَةُ سَارَةٌ فَصَارَتِ تِلْمِيْدَةً مِثَالَةً
تَشْوِيقَ كَرَدَ خَانِمُ مَعْلُومٍ سَارَه پَسْ شَدَ دَانِشْ آمُوزَى نَمُونَه
خَانِمُ مَعْلُومٍ سَارَه رَا تَشْوِيقَ كَرَدَ؛ پَسْ دَانِشْ آمُوزَى نَمُونَه شَدَ.

وَبَعْدَ سَنَوَاتٍ؛ اِشْتَلَمَتِ الْمَدْرَسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوبَةً فِيهَا: «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعْلِمَةٍ
بَعْدَ سَالَهَا دَرِيَافَتَ كَرَدَ خَانِمُ مَعْلُومٍ نَامَه اَزَ سَارَه نَوْشَتَه شَدَه در آنِ توِ بَهْتَرَينِ مَعْلُومِي

شَاهَدَتُهَا فِي حَيَاتِيِّ. أَنْتِ غَيْرَتِ
مَشَاهِدَه كَرَدَ در زَنْدَگَى اَمْ توِ تَغْيِيرَ دَادَى

وَ بَعْدَ اَنْ چَندَ سَالَ خَانِمُ مَعْلُومٍ نَامَه اَيَّ اَز سَارَه دَرِيَافَتَ كَرَدَ كَه در آنِ نَوْشَتَه شَدَه بُودَ: «تَوِ بَهْتَرَينِ مَعْلُومِي هَسْتَى كَه در زَنْدَگَى اَمْ دَيَدَهَامَ.

مَصْبِيرِيِّ. أَنَا إِلَآنَ ظَبِيَّةً». وَبَعْدَ مُدَدَّه، اِشْتَلَمَتِ الْمَدْرَسَةُ رِسَالَةً اُخْرَى مِنْ الْقَبِيَّةِ
سَرْنَوْشَتَمَ منِ الْاَنَّ بِزَشَكَ بَعْدَ مُدَتَّى دَرِيَافَتَ كَرَدَ خَانِمُ مَعْلُومٍ نَامَه دِيَگَرَى اَزَ خَانِمَ دَكْتَرَ

سَارَةٌ طَلَبَتِ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي
سَارَه دَرِخَواستَ كَرَدَ اَز اوِ حُضُورَ در

تُوسِّرْنَوْشَتَمَ رَا تَغْيِيرَ دَادَى. مَنْ اَكْنُونَ بِزَشَكَ هَسْتَمَ». وَبَعْدَ اَنْ مُدَتَّى خَانِمُ مَعْلُومَ نَامَه دِيَگَرَى اَز خَانِمَ دَكْتَرَ سَارَه دَرِيَافَتَ كَرَدَ؛ اَز اوِ بَهْرَابَى حُضُورَ در

حَفْلَةُ زَوَاجَهَا وَالْجُلُوسُ فِي مَكَانِ اُمِّ الْعَرُوسِ.
جَشَنَ اَز دَوَاجَشَ وَنَشَسْتَنَ در جَایِ مَادِرَ عَرُوسَ
جَشَنَ اَز دَوَاجَشَ وَنَشَسْتَنَ در جَایِگَاهِ مَادِرَ عَرُوسَ دَرِخَواستَ كَرَدَ.

عِنْدَمَا حَضَرَتِ مُدَرِّسَتَهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجَهَا؛ قَالَتِ لَهَا سَارَةٌ شُكْرًا جَزِيلًا
هَنَّگَامِيِّ كَه حَاضِرَ شَدَ خَانِمُ مَعْلُومَشَ در جَشَنَ اَز دَوَاجَشَ گَفْتَ بَه اوِ سَارَه تَشَكَّرَ بِسِيَارَ

يَا سَيِّدَتِيِّ؛ أَنْتِ غَيْرَتِ حَيَاتِيِّ. فَقَالَتِ لَهَا
اَيِّ خَانِمَ توِ تَغْيِيرَ دَادَى زَنْدَگَى اَمْ پَسْ گَفْتَ بَه اوِ

هَنَّگَامِيِّ كَه خَانِمُ مَعْلُومَشَ در جَشَنَ اَز دَوَاجَشَ حَاضِرَ شَدَ، سَارَه بَه اوِ گَفْتَ: «بِسِيَارَ مُتَشَكِّرَمَ اَيِّ خَانِمَ؛ تَوِ زَنْدَگَى اَمْ رَا تَغْيِيرَ دَادَى».

الْمَدْرَسَةُ: «لَا يَا بِنِيِّ؛ أَنْتِ غَيْرَتِ حَيَاتِيِّ أَذْرُسُ». خَانِمُ مَعْلُومٍ نَهَ اَيِّ دَخْتَرَمَ توِ تَغْيِيرَ دَادَى زَنْدَگَى مِنَ پَسْ شَنَاخْتَمَ چَگُونَه درس بَدَهَمَ

پَسْ خَانِمُ مَعْلُومٍ بَه اوِ گَفْتَ: «نَهَ اَيِّ دَخْتَرَمَ، تَوِ زَنْدَگَى مَرَا تَغْيِيرَ دَادَى؛ پَسْ شَنَاخْتَمَ (فَهْمِيَدَمَ) كَه چَگُونَه درس بَدَهَمَ».

سؤال متن

با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

- | | | |
|---|---|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> على اليسار | <input type="checkbox"/> على اليمين | 1- أين جلست البنات؟
دخلتان کجا نشستند؟ |
| <input checked="" type="checkbox"/> لوالدة سارة | <input type="checkbox"/> لوالد سارة | 2- لمن كانت زجاجة العطر؟
شیشه عطر مال چه کسی بود؟ |
| <input type="checkbox"/> في السادس | <input checked="" type="checkbox"/> في الرابع | 3- في أي صفت كانت سارة راسية؟
ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟ |
| <input checked="" type="checkbox"/> زجاجة عطر | <input type="checkbox"/> صحيفه جداريه | 4- ماذا كانت هدية سارة لمدرستها؟
هدیه ساره به معلمش چه بود؟ |
| <input type="checkbox"/> لا | <input checked="" type="checkbox"/> نعم | 5- هل كانت الهدايا ب المناسبة حفلة ميلاد المدرسة؟
آیا هدايا به مناسبت تولد معلم بود؟ |

٦٤

 فعل التَّهْيِي (٢)

فعل التَّهْيِي (٢) ← (يا أولاد، لا تفعلا)، (يا بنات، لا تفعلن)، (يا ولدان، لا تفعلا)، (يا بنان، لا تفعلن)



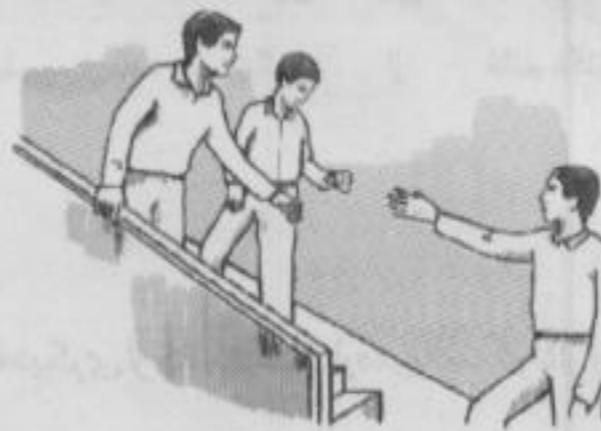
يا زميلاتي، رجاء، لا تنزلن، اصعدن.
ای هم کلاسی‌ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



يا زملاني، رجاء، لا تزلوا، اضعدوا.
ای هم کلاسی‌ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



يا زميلاتان، رجاء، لا تزل؟؛ اصعدا.
ای هم کلاسی‌ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



يا زميلان، رجاء، لا تزل؟؛ اصعدا.
ای هم کلاسی‌ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.

بدائمه

فعل نهي ٢

همان طور که در درس گذشته با فعل نهی مفرد مذکرو و مفرد مؤنث آشنا شدیم، در این درس با فعل نهی مثنی و جمع آشنا خواهیم شد. به الگوی زیر دقت کنید:

فعل امر	فعل مضارع	ضمير
لا تفعلا	تفعلان	أنتما
لا تفعلا	تفعلون	أنتم
لا تفعلن	تفعلن	أنتن

تفاوت فعل های مضارع منفی و نهی را کشف کنید.

فعل نهی (مؤنث)	فعل مضارع منفی (مؤنث)	فعل نهی (مذكر)	فعل مضارع منفی (مذكر)
لَا تَهْضِمَا = بلند نشود	لَا تَهْضِمَان = بلند نشود	لَا تَهْضِمَا = بلند نشود	لَا تَهْضِمَان = بلند نمی شود
لَا تُشْرِبُنَّ = نوشید	لَا تُشْرِبُونَ = نوشید	لَا تُشْرِبُنَّ = نوشید	لَا تُشْرِبُونَ = نمی نوشید
لَا تَقْتَلُبُنَّ = خواهد	لَا تَقْتَلُبُونَ = خواهد	لَا تَقْتَلُبُنَّ = خواهد	لَا تَقْتَلُبُونَ = نمی خواهد

نکته: با دقّت در فعل های مضارع منفی و نهی جمع مؤنث متوجه می شویم که هیچ تفاوتی ندارند و ترجمه آن ها باید با توجه به جمله انجام شود.

ترجمه کنید.

در شب زیر درخت دراز نکشید.	لَا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيلِ.
ای خواهرانم بدون حجاب ظاهر نشود.	يَا أَخْوَاتِي، لَا تَظْهَرْنَ بِدُونِ حِجَابٍ.
ای برادرم با صدای بلند نخند.	يَا أَخِي، لَا تَصْخَكْ بِصَوْتٍ مُّرْتَفِعٍ.
تنها خارج نشو، با دوستان خارج شو.	لَا تَخْرُجِي وَحْدَكِي؛ أَخْرُجِي مَعَ زَمِيلَاتِكِ.

٦٦

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- الْإِتِّبَاعُ عَنِ الْطَّعَامِ وَالشَّرَابِ لِفَرِيَضَةِ دِينِيَّةِ.
- صُوم (روزه) جلوگیری از خوردن غذا و آب برای فریضه دینی.
- الشَّخْصُ الَّذِي يُجْبِي الْعَمَلَ وَيُحَاوِلُ كَثِيرًا.
- شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش می کند. (نمونه)
- صِفَةُ لِلْمَكَانِ الْفَمْلُوِّ بِالْأَشْخَاصِ وَالْأَشْيَاءِ.
- مُزَدَّحَمٌ (شلوغ) ویژگی یک مکان پر از اشخاص و اشیاء.
- الظَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجُحُ فِي الْإِتِّبَاعِ.
- رايس (مردود) دانش آموزی که در امتحانات پایان سال موفق نشود.
- إِجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرِحَةِ.
- حفلة (جشن) اجتماع مردم برای شادی.

٦٦

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لَا تَجْلِسْنَ هُنَالِكَ إِجْلِسْنَ هُنَا.
آنجا ننشینید، اینجا بنشینید.



لَا تَكْشِفُوا عَيْبَاتِ أَصْدِقَائِكُمْ.
عيوب های دوستانتان را آشکار نکنید.



لا تَشْرِبَنِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.
از این آب ننوش.

لا تَذَهَّبَنِي مِنْ هَذَا.
از این جا نرو.

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱- «أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ» (الأعراف ۱۵۶) أکتب= فعل امر
در این دنیا و در آخرت برای ما نیکی بنویس.

۲- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (الأعراف ۴۷) لاتجعلنا= فعل نهی
پروردگارا ما را از قوم ستمکاران قرار نده.

۳- قالَ اللَّهُ لِأَدَمَ وَحَوَاءَ: «لَا تَنْفِرْ بَا هَذِهِ الشَّجَرَةِ» (الأعراف ۱۹)
خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴- «وَاضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...» (المُزَمَّل ۱۰) لانفرا= فعل نهی
برآنچه می گویند صبر کن.

۵- «وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ...» (التَّحْلُل ۱۱۴) يقُولُون= فعل امر
نعمت خداوند را شکر کنید.

الْتَّمَرِينُ التَّارِيْعُ

فعل‌های زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

سُوقَ يَسْكُثُ / أَتْرَكُ / لَا يَذْرُسُ / ظَهَرَ / تَغْرِيْنَ / لَا تَقْطَعُ / مَا قَبَّحَتْ
يَنْقُعُ / لَا يَضْرُعُ / لَا تَخْسَبْ / قَدَّثُمْ / سَتَحْفَظُونَ / مَارَسْمَنَا / إِشْرِبْ

ماضی مثبت	ماضی منفی	مضارع مثبت	مضارع منفی	امر	نهی	مستقبل
ظَهَرَ	مَا ظَبَحَتْ	تَعْرِفَنَ	لَا تَعْرِفَنَ	أَتْرَنَ	لَا تَقْطَعُ	سُوقَ يَسْكُثُ
آشکار شد	نَبَخَتْ	دَرْسَنَاسِي	مِنْ دَرْسَنَاسِي	تَرَكَ كَنْ	قَطَعَ نَكَنْ	سَاقَتْ خَواهدَ شَدَ
قَدَّثُمْ	مَارَسْمَنَا	يَنْقُعُ	لَا يَنْقُعُ	إِشْرِبْ	لَا تَخْسَبْ	سَتَحْفَظُونَ
انداختید	نَكْشِيدِيمْ	سَوْدَمِرَسانَدْ	فَرِيَادَنَمِيَّ زَندَ	بَنَوشْ	مَحَاسِبَهَ نَكَنْ	حَفْظَ خَواهِيدَ كَرَدَ

كَنزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- «لَا تَنْتَظُوْنَا إِلَىٰ كَثْرَةِ صَلَاتِيهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجَّ وَلِكِنَ انْظُرُوْنَا إِلَىٰ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».

به زیادی نمازشان و روزهشان و زیادی حج نگاه نکنید بلکه به راستگویی و امانتداری نگاه کنید.

۲- «عَلَيْكُمْ بِالصَّبَرِ فَإِنَّ الصَّبَرَ مِنَ الإِيمَانِ كَالْأَسْسِ مِنَ الْجَسَدِ».

بر شما باد شکیبایی زیرا شکیبایی در ایمان همچون سر در بدن است.

۳- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»

به آنچه گفته شد نگاه کن و به گوینده نگاه نکن.

۴- «لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.»

هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵- «مَنْ دَفَعَ غَصَبَةً دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.»

کسی که خشمش را دفع کند، خداوند عذابش را از او دفع می‌کند.

۷۰

۷۱

۷۰

تحقيق

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا باید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.
هر کس به حساب خود رسیدگی کند، به عیب‌هایش آگاه شود.
من حاسب نفته وقف على عیوبه.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) ذہبٰت لِمَشَاهِدَةٍ مِلْفَهَا.

ب) كَانَ الصَّفُ مُزَدَّحِمًا.

ج) يَأْمُلُنَي رِجَاءً لَا تَنْزِلُوا.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

ب) إِلَاتَجْلِسْنَ هَنَاكَ، إِلْجَلِسْنَ هَنَا.

۳- ترجمة صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) لَا تَذَهِبُونَ:

ب) لَا تَشْرِبُونَ:

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) أَنْهَا رَاقِدَةً فِي الشَّتَّافِ.

ب) صَارَتْ تَلْمِيذَةً مَثَالِيَّةً.

ج) يَا يَتَّى؛ أَنْتَ خَيْرُ حَيَاةِ.

د) كَانَتْ زُجَاجَةُ الْمَعْطَرِ بِالْوَالَدَةِ سَارَةً.

۵- در جملات زیر فعل‌های نهی را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۱)

الف) يَا أَخِي، لَا تَضْحِكْ بِصَوْتِ مَرْقَعِ.

ب) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا.

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

فعل مستقبل	فعل نهی	فعل مضارع منفي	فعل مضارع	ترجیحون	برمی‌گردید
<input type="checkbox"/> رایست	<input type="checkbox"/> مثالی	<input type="checkbox"/> راقد	<input type="checkbox"/> صوم	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید
<input type="checkbox"/> خفته	<input type="checkbox"/> مثالی	<input type="checkbox"/> راقد	<input type="checkbox"/> صوم	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید
<input type="checkbox"/> نشیط	<input type="checkbox"/> راقد	<input type="checkbox"/> صوم	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید	<input type="checkbox"/> برمی‌گردید

۷- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱/۵)

الف) الْقَاتِلُ الَّذِي لَا يَنْجُحُ فِي الْإِمْتَحَانَاتِ.

ب) اجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرَحٍ.

ج) الْإِمْتَاعُ مِنَ الطَّقَامِ وَالثَّرَابِ لِفَرِيْضَةِ دِيْنِيَّةِ.

۵۲

۱ الف) پرونده ب) شلوغ ج) پیاده نشود. (هر مورد ۵/۰) ۲ الف) قرار نده ب) نشینید، بنیشند. (هر مورد ۵/۰) ۳ الف) گزینه ۱ ب) گزینه ۱ (هر مورد ۵/۰) ۴ الف) مادرش در بیمارستان بستری است. (۵/۰) ب) دانش آموز نمونه‌ای شد. (۵/۰) ج) دخترم، تو زندگی من را تغییر دادی. (۵/۰) د) شیشه عطر مال مادر ساره بود. (۵/۰) ۵ الف) لاتضحك: نخند) لاتخزن: ناراحت نشو (هر مورد ۵/۰)

۶ (هر مورد ۲۵/۰)

فعل مستقبل	فعل نهي	فعل مضارع منفي	فعل مضارع
سوف ترجعونَ	لا تزجِّعونَ	لا تزجِّعونَ	تزجِّعونَ
برخواهيد گردید	برنگرددید	برنمی گردید	برمى گردید

۷ الف) رایست ب) حفلة ج) صوم (هر مورد ۵/۰)

الْأَدْبُرُ الْمُهَمُّ ثَمَرَةُ الْحِجَّةِ: نَتْيَاجُهُ تَلَاشُ

کانَ إِدِيسُونْ فِي السَّابِقَةِ مِنْ غَمَرَهُ، عِنْ دَافِعٍ نَفَقَاتْ دراسته،
بُودَ إِدِيسُونْ دَرِّ هَفْتَمِينَ ازْ عَمَرِشْ هَنَكَامِسَ كَهْ نَاتَوَانَ شَدَ خَانَوَادَهَاشْ ازْ بَرَادَاهَتْ هَزِينَهَهَايْ درس خواندن او

ادیسون در هفتمنی سال عمرش بود. هنگامی که خانواده‌اش از پرداخت هزینه‌های درس خواندن او ناتوان شد؛

الْعَزِيزَةُ شَدِيرَ قَدْرَسْتِيهِ مِنْ الْقَدْرَسَةِ وَقَالَ هَنَهُ:

پس او را راند مدیر مدرسه‌اش از مدرسه گفت درباره او

پس مدیر مدرسه‌اش او را از مدرسه بیرون کرد و درباره او گفت:

«إِنَّهُ	يَلْمِيْدَ	أَخْمَقَ،»	الْدَّرَاسَةُ:	ما ترک	ولَكَنَهُ	الْقَوَاكِهِ	بَاعِنَهُ	الْحَسَارُ	يَسَّادَهُ	هَمَانَا او	دانش آموزی	نَادَان
هَمَانَا او	ادیسون	درس خواندن	ترک نکرد	اما او	موهها	فروشنده	پس شد	پس شد	بلکه درس خواند	ادیسون	کانَ	کثِيرًا.

بَلْ دَرِّسْ	يَسَّاعِدَهُ	كَمْكَ	بَلْكَهْ دَرِّسْ خَوانَدْ	ادیسون	کانَ	کثِيرًا.	هَمِيْهُ	أَنَّهُهُ	مَادِرَشْ	او	بُودَ	ادیسون
--------------	--------------	--------	---------------------------	--------	------	----------	----------	-----------	-----------	----	-------	--------

هَمَانَا او دَانِش آمِوزِي نَادَان اَسْتَ. پس میوه فروش شد؛ اما او درس خواندن را ترک نکرد؛ بلکه با کمک مادرش درس خواند؛ او (مادرش) بسیار به او کمک کرد.

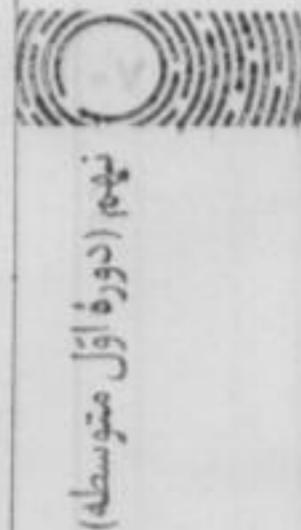
نَتَولُ	الْسَّيْحَ	يَسْتَبِيبُ	حَادِثَةُ	أَوْ قَرْبَسْ	أَصَابَهُ	أَيَّامَ	الْقَلْقَلَةُ.	سَكِيمَى	كَوْسْ	بَهْ دَلِيلَ	حَادِثَهُ	بَهْ بِيمَارِي	رسِيدَهُ او	رُوزَكَارْ	کَوْدَكَى
---------	------------	-------------	-----------	---------------	-----------	----------	----------------	----------	--------	--------------	-----------	----------------	-------------	------------	-----------

ادیسون کم شنوا بود به دلیل حادته یا بیماری‌ای که در دوران کودکی به او دچار شد.

إِدِيسُونْ	أَحَبَّ	الْكِيَمِيَاءِ.	فَصَنَعَ	شَخِيرَاً	صَغِيرَاً	فِي	مَنْزِلَهُ	وَبَعْدَ	مُدَّةً	قَدْرَ	ادیسونْ	دوست داشت	شیمی را	پس ساخت	ازْمَایشگاهِ	کوچک	
ادیسونْ	توانست																

عَلَى شِرَاءِ	بعضِ	الْمَوَادَ	وَالْأَدَوَاتِ	الْكِيَمِيَاءِ	الْمَوَادَ	بعضِ	يَخْرُدْ	ادوات	شیمی را	مواد	بعضِ	يَخْرُدْ
---------------	------	------------	----------------	----------------	------------	------	----------	-------	---------	------	------	----------

ادیسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاه کوچکی در خانه‌اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شمایی و ادوات



علمی	بعد	تلاش‌های	بسیار	شد	مسؤول	دريکي از	قطارها	توانست	بخرد	ابزار	چاپ	طباعة	الله	على شراء	وقدّر	القطارات	مسؤولاً في أحد	صار	كثيرة	محاولات	وبعد	العلمية
------	-----	----------	-------	----	-------	----------	--------	--------	------	-------	-----	-------	------	----------	-------	----------	----------------	-----	-------	---------	------	---------

قرارداد او را	در واگن	کالاها	في عربة	البضائع	ووضعها
---------------	---------	--------	---------	---------	--------

علمی را بخرد و پس از تلاش‌های بسیار مسؤول یکی از قطارها شد و توanst ماشین چاپ بخرد و آن را در واگن کالاها قرار داد.

در	سال	پانزدهم	عمرش	نوشت	روزنامه	جات کرد آن را	در قطار	در	سال	خامسة عشرة	من عمره	كتّب	صحيفة	أشبوعية	وطبعها	في القطار	وفي	السنة	في أحادي	الأيام	انكسرت	إحدى
----	-----	---------	------	------	---------	---------------	---------	----	-----	------------	---------	------	-------	---------	--------	-----------	-----	-------	----------	--------	--------	------

در یکی از روزها	شکست	یکی از روزها	فی أحادي	الأيام	انكسرت	إحدى
-----------------	------	--------------	----------	--------	--------	------

و در پانزدهمین سال عمرش روزنامه هفتگی (هفته‌نامه) نوشت و آن را در قطار چاپ کرد. در یکی از روزها، یکی از شیشه‌های

شیشه‌های	مواد	شیمیایی	در	چایخانه	پس بیرون کرد او را	رئیس قطار	رسانی	پس اتفاق افتاد	آتش سوزی	در	چایخانه	پس بیرون کرد او را	رئیس قطار	رسانی	فطرة	تحریق	فتحت	من عمره	كتّب	صحيفة	أشبوعية	وطبعها	في القطار	وفي	السنة	في أحادي	الأيام	انكسرت	إحدى
----------	------	---------	----	---------	--------------------	-----------	-------	----------------	----------	----	---------	--------------------	-----------	-------	------	-------	------	---------	------	-------	---------	--------	-----------	-----	-------	----------	--------	--------	------

پدر	کودک	رئیس	در شرکت	والد	الطفل	رئیساً	في شرکته.
-----	------	------	---------	------	-------	--------	-----------

کودک را از زیر قطار نجات داد، پدر کودک او را رئیس شرکتش قرار داد.

ادیسون	مشغولاً	في مختبره	ليلًا	نهاراً	هوأول	من	صنعت	مخترعاً	للاتجاهات	الصناعة.
--------	---------	-----------	-------	--------	-------	----	------	---------	-----------	----------

بود ادیسون مشغول در آزمایشگاهش شب و روز اولین کسی که ساخت آزمایشگاهی برای پژوهش‌ها صنعتی ادیسون شباه روز در آزمایشگاه مشغول بود. او اولین کسی است که آزمایشگاهی برای پژوهش‌های صنعتی ساخت.

اختراع	ادیسون	أكتر	من	ألف	اختراع	مهم	منها	القلادة الكهربائية	والصباخ الكهربائية
--------	--------	------	----	-----	--------	-----	------	--------------------	--------------------

ادیسون بیش از هزار اختراع مهم دارد؛ از جمله نیروی برق و چراغ برقی و دستگاه ضبط موسیقی و تصاویر

متجرک	دستگاه سینما	باتری ماسیما	والآلة السينما	والتنورة	والصور	وتصاویر	وسيط موسیقی	و دستگاه
-------	--------------	--------------	----------------	----------	--------	---------	-------------	----------

متجرک و دستگاه سینما و باتری ماسیما.

نیروی برق	دو این	زمان	دلیل اصلی	سبت رئیسین	لتقدم	الصناعات	التجديدة.	في هذا	القصر	سبت رئیسین	لتقدم	الصناعات	التجديدة.	والقلادة الكهربائية	في
-----------	--------	------	-----------	------------	-------	----------	-----------	--------	-------	------------	-------	----------	-----------	---------------------	----

و در این دوره نیروی برق دلیل اصلی پیشرفت صنایع جدید است.

همانا کسانی	ایمان آورده‌اند	و انجام دادند	کارهای نیک قطعاً ما از بین نمی‌بریم	پاداش کسانی	کار تیک	انجام دهند	الkehف ٣٠ إن الدين آتنا و عملاوا الصالحات إنا لاتضيع آخر من أحسن عملنا
-------------	-----------------	---------------	-------------------------------------	-------------	---------	------------	--

همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام دادند قطعاً ما پاداش کسانی را که کار نیک انجام دهند از بین نمی‌بریم. کهف ٣٠/۵۵

همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام دادند قطعاً ما پاداش کسانی را که کار نیک انجام دهند از بین نمی‌بریم. کهف ٣٠/۵۵

سؤال متن

٧٤

نادرست



درست



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

۱- عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُونَ سَبْعُونَ.

تعداد اختراعات ادیسون هفتاد تا است.



۲- إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيقُ أَجْرَهُ مِنْ نَفْعِ النَّاسِ.

قطعماً خداوند پاداش کسانی که به مردم سود برسانند را ضایع نمی‌کند.



۳- أَحَبَّ إِدِيسُونَ عِلْمَ الْكِيَمِيَاءِ فِي صِغْرِهِ.

ادیسون علم شیمی را از کودکی اش دوست داشت.



۴- سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُونَ وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.

مادر ادیسون فرزندش را در درس خواندن کمک کرد.



۵- وَضَعَ إِدِيسُونَ آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

ادیسون دستگاه چاپی را که خریده بود در خانه‌اش قرار داد.

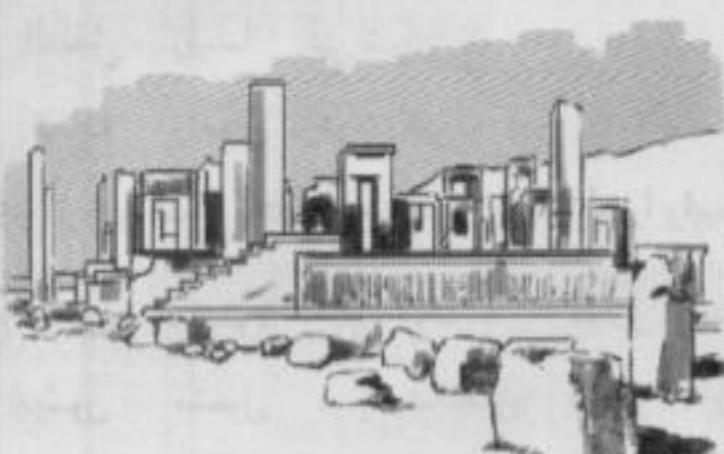
٧٤

جنبه (دوهه)
اول متوسطه)

تركيب وصفی، تركيب اضافی

٧٤

تركيب وصفی (موصوف و صفت) و تركيب اضافی (مضاف و مضاف اليه)
(موصوف و صفت)



آثار تخت جمشید فی مُحَافَظَةِ فَارِس

هذا آثَرٌ تَارِيَخِيٌّ فِي مُحَافَظَةٍ كَبِيرَةٍ.

این یک اثر تاریخی در یک استان بزرگ است.



قلعَةُ فَلَكِ الْأَفْلَاكِ فِي مُحَافَظَةِ لُرِستان

هِذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيَخِيَّةٌ فِي مُحَافَظَةٍ جَمِيلَةٍ.

این یک قطعه تاریخی در یک استان زیبا است.

(مضاف و مضاف اليه)



تَمَاثِيلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَدِينَةِ بَغْدَادِ.

تمدیس مبتنی در شهر بغداد است.



تَمَاثِيلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَقْرَبَ مُنْظَمَةِ الْأَمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

تمدیس‌های دانشمندان در مقر سازمان ملل متحده است.

٥٦

پارس

موصوف و صفت - مضاد و مضاد اليه

صفت: اسمی است که حالت و چگونگی اسم قبل از خود (موصوف) را توصیف می‌کند.

مضاد اليه: اسمی است که به اسم قبل از خود (مضاد) اضافه شده باشد.

به الکوی زیر دقت کنید.

۷۷

۴

استان زیبا

محافظة جميلة

موصوف و صفت

علم شیمی

علم الكيمياء

مضاد و مضاد اليه

تفاوت ترکیب و صفاتی و اضافی را کشف کنید.

موصوف و صفت

مضاد و مضاد اليه

استان بزرگ

محافظة كبيرة

بات المدرسة

مواد غذایی

المواد الغذائية

مدير المدرسة

سریاز مؤمن

جندى مؤمن

باطرى ماشين

نظارة الشبارة

۷۶

فن ترجمه

جمله‌های زیر را ترجمه کنید. «به ترجمة ترکیب داده شده دقّت کنید.»

۱- لِبَسْتُ أَمِي خاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِيِّ. مادرم انگشت طلایی‌اش را در جشن تولد پوشید.

۲- شَجَّعَنَا فَرِيقُنَا الفَائِزُ فِي نِهايَةِ الْمُسَابِقَةِ.

تیم پیروزمان را در پایان مسابقه تشویق کردیم.

۳- قَسَّمْتَ مَرْعَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نَصْفَيْنِ.

مزرعه بزرگمان را به دو نیم تقسیم کردی.

۴- هُوَ يَفْعَلُ بِواحِدَاتِهِ الْمُدْرِسَيَّةِ.

سفر علمی‌مان مفید بود.

۵- كَانَتْ سَفَرُنَا الْعِلْمِيَّةُ مُفَيِّدَةً.

۶- أَشْكَرْتُ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

۷۷

التمرين الأول

درستی یا نادرستی هر جمله را براساس حقیقت بنویسید.

نادرست

درست



۱- الْقَرْكَهُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اقْتِصَادِيَّةٌ يَفْعَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.

شرکت یک مؤسسه تجاری یا اقتصادی است که بسیاری از مردم در آن جا کار می‌کنند.



۲- الْقِطَارُ مَكَانٌ بَيْنَ الْبَضَائِعِ مِثْلِ الْمَلَابِسِ وَالْفَوَاكِهِ.

قطار محل فروش کالاهایی همچون لباس‌ها و میوه‌ها است.



۳- الْمَطَبَعَةُ مُخْرَنٌ لِحَفْظِ الْمَوَادِ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.

چاپخانه انبار نگهداری موادغذایی مانند نان است.



۴- الْقُلْفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الإِنْسَانِ.

کودکی سال‌های اولیه زندگی انسان است.



۵- الْصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

صاعقه برقی است که همراه رعد از آسمان نازل می‌شود.

۵۷

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

٧٧



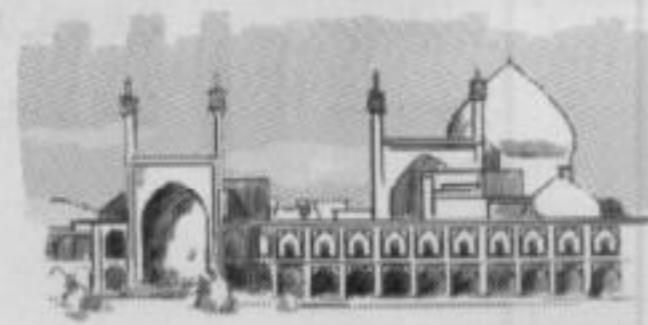
الْجِنْرُ الْأَيْضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُون.
بَلْ سَفِيدِ روَى رود كارون است.



مَرْقُدُ الْعَالَمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمَدَان.
مرقد دانشمند ایرانی ابن‌سینا در شهر همدان است.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودُ مُؤْمِنُونَ.
سربازان نیرومندان، سربازان با ایمانی هستند.



مَسْجِدُ الْإِمامِ، أَثْرُ قَدِيمٍ فِي مُحَافَظَةِ أَصْفَهَانِ.
مسجد امام یک اثر قدیمی در استان اصفهان است.

٧٧

لَغْةُ (دوَّلَةٌ) مُوَسَّطَةٌ

٧٨

عَاقِل ≠ مَجْنُون

عَاقِل ≠ دِيَانَه

جُلوس ≠ قِيَام

نَشَّسْتُن ≠ بِرْخَاسْتُن

جَاءَ = أَتَى

أَمَد

لَيْل ≠ نَهَار

شَب ≠ رُوز

صَفَب ≠ سَهْل

دَشْوَار ≠ آسَان

قَبِيح ≠ جَمِيل

رَشَّت ≠ زَيْبَا

كَلْمَاتٌ مُتَرَادِفٌ وَمُتَضَادٌ رَأَيْتُمْ كَيْنِيدَ.

صَدَاقَة ≠ عَدَاوَةٌ

قَرَارِدَاد ≠ دُوْسْتَى

أَعْدَاء ≠ أَصْدِقَاءٌ

دُشْمَنَان ≠ دُوْسْتَان

نَامَ = رَقْدَ

خَوَابِيد ≠ قَصِيرٌ

بَلْنَد ≠ كَوْتَاهٌ

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ

٧٨

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافی است.»
أَنْقَدُ / رَئِيْسِي / اخْرَقُ / ظَبَعُ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةُ / بَضَائِعَهُ

۱- كَانَتْ نَفَقَاتُ الْجَامِعَةِ غَالِيَةً وَمَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعَهَا وَخَدِي.

۲- إِنْكَسَرَتْ إِلَيْهِ الزُّجَاجَاتُ فِي الْمُخْبَرِ فَإِخْرَقَ كُلُّ الْأَشْيَاءِ.

۳- يَجْلِبُ التَّاحِرُ بِضَائِعَهُ جَدِيدَةً إِلَى دُكَانِهِ لِلْبَيْعِ.

۴- يَنْدَأُ وَالَّذِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ الصَّحِيفَةِ دَائِمًا.

۵- أَنْقَدَ إِدِيسُونْ طَفَلًا مِنْ تَحْتِ القِطَارِ.

٥٨

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

الْمَلَكُ الْأَمَانِيُّ

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفي	مضارع منفي	مستقبل آینده	امر	نهی
ما ذهبت	لا يذهب	سيذهب	إذهب	لا تذهب
نرفت	نمى رود	خواهد رفت	برو	نرو
ما شربوا	لا يشربون	سيشربون	اشربوا	لا تشربوا
ننوشيدند	نمى نوشند	خواهند نوشيد	بنوشيد	ننوشيد
ما غسل	لا يغسل	سوف يغسل	اغسل	لا تغسل
نشُست	نمى شويد	خواهد شست	بشوى	نشوى

٧٩

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ

با استفاده از کلمات زیر، جدولی را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

معجون / أبحاث / ظفوله / صناعة / نفقات / أنهار / دفع / مسجلات /
تطابع / مذاجم / آلات / تماثيل / شهور / كرسى / أنفسهم / ابتدأ

رمز	1 ط ف ل ة	2 ن ف ق ا ت	3 م ع ج و ن	4 أ ن ه ا ر	5 ب ح ا ث	6 إ ب ت د أ	7 ك ر س ي	8 م س ج ل ا ت	9 ش ه و ر	10 م ط ا ب ع	11 م ز د ح	12 ت م ا ث ي ل	13 ت ل ا ت	14 ص ن ا ع ة	15 د ف ع	16 ن ف س ه م
1. کودکی 2. هزینه‌ها 3. خمیر 4. رودخانه‌ها 5. پژوهش 6. شروع شد 7. صندلی 8. ضبط صوت‌ها 9. ماه‌ها 10. چاپخانه‌ها 11. شلوغ 12. تندیس‌ها 13. ابزارها 14. صنعت 15. پرداختن 16. خودشان	1 ط ف ل ة	2 ن ف ق ا ت	3 م ع ج و ن	4 أ ن ه ا ر	5 ب ح ا ث	6 إ ب ت د أ	7 ك ر س ي	8 م س ج ل ا ت	9 ش ه و ر	10 م ط ا ب ع	11 م ز د ح	12 ت م ا ث ي ل	13 ت ل ا ت	14 ص ن ا ع ة	15 د ف ع	16 ن ف س ه م

قال أمير المؤمنين علي (عليه السلام):

رمز: «لا جهاد كجهاد النفس»

هیچ جهادی همچون جهاد نفس نیست.

کنُزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ».

۲- «جَلِيلُ الشَّوْءِ شَيْطَانٌ».

۳- «الَّدُنْيَا مَرْزُعَةُ الْآخِرَةِ».

۴- «الْعِلْمُ كَتْرَ عَظِيمٍ».

۵- «الْتَّوْمُ أَخْوَ الْمَوْتِ».

۸۰

(۱) (۲) (۳) (۴)

۸۰

یاد خداوند بر تو واجب است همانا او نور دل (قلب) است.
همنشین بد شیطان است.
دنیا مزرعه آخرت است.
علم کنج بزرگی است.
خواب برادر مرگ است.

۸۰

تحقيق

نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی آمده است؟ عتب - رمان - تفاح.

نام کدام یک از آن‌ها در قرآن آمده است؟ رمان - عتب.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) کاتث نقاقات الجامعه غالیه.

ب) القافه الكهربائیه سبب رئیسی لتقدم.

ج) جلیلش الشوء شیطان.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) أنقذَ إدِيسُونَ طفلاً من تحت القطار.

ب) العلمُ كَتْرَ عَظِيمٍ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) مُسْخَلَات:

ب) أَخْتَيَ الْكَبِيرَةُ:

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) فِي إِحْدِ الْأَيَّامِ إِنْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ.

ب) وَضَعَ إدِيسُونَ الْقَبَاعِيَّةَ فِي عَرَبَةِ الْبَصَانِعِ.

ج) إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيغُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ.

د) الصَّاعِقَةُ كَهْرَباءً تَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ.

۵- با توجه به ترجمه، جملات زیر را با استفاده از کلمات داده شده کامل کنید. (۲)

خاتم- الکبیره- مُزَدَّحُ- مُخْتَبَرا-

الف) كانت الشوارع . خیابان‌ها شلوغ بودند.

ب) ليَسَتْ أَنَّى . ها الذهبي. مادرم انگشت‌طلایی اش را پوشید.

ج) قَسَّمَتْ مَرْزُعَتَنا . إلى نصفين. مزرعه بزرگمان را به دوم نیم تقسیم کردی.

د) صَنَعَ . صغيراً في منزله. آزمایشگاه کوچکی در منزلش ساخت.

۶- کلمات مترادف و متضاد را باعلامت (= ≠) مشخص کنید. (۱)

صفب سهل جلوش قیام طویل قصیر لیل نهار

۷- در جمله‌های زیر ترکیب‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱)

الف) كانت سَقَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مُفِيدةً.

ب) أشْكُرُى عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.



پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ الف) هزینه‌ها ب) اصلی ج) همنشین (هر کدام نیم نمره ۰/۵) ۲-الف) نجات داد ب) گنج، بزرگی (هر مورد ۰/۵)
 ۳ الف) ضبط صوت‌ها ب) خواهر بزرگم (هر مورد ۰/۵) ۴ الف) در یکی از روزها یکی از شیشه‌ها شکست. (۰/۵)
 ب) ادیسون دستگاه چاپ را در واگن کالاها قرار داد. (۰/۵) ج) قطعاً خداوند پاداش مؤمنان را از بین نمی‌برد. (۰/۵) د) صاعقه
 برقی است که از آسمان فرود می‌آید. (۰/۵) ۵ الف) مُذَحْمٌ ب) خاتم (ج) الكبيرة د) مختبراً (هر مورد ۰/۵) ۶ صعب ≠
 سهل، جلوس ≠ قیام، طویل ≠ قصیر، لیل ≠ نهار (هر مورد ۰/۲۵) ۷ الف) سفر علمی مان ب) عمل صالحت (هر مورد ۰/۵)

الحمد لله رب العالمين حوارٌ بين الزائر و سائق سيَّدة الأجرة: گفت و گوی بین زائر و راننده تاکسی

عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

بر شما باد سلام و رحمت خدا و برکاتش کجا می‌روید

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد! کجا می‌روید؟

السلام عَلَيْكُم

سلام بر شما

سلام بر شما باد.

أَهْلاً وَسَهْلاً بِكُمْ.

ارکبا.

تَفَضَّلُوا.

تفاضلوا.

مَكَّةُ الْمُكَرَّمَةِ.

مکرمہ

نَذْهَبُ إِلَى

به

مُشَخْبِرٍ

مزهرا

مَكَّةَ

مکہ

بِمَوْزَةٍ مَكْرَمَةٍ مَرْوِيَّةٍ.

خوش آمدید بفرمایید سوار شوید. ص

أَرْبَعِينَ رِيَالًا.

چند ریال

چهل ریال.

كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَا؟

چند ریال می‌گیری ازمان

چند ریال از ما می‌گیری؟

زَائِرٌ لِكُلِّ رِيَالٍ ثَلَاثُونَ عَفْوًا؛

زائر برای هر سی بیخشید

الأَجْرَةُ غَالِيَّةُ.

اجرت گران سه شخصها

كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَا؟

کرايه گران است. ما سه نفر هستیم.

عَشْرَةُ رِيَالَاتٍ.

دهری ریال

بیخشید سی ریال، برای هر زائر ده ریال.

- نَعَمْ. لَا بَأْسْ.

بله اشکال ندارد ای جوانان آیا شما ایرانی

بله. اشکال ندارد ای جوانان، آیا شما ایرانی هستید؟

- هَلْ تَقْبِلُ النُّقْوَةَ الإِيرَانِيَّةَ؟

ایا قبول می‌کنی بولهای ایرانی

آیا پول ایرانی قبول می‌کنی؟

أَنَا بَاقِسْتَانِيٌّ وَأَشْتَغَلُ هُنَا.

من پاکستانی مشغولم اینجا در کشورم

كَنْ أَشْتَغَلُ فِي المِزَرَعَةِ

کار می‌کردم در مزرعه

نَعَمْ وَمِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

بله از کجا تو

بله و تو اهل کجا هستی؟

من پاکستانی هستم و در اینجا مشغولم. در کشورم،

در مزرعه کار می‌کردم.

سؤال متن

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

نادرست درست

۱- الزوَّارُ الْإِيرَانِيُّونَ رَجَوا حَافَلَةً الْفَندُقِ.

زائران ایرانی سوار اتوبوس هتل شدند.

۲- كَانَ الزُّوَّارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَورَةِ.

زائران به شهر مدینه منوره می‌رفتند.

۳- كَانَ السَّائِقُ يَشْتَغلُ مِن الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهَرِ.

راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

۴- أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الرُّوَّارِ.

راننده تاکسی سی ریال از زائران دریافت کرد.

۵- فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

در موزه آثار تاریخی حرمین شریفین وجود دارد.

۸۴

معادل فعل ماضی استمراری

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی (كانو يفعّلون = انجام می‌دادند)



الْإِشْتَانِ كَانَتَا تَكْتَبَانِ وَاجْبَاهُمَا.

دختران تکالیفشان را می‌نوشتند.



الْطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.

دانشجویان به دقیق درس می‌خوانند.

۸۵

فن ترجمه

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

آن دو غذا می‌خورند.

۱- ﴿... كَانَا يَأْكُلُانِ الْطَّعَامَ ...﴾ (المائدة ۷۵)

آنها می‌ساختند.

۲- ﴿... كَانُوا يَضْعِمُونَ﴾ (المائدة ۶۳)

آنها انجام می‌دادند.

۳- ﴿... كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (الأنعام ۱۲۷)

گروهی از آنها کلام خدا را می‌شنیدند.

۴- ﴿... كَانَ قَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ (البقرة ۷۵)

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خوانند.

۵- كَانَ طَلَابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكَتبَةِ.

الْتَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

نادرست

درست



۱- دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَشْتَغلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَالْتَّوَافِذِ.
راهنمای موزه در کارگاه دربها و پنجره‌ها کار می‌کند.



۲- الْبَئْرُ حَفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.
چاه حفره عمیقی است در زمین که در آن جا آب یا چیز دیگری است.



۳- فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَالشَّرَاءِ.
در موزه آثار تاریخی برای خرید و فروش وجود دارد.



۴- الْبَطَارِيَّةُ مَخْزُنُ الْكَهْرَباءِ فِي السَّيَارَةِ.
باتری انبار (مخزن) برق در اتومبیل است.



۵- بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.
خانه خدا در مکه مکرمه است.

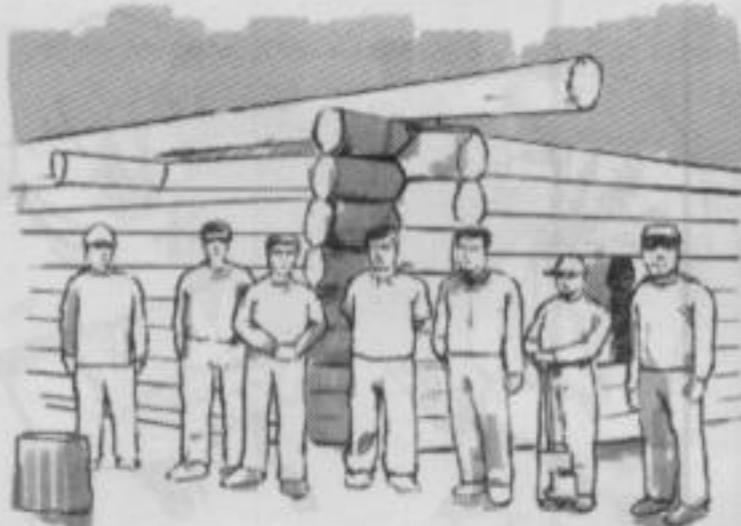
٨٦

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي

بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ أَخِي الصَّفِيرِ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛ فَلَاحَدَهُ النَّوْمُ.
برادر کوچکم تکالیفش را می‌نوشت پس خواب او را گرفت.



كَانَ الْعَمَالُ يَضْتَعُونَ بَيْنًا وَهُمُ الْآنَ وَاقِفُونَ.
کارگران خانه می‌ساختند و آن‌ها اکنون ایستاده‌اند.

٨٧

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ

درجای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافی است.»

يَرْكَبُونَ / يَشْتَغلُ / نُقُودٌ / تَعَالٌ / الْبَئْرُ / تَفَصَّلُ / دَلِيلٌ

- هُوَيَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأَمْمِ الْمُتَّحِدَةِ.

- او در سازمان ملل کار می‌کند.

درهم و دینار و ریال و لیره اسم‌های یول هستند.

حجیان کاروان به راهنمای سفر نیاز دارند.

کشاورزان برای کشاورزی آبی از چاه استخراج کردند.

دانشآموزان سوار اتوبوس مدرسه می‌شدند.

۱- أَيْنَ يَشْتَغلُ أَخْوَكَ الْأَكْبَرِ؟

برادر بزرگتر کجا کار می‌کند؟

۲- الدَّرَهْمُ وَالدِّينَارُ وَالرِّيَالُ وَاللَّيْرَهُ أَسْمَاءُ نُقُودٍ.

۳- حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى دَلِيلِ الشَّفَرِ.

۴- اسْتَخْرَجَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنَ الْبِرِّ لِلزَّرَاعَةِ.

۵- كَانَ التَّلَامِيدُونَ يَرْكَبُونَ حَافِلَةَ الْمَدَرَسَةِ.



٦٤

الْتَّمْرِينُ التَّرَابِعُ

جدول زیر را کامل کنید.

می شنید	کان يَسْمَعُ	می شنود	يَشْمَعُ	شنید	سمع
نجات می داد	كَانَ يُنقَذُ	نجات می دهد	يُنقَذُ	نجات داد	أنقذ
کار می کردند	كَانَا يَشْغَلُانَ	کار می کنند	يَشْغَلُانَ	کار کردند	أشغلان
تلاش می کردند	كَانُوا يَحْاولُونَ	تلاش می کنند	يَحْاولُونَ	تلاش کردند	حاولوا
می پرسیدند	كَانَتَا تَسْأَلَانَ	می پرسند	تَسْأَلَانَ	پرسیدند	سأّلنا
کمک می کردند	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	کمک می کنند	يُسَاعِدُونَ	کمک کردند	ساعدوا

٨٧

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافی است.»

طاقة تَشْغِلُ بِهَا الْأَلَاثُ وَالْأَدَوَاتُ الصَّنِاعِيَّةُ.

١- الْكَهْرَبَاءُ

برق

برق نیرویی است که به وسیله آن ابزار و ادوات صنعتی کار می کنند.

هُوَ الَّذِي لَا يَظْلِمُ لَكَ الْخَيْرَ بِلَ يَظْلِمُ الشَّرَّ.

٢- الْمَطَرُ

باران

دشمن کسی است که برای تو خیر نمی خواهد بلکه شر طلب می کند.

قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزَلُ مِنَ السَّحَابِ.

٣- الرَّئِسِيُّ

اصلی

باران قطرات آب است که از ابر نازل می شود.

٤- الْعَدُوُ

دشمن

نتیجه اختراعِ الخشب وَغَيْرِهِ.

آتش نتیجه احتراع چوب و چیزهای دیگر است.

٥- الْفَلَاحُ

کشاورز

مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ.

کشاورز کسی است که در زراعت زمین کار می کند.

٦- النَّارُ

آتش

٨٨

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

«شَلَالَاتُ شُوشَتِر / عَلَمُ إِيْرَان / جَشَرُ جَاوِمِيشَان / سُوقُ كَرْمَان / غَابَةُ مَدِيَّةٍ مِنْوَدَشَت / عَيْنُ بَيْسَتُون»



٦٥

شَلَالَاتُ شُوشَتِر



سُوقُ كَرْمَان



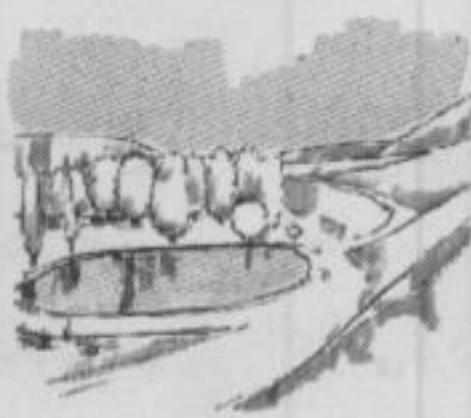
جَشَرُ جَاوِمِيشَان



علم ایران



غابة مدینة مینودشت



عین بیستون

۸۹

التمرين السابع

با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

کیمیاوی / آذوات / مسلم / نقود / مجالس / محاولات / ملک / آزهار / إدخال / علیموا / لا بأس /
ممرا مشاه / تعال / منظمات / أعداء / زراعة / تفضل / تلميذات / ثلاثون / ياليت / دراسية

رمز ↓

۱	م س ل م	۱. مسلمان
۲	ک ی م ی ا و ی	۲. شیمیاگی
۳	د ۱ د ۱	۳. بازارها
۴	ت ع ا ل	۴. بیا
۵	ج ا ل س ا ت	۵. همنشینی ها
۶	ن ق و د	۶. پول
۷	ح ا و ل ا ت	۷. تلاش ها
۸	ع ل م و ا	۸. دانستند
۹	د خ ا ل	۹. داخل کردن
۱۰	ل ا ب ا س	۱۰. اشکالی ندارد
۱۱	ع د ا ع	۱۱. دشمنان
۱۲	ن ظ م ا ت	۱۲. سازمان ها
۱۳	ز ه ا ر	۱۳. شکوفه ها
۱۴	م ر م ش ا ة	۱۴. گذرگاه پیاده
۱۵	م ل ف	۱۵. پرونده
۱۶	دانشآموزان (دختر)	۱۶. دانشآموزان (دختر)
۱۷	ث ل ا ث و ن	۱۷. سی
۱۸	ای ا ل ی ت	۱۸. ای کاش
۱۹	د ر ا س ی ة	۱۹. تحصیلی
۲۰	ت ف ض ل	۲۰. بفرما
۲۱	ز ر ا ع ة	۲۱. کشاورزی

قالَ رَسُولُ اللَّهِ :

رمز: «سید القوم خادمهم فی السفر»
سرور و آقای قوم خدمتکار آنها در سفر است.



بَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُ إِلَى اللَّهِ (محبوب‌ترین نزد خداوند)

من کلام رسول الله.

۱- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرائِضِ إِذْخَالُ الشَّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ».

محبوب‌ترین کارها پس از فرائض دینی نزد خداوند وارد کردن شادی بر مسلمان است.

۲- «أَحَبُّ الْطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي».

محبوب‌ترین غذا نزد خداوند آن است که گروهی بسیار بر آن بشینند.

۳- «أَحَبُّ بُيُوتَكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُّكَرَّمٌ».

محبوب‌ترین خانه‌های شما در نزد خداوند خانه‌ای است که در آن یتیم بزرگ داشته شود.

۴- «أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَقُهُمْ لِعِبَادَوْهُ».

محبوب‌ترین بندگان خدا در نزد خداوند سودمندترین آن‌ها به بندگانش است.

۵- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ الْلِّسَانِ».

محبوب‌ترین کارها نزد خداوند حفظ زبان است.

٩٥

تحقيق

در یک صفحه کتاب درسی فارسی، زیر کلمات دارای ریشه عربی خط بکشید: سپس همه کلمات آن را بشمارید و درصد کلمات عربی را معلوم کنید.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) تَذَهَّبُ إِلَى مَتْحَفٍ طَهْرَانَ.

ب) ذَلِكَ الْمَوْدُدُ الْجَبَشِيُّ لِلْكَعْبَةِ.

ج) هَلْ تَقْبِلُ التَّقْوَةِ الْإِيَّارِيَّةِ؟

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) كَانَ الرَّوَافِرَ يَذَهَّبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.

ب) أَخَذَ سَائِنُ سِيَارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا.

ج) الْزَوَارُ الْإِيَّارِيُّونَ رَكِبُوا حَافَلَةَ الْفَنْدَقِ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) كَانُوا يَأْكُلُونَ كَلْوَنَ.

ب) سَاعَدُوكَ:

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) فِي الْمَتْحَفِ أَثَارٌ تَارِيَخِيَّة.

ب) حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى دِلَيلِ السَّفَرِ.

ج) الْمَطَرُ قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنَزَّلُ مِنَ السَّحَابِ.

د) كَانَ الْعَمَالُ يَضْسَعُونَ بَيْتًا.

۵- گزینه‌ی مناسب را انتخاب کنید. (۱)

الف) إِسْتَخْرَجَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنْ لِلزَّرَاعَةِ.

ب) كَانَ التَّلَامِيْدُ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

می‌خوردند

می‌خورند

کمک کنید

کمک کردند

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۲)

ماضی استمراری	مضارع	ماضی
کائن تُساعدُ:	تُساعدُ: کمک می‌کند	ساعَدَتْ: کمک کرد
کانوا يَشْمَعُونَ: شنیدند	يَسْمَعُونَ: سمعوا:	سَمِعُوا:
	تَشَائُلُونَ:	سَأَلَتُهُمْ: پرسیدید

۷- خطاهای مشخص شده در ترجمه‌ی عبارات زیر را درست کنید. (۱)

الف) کانوا يَغْمَلُونَ: انجام می‌دهند.

ب) کانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَشْمَعُونَ: گروهی از آن‌ها می‌شنوند.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ الف) موزه ب) چوبی ج) قبول می‌کنی (هر مورد ۰/۵) ۲ الف) می‌رفتند ب) تاکسی ج) هتل (هر مورد ۰/۵)
 ۳ الف) می‌خوردند ب) کمک کردند (هر مورد ۰/۵) ۴ الف) در موزه آثار تاریخی است. (۰/۵) ب) حاجیان کاروان نیاز به راهنمای سفر دارند. (۰/۵) ج) باران قطرات آبی است که از ابرها فرود می‌آیند. (۰/۵) د) کارگران خانه می‌ساختند. (۰/۵)
 ۵ الف) بُر ب) یربکون (هر مورد ۰/۵) ۶ (هر مورد ۰/۵)

ماضی استمراری	مضارع	ماضی
کائن تُساعدُ: کمک می‌کرد	تُساعدُ: کمک می‌کند	ساعَدَتْ: کمک کرد
کانوا يَشْمَعُونَ: شنیدند	يَسْمَعُونَ: می‌شنوند	سَمِعُوا: شنیدند
	تَشَائُلُونَ:	سَأَلَتُهُمْ: می‌پرسید

۷ الف) انجام می‌دادند. ب) می‌شنیدند. (هر مورد ۰/۵)

الدليل نصوص حول الصحة: متن‌هایی پیرامون سلامت

أفضل الألوان: بعض الناس يُظْنُونَ بأنَّ الألوان للقلوب أو للتزيين فقط ولكن برترین رنگ‌ها بعض مردم گمان می‌کنند همانا رنگ‌ها برای رنگ‌آمیزی یا کشیدن یا تزیین فقط اما برترین رنگ‌ها: بعضی از مردم گمان می‌کنند که رنگ‌ها فقط برای رنگ‌آمیزی یا نقاشی کشیدن یا تزیین هستند. اما

هل سألنا أنفسنا يوماً: «هل يمكن معالجة الأمراض بالألوان؟ ما هو تأثير الألوان المختلفة؟» آیا سوال کردیم از خودمان روزی آیا ممکن است معالجه بیماری‌ها با رنگ‌ها چیست تأثیر رنگ‌های مختلف آیا روزی از خودمان پرسیده‌ایم: «آیا معالجه بیماری‌ها با رنگ‌ها ممکن می‌شود؟ تأثیر رنگ‌های مختلف چیست؟»

يعتقدُ بعضُ العلماءَ أَنَّ لِلأَلوانِ تأثيراً عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلوانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلوانُ الطَّبِيعِيَّةُ معتقدند بعضی دانشمندان که برای رنگ‌ها تأثیری برای ما همانا دوست‌داشتی ترین رنگ‌ها چشم رنگ‌های طبیعی بعضی از دانشمندان معتقدند که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. همانا محبوب‌ترین رنگ‌ها به چشم، رنگ‌های طبیعی هستند

الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَهِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَرْزَقُ الشَّمَاوِيُّ که مشاهده می‌کنیم اطرافمان در شب روز در رنگ سبز رنگ آبی اسمان

که ما شب‌هه روز اطرافمان آن را مشاهده می‌کنیم و آن رنگ سبز و رنگ آبی اسمانی است.

سیس	رنگ	زرد	مثُل	رنگ	برگ‌های	بعضی	پاییز	اللَّوْنُ	الْأَصْفَرُ	مِثْلُ	لَوْنٌ	بَعْضٍ	أُوراقٍ	الخَرِيفُ.
-----	-----	-----	------	-----	---------	------	-------	-----------	-------------	--------	--------	--------	---------	------------

سپس رنگ زرد مانند رنگ بعضی برگ‌های پاییز

اما نور قرمز (سرخ) پس هنگامی که به آن نگاه می‌کنیم احساس خستگی می‌کنیم زیرا آن اعصاب را تحریک می‌کند.

قوانين راهنمایی و رانندگی در جاهایی که نیاز توجه به علائم راهنمایی و رانندگی دارد آن را به کار می‌گیرد. اما اتاق‌های

النوم	فالأفضلُ	فيها	استخدامُ	الألوان	المُهَدَّةَ	لِلْأَعْصَابِ	كاللَّوْن	البَقْسِجِيٌّ.
خواب	برترین	درآنجا	به کارگیری	رنگ‌ها	ارام بخش	برای اعصاب	مانند رنگ	بنفس

خواب پس بهتر است که رنگ‌های آرامش‌بخش اعصاب مانند رنگ بنفسن به کار گرفته شود.

فیتامین «إ» (A):	من	از	فایده‌های	ویتامین	از	فوایدِ	فیتامین «إ»	زيادة	وزن	اطفال	وهو	مفید	للعين و
ویتامین	از	فایده‌های	ویتامین	زيادة	وزن	اطفال	وهو	مفید	للعين و	فوایدِ	فیتامین «إ»	من	فیتامین «إ» (A):

ویتامین E: از فایده‌های ویتامین E زیاد کردن وزن کودکان است و آن برای چشم مفید است.

كان	القيارون	في	الحزب	العالمة	الثانية	يتناولونه	قبل	اينداء	الغارات
بود	خلبانان	در	جنگ	جهانی	دوم	می خوردند آن را	قبل از	شروع	حملات

و خلبانان در جنگ جهانی دوم قبل از شروع حملات شبانه از آن می‌خوردند.

و این ویتامین در گیاهان و میوه‌های با رنگ زرد وجود دارد.

كالميش	والجزر	وقفر	البرتقال.
مانند زردادلو	هويج	پوست	برتقال

فیتامین «سی» (C): ویتامین سی

يوجد	هذا	الفيتامين	في	الحليب	در	ويتامين	این	أين	الفيتامين	في	الحليب	در	نازه	اما آن	وجود ندارد	در	شیر	خشک	المجفف و
------	-----	-----------	----	--------	----	---------	-----	-----	-----------	----	--------	----	------	--------	------------	----	-----	-----	----------

این ویتامین در شیر تازه موجود است اما آن در شیر خشک وجود ندارد و

الأطفال الذين يتناولونه وحده، في أكثر الأوقات يحدث لهم ضعف في الساقين. وقد كان كسانی که می خورند آن را به تنها بیشتر اوقات ایجاد می کند برای آن ها ضعف در پاهای و دکانی که تنها آن را می خورند در بیشتر اوقات دچار ضعف ساق ها می شوند و

کودکانی که تنها ان را می‌خورند در بیشتر اوقات دچار ضعف ساق‌ها می‌شوند و

لأنك كلما تناولت ليموناً أو عصيراً، فإنك تتناول عصيراً برتقالياً، وهذا يعني أنك تتعوّض عن البرتقال.

جبان این کاستی در تغذیه با خوردن آب لیمو و یا آب پرتقال ممکن می‌شود.

سؤال متن

٩٤

با توجه به متن درس نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

- | نادرست | درست | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ١- كان القليارون في الحزب العالميّة الثانية يتناولون فيتامين «أ» قبل انتهاء الغارات الليليّة.
خلبانان در جنگ جهانی دوم قبل از شروع حملات شبانه ویتامین A می خوردند. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٢- يمكن تعويض الضعف في الساقين في الأطفال بتناول الرز.
جبران ناتوانی ساق‌های کودکان با خوردن برنج ممکن می‌شود. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٣- الأسود أفضل لون مهدئ للأعصاب في غرف النوم.
رنگ سیاه برترین رنگ آرام‌بخش اعصاب در اتاق خواب است. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٤- لا يعتقد العلماء أن للألوان تأثيراً علينا.
دانشمندان به اینکه رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند اعتقاد ندارند. |
| <input type="checkbox"/> | <input checked="" type="checkbox"/> | ٥- يوجد فيتامين «سي» في الحليب الطازج.
ویتامین C در شیر تازه وجود دارد. |

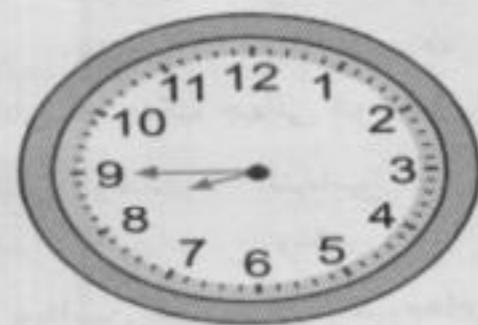
٩٤

لهم (دورة)
(أقل
مدة)
(أقل
مدة)

ساعت شماری

٩٤

ساعت شماری (الخامسة - الخامسة والربع - الخامسة إلا ربعاً) (٤:٤٥ - ٥:١٥ - ٥:٥)
اکنون ساعت چند است؟ كم الساعة الان؟



الخامسة إلا ربعاً.
یک ربع به نه



الخامسة والربع.
نه وربع



الخامسة تماماً.
نه تمام



الخامسة تماماً



الواحدة والربع



الثانية والنصف

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید).
الخامسة تماماً، الواحدة والربع، الثامنة والنصف
العاشرة والربع، المقاييس إلا ربعاً، السادسة إلا ربعاً
الرابعة والنصف، المقاييس إلا ربعاً، العاشرة تماماً



٧٠



الثالثة إلا ربعاً



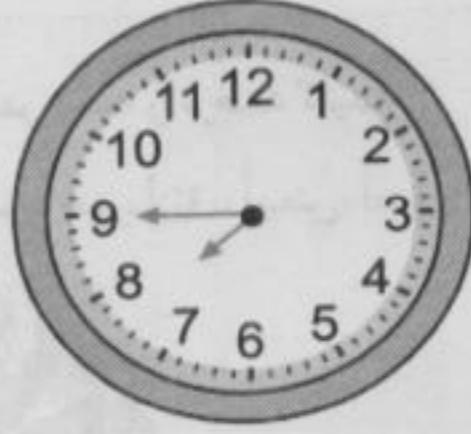
السادسة إلا ربعاً



العاشرة الرُّبْع



الرابعة والنصف



الثامنة إلا ربعاً



العاشرة تماماً



ساعت خوانی:

ساعت كامل: مثال: الواحدة تماماً، الثانية تماماً، ...

ساعت كامل به اضافة نيم وربع: مثال: الثالثة والتتصف، السادسة والتربع، ...

يک ربع مانده به ساعت كامل: مثال: الخامسة إلا ربعاً، التاسعة إلا ربعاً، ...

ترجممه کنید:

الحادية عشرة تماماً: يازده تمام

العاشرة والتربع: ده وربع

الثانية عشرة تماماً: دوازده تمام

الواحدة والتتصف: يک و نيم

ترجممه کنید

الحادية عشرة تماماً: يازده تمام

الثانية عشرة تماماً: دوازده تمام

التمرين الأول

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱- علامات للسائلين والعابري في الطريق: إشارات المرور ← علامات راهنمایی و رانندگی

علامتی برای رانندگان و عابران در راه

۲- الهجوم بالقطارة على العدو في الليل: غارات لیلیة ← حملات شبانه

حمله به هوابیمای دشمن در شب



٣- أَخْسَنُ صِفَةٍ لِلْحَلِيبِ: طَازِجٌ

بِهٰتَرِينَ وَيِّرَگَى شِير

٤- إِسْمُ سَاقِيِ الْقَلَائِرَةِ: طَبَار

اسْمُ رَانِنَدَهُ هَوَابِيمَا

٥- مَاءُ التَّمَرِ: عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ

آبُ مِيُوهُ

٩٧

التَّمَرِينُ الثَّانِي

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

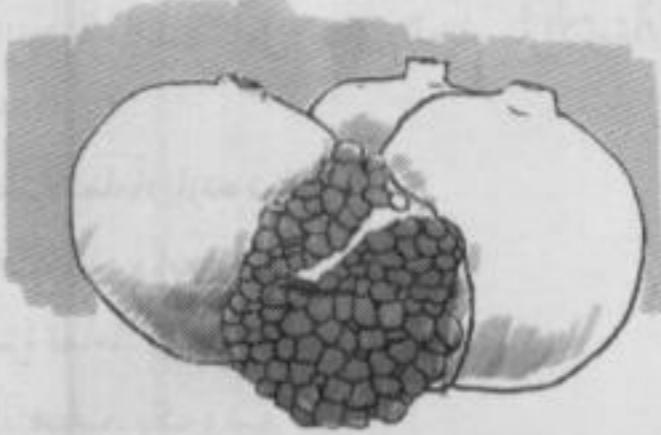
(أخضر، أحمر، أزرق، أبيض، أصفر، أسود)



الفَرَسُ الْأَبْيَضُ جَبَ سَاحِلَ الْبَحْرِ.
اسْبُ سَفِيدُ كَنَارُ سَاحِلِ دَرِيَا اسْتَ.



هَذَا الْبَسْطَانُ الْأَخْضَرُ جَمِيلٌ.
اين باع سبز زيباست.



الثَّمَانُ الْأَخْمَرُ فَاكِهَةُ الْجَنَّةِ.
انار قرمز ميوه بهشتی است.



الْقَلَائِرُ الْأَزْرَقُ عَلَى خَشَبَةِ.
برندہ آبی روی چوب است.



الثَّمَرُ الْأَسْوَدُ فَاكِهَةُ مُقْوِيَّةٍ.
خرمای سیاه میوه مقوی است.



فِي الْعَنْبِ الْأَضْفَرِ فِي تَامِيَنَاتٍ كَثِيرَةٍ.
در انگور زرد ویتامین های زیادی است.

التمرين الثالث

با توجه به تصویر پاسخ دهید.

في الساعة السادسة مساء / في الساعة الثانية عشرة

في الساعة الثامنة ليلاً / في الساعة التاسعة صباحاً



٩٨



متى تذهبن إلى المتحف؟

چه موقع به موزه می‌روید؟

في الساعة التاسعة صباحاً

در ساعت ٩ صبح



متى تتناول عشاءك؟

چه موقع تو شام می‌خوری؟

في ساعة الثامنة ليلاً

در ساعت ٨ شب

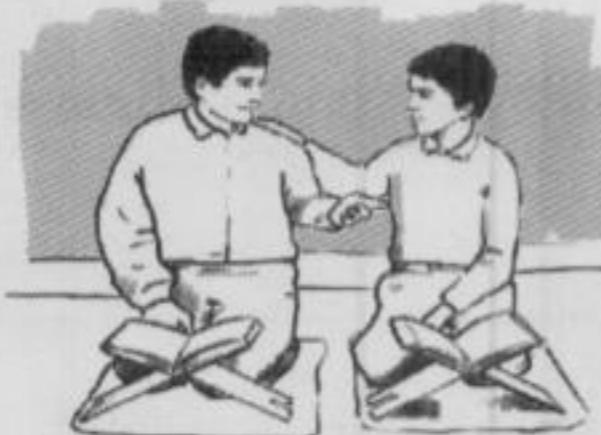


متى تذهبون إلى ساحة الحرب؟

چه موقع به میدان جنگ می‌روید؟

في الساعة السادسة مساء

در ساعت ٦ عصر



متى موعد أذان الظهر؟

زمان اذان ظهر چه وقت است؟

في الساعة الثانية عشرة

در ساعت ١٢

التمرين الرابع

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

إِشْرَب / الْجَزَر / الْتَّعْب / مُهَدَّدَة / الْمُشْمِش / تَعْوِيْض / إِنْتِيَا

١- كَتَبَ الظَّبَابُ لِلْمَرِيضِ خَبِيْبًا مُهَدَّدَةً لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

پزشک برای بیمار قرص‌های آرامیکش برای معالجه سردردش نوشت.

٢- إِشْرِبْ عَصِيرَ الْلَّيْمُونَ وَ الْبَرْقَالَ لِصَحَّتِكَ.

برای سلامتی ات عصاره لیمو و پرتقال بنوش.

٣- عِنْدَمَا تَنَظُّرُ إِلَى التَّوْرِ الأَحْمَرِ نَشْعُرُ بِالْتَّعْبِ .

هنگامی که به نور قرمز نگاه می‌کنیم احساس خستگی می‌کنیم.

٤- إِنَّ الْجَزَرَ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعَيْوَنِ .

همانا هویج برای تقویت چشم‌ها مفید است.

٥- ثَمَرُ الْمُشْمِشِ فِي بِدَائِيَةِ الصَّيفِ .

میوه زردآلو در ابتدای تابستان است.



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است..»

قدْرَةُ عَرْضِ الأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ.

نقاشی توانایی عرضه کردن اشیاء با خطوط و رنگ‌ها.

مَكَانٌ لِحَفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيْخِيَّةِ.

موزه مکان نگهداری آثار تاریخی است.

لُونٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَّةِ.

آبی رنگی که در آسمان صاف ظاهر می‌شود.

صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ.

تازه ویزگی نیکوی شیر و میوه‌ها

ما بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيلِ.

روز آن چه بین صبح و شب است.

إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ.

رنگ‌آمیزی بخشیدن رنگ‌ها به چیزی است.

١- النَّهَارُ

٢- الْمُتَحَفُّ

٣- الْقَلْوَبُ

٤- الدَّلِيلُ

٥- الظَّازِجُ

٦- الْرَّشْمُ

٧- الْأَرْزَقُ

٩٩

لهم (دوره أول متوجه)

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

كلمات متراصف و متضاد را معلوم کنید. = . ≠

إِسْتَلَمْ = دَفَعَ

تَعَالَ = إِذْهَبَ

دَرِيَافَتْ كَرَدْ ≠ پَرِداخْت

إِشَارَاتٍ = عَلَامَاتٍ

عَلَامَتَهَا

تَنَاؤلٌ = أَكْلٌ

خُورَد

إِسْتَلَمْ = دَفَعَ

بَيَا ≠ بِرُو

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

تَنَاؤلٌ = أَكْلٌ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

٩٩

أَحْسَنُ = أَفْضَلُ

بَهْتَرُ

قَلَّ ≠ كَثُرٌ

كَمْ كَرَدْ ≠ زِيَادَ كَرَدْ

وَزَعٌ - نَقْوَى

بَارِسَائِيس

حَزْبٌ ≠ صَلْحٌ

جَنْكٌ ≠ صَلْحٌ

مَوْتٌ ≠ حَيَاةٌ

مَرْكٌ ≠ زَنْدَگِيٌّ

سَتَرٌ - كَتْمٌ

بَوْشَانِد

تَعَالٌ ≠ إِذْهَبٌ

بَيَا ≠ بِرُو

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

تَنَاؤلٌ = أَكْلٌ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

١٠٠

تَنَاؤلٌ = أَكْلٌ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

رَشْتَى ≠ زَيْبَابِيٍّ

خُورَد

بَغْتَةً = فَجَاءَةً

نَاكِهَانٌ

فَبَحْرٌ = خَسْنَ

۲. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْلُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطْلُهُ قَلَ حَيَاوَهُ، وَمَنْ قَلَ

كَسِيَ كَهْ كَلامَشْ زِيَادَ شُودَ خَطَايَاشْ بِيَشْتَرَ شُودَ وَكَسِيَ كَهْ خَطَايَاشْ بِيَشْتَرَ شُودَ شَرَمْ وَحَيَايَ اوْ كَمَتَرَ مِيَشَودَ وَكَسِيَ كَهْ حَيَاوَهُ قَلَ وَرَعَهُ، وَمَنْ قَلَ وَرَعَهُ مَاتَ قَلْبَهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبَهُ دَخَلَ النَّارَ.

شَرَمْ وَحَيَايَاشْ كَمْ شُودَ پَارَسَايَاشْ كَمَتَرَ مِيَشَودَ، وَهَرَكَسِيَ پَارَسَايَاشْ كَمْ شُودَ دَلَشْ مِيَمِيرَدَ وَكَسِيَ كَهْ دَلَشْ مُرَدَ وَاردَ جَهَنَمَ مِيَشَودَ.

تحقيق

در اینترنت جستجو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی درباره خواص یکی از میوه‌ها بیابید.

العنْبُ (انگور)

العنْبُ مِنْ أَغْنِي العِنَاصِرِ بِالسُّكْرِيَاتِ.

انگور از سرشارترین عناصر مواد فندی است.

هِيَ الْمَادَهُ الْأَسَاسِيَّهُ لِإِيجَادِ الطَّاقَهُ فِي الْجِسْمِ.

و ماده اصلی برای ایجاد انرژی در بدن است.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) الرَّمَانُ فاكهة الجنة.

ب) الفَرْسُ جثب ساحل البحر.

ج) الشَّرْفَاكَهَهُ مقوية.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) إنَّ الْجَزَرَ مفِيدٌ لِتقوية العيون.

ب) تَوَعَّدُ أذانَ الظُّهُرِ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَهُ عَشَرَهُ.

ج) التَّوْرُ الأَخْمَرُ يَحْرِكُ الْأَعْصَابَ.

۳- ترجمة صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) العاشرة الاربعاء:

ب) السادسة والتاسع:

يك ربع به ده

ده و ربع

شش و ربع

هشت و ربع

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) في العتب الأصفر فيتامينات كثيرة.

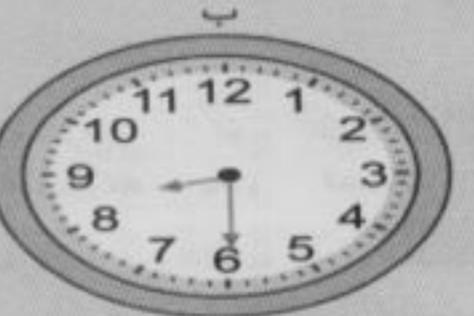
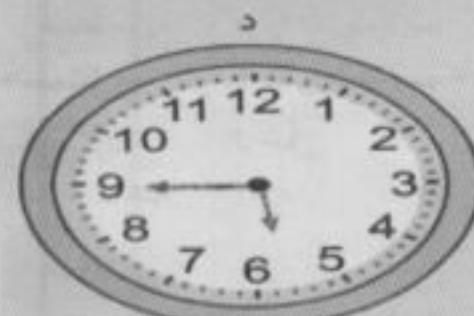
ب) ثمر الميسمني في بداية الصيف.

ج) يعتقد بعض العلماء أنَّ للألوان تأثيراً علينا.

د) كان القلياريون يستألون فيتامين «إ» قبل الغارات الدبلية.

۵- زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (۲)

الف



۶- کلمات مترادف و متضاد را با (\neq , =) مشخص کنید. (۱)

ستَرَ كَتْمَ

تَنَاؤلَ أَكْلَ

تَعَالَ إِذْهَبَ

أَبْيَضَ أَسْوَدَ

۷- معنی رنگ‌های داده شده را بنویسید. (۱)

د) أَصْفَرَ:

ج) أَزْرَقَ:

ب) أَخْمَرَ:

الف) أَخْضَرَ:

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ الف) انار ب) اسب ج) خرما (هر مورد ۵٪) ۲ الف) هویج ب) دوازده ج) قرمز (هر مورد ۵٪) ۳ الف) یک ربع به ده ب) شش وربع (هر مورد ۵٪) ۴ الف) در انگور زرد ویتامین‌های زیادی وجود دارد. (۵٪) ب) میوه زردآلود اول تابستان است. (۵٪) ج) بعضی از دانشمندان معتقدند که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. (۵٪) د) خلبانان قبل از حملات شبانه ویتامین «آ» مصرف می‌کنند. (۵٪) ۵ الف) الثالثة تماماً ب) الثامنة و النصف ج) العاشرة و الرابع د) السابعة الاربعاء (هر مورد ۵٪) ۶ أبيض ≠ أسود، تعال ≠ إذهب، تناول = أكل، ستَرَ = كَتْمَ (هر مورد ۲۵٪) ۷ الف) سبز ب) قرمز ج) آبی د) زرد (هر مورد ۲۵٪)

۱. الأمانة: امانت

أَرَادَ	مسافر	تَسْلِيمَ	تَسْلِيمَ	أَسْفَرَ	سَوْفَ	إِتَّيَ
خواست	مسافر	تَسْلِيمَ كَنَدَ	تَسْلِيمَ كَنَدَ	تَقْوِيدَه	تَقْوِيدَه	تَقْوِيدَه
له: سافر	مسافر	بول هایش	بول هایش	إِلَى شَخْصٍ	إِلَى شَخْصٍ	إِلَى شَخْصٍ
امانتدار	امانتدار	بس رفت	بس رفت	أَمِينٌ	أَمِينٌ	أَمِينٌ
به او	به او	به شخصی	به شخصی	يَلْدَهُ	يَلْدَهُ	يَلْدَهُ
		شہر ش	شہر ش	فَدَهَبَ	فَدَهَبَ	فَدَهَبَ
		وَكَفَتْ	وَكَفَتْ	إِلَى	إِلَى	إِلَى
		فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ
		فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ	فَاقِضِيَ

مسافری تصمیم گرفت پول‌هایش را نزد قاضی امین بسپارد. پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: «همانا من می‌خواهم سفر کنم و تصمیم دارم پول‌هایم را نزد تو به امانت بسپارم و پس از برگشتم آن را از تو دریافت کنم.»

فقال القاضی: «لا يَأْسِ، إِلْجَاهُ تَقْوِيدَكَ هِيَ ذَلِكَ الصَّدْوَقُ.» فَوَضَعَ الرَّجُلَ تَقْوِيدَهُ فِي الصَّدْوَقِ.

گفت قاضی اشکال ندارد قرار بده پول‌هایت در آن صندوق قرارداد مرد پول‌هایش در صندوق قاضی گفت: «اشکالی ندارد. پول‌هایت را در آن صندوق قرار بده.» پس مرد پول‌هایش را در صندوق قرار داد.

ولَقَا وَجْهَهُ مِنَ السَّقِيرِ ذَهَبَ عَنْهُ القاضِي وَظَلَّبَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ، فَقَالَ القاضِي:

هنکامی که برگشت از سفر رفت نزد قاضی خواست از او امانت گفت قاضی و هنکامی که از سفر برگشت، نزد قاضی رفت و از او امانت را طلب کرد. پس قاضی گفت:

«إِنِّي لَا أَغْرِفُكُ..»

همانا من تو را نمی‌شناسم.

حَرَنَ	الرَّجُلَ	فَدَهَبَ	إِلَى	حَاكِمَ	الْمَدِينَةِ	وَشَرَحَ	لَهُ	الْقُضَيْةِ.	فَقَالَ	الحاكم:	«سَيَّاتِي
ناراحت شد	مرد	رفت	به	حاکم	شهر	و توضیح داد	به او	قضید را	گفت	حاکم	خواهد آمد

القاضی إلى غدا، فاذسل علینا في المجلس واظلبت آمانتك منه.

قاضی نزدم فردا وارد شو بrama در مجلس و درخواست کن امانت را از او

مرد ناراحت شد و نزد حاکم شهر رفت و قضیه را برای او شرح داد. پس حاکم گفت: «قاضی فردا نزد من خواهد آمد؛ پس در مجلس ما وارد شو و امانت را از او طلب کن.»

وَفِي الْيَوْمِ التَّالِي	عِنْدَمَا	جَاءَ الْقَاضِي	إِلَى الْحَاكِمِ،	قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ:	«إِنِّي سَوْفَ أَسْافِرُ
دَرِ رُوز	بَعْدَ	هَنْگَامَى كَه	أَمْدَقَاضِى	نَزْدَ حَاكِمٍ	جَفَتْ بَهْ اوْ حَاكِمٍ هَمَانَا مِنْ مَسَافِرَتِ خَواهِمَ كَرَد
إِلَى الْحَجَّ	فِي هَذَا	الشَّهْرِ	وَأَرِيدُ	تَسْلِيمٍ	أُمُورِ الْبِلَادِ
بَهْ حَجَّ	دَرِ اِينِ	مَاهِ	وَمِنْ خَواهِمَ	تَسْلِيمَ كَنْمَ	أُمُورَ كَشُورِ رَا
مِنْكَ	مَارَأَيْتُ	لِأَنِّي	إِلَيْكَ	بَهْ تُو	هَمَانَا مِنْ
إِلَّا الْأَمَانَةَ.					
جز	امانتداری				

در روز بعد، هنگامی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: «همانا من در این ماه به سفر حج خواهیم رفت و می خواهیم امور کشور را به تو بسپارم زیرا من از تو جز امانتداری ندیده ام.»

وَفِي هَذَا الْوَقْتِ	دَخَلَ	صَاحِبُ الْأَمَانَةِ	وَسَلَّمَ	عَلَيْهِمَا	وَقَالَ:
وَدَرِ اِينِ زَمَانِ	دَاخِلَ شَدِ	صَاحِبُ اَمَانَتِ	وَسَلَامَ كَرَد	بَهْ آنِ دَوِ	وَجَفَتْ

و در این هنگام صاحب امانت داخل شد و سلام کرد به آن دو و گفت:

«أَيُّهَا الْقَاضِيُّ،	إِنَّ	لِي	أَمَانَةً	عَنْدَكَ.	نُقُودِي	وَضَفَتْ	قَرَارَ دَادِمَ	بَولَهَايِمَ رَا	نَزْدَ تُو	أَيُّ قَاضِيٌّ
هَمَانَا دَارِمَ	أَمَانَتِي	نَزْدَ تُو	قَرَارَ دَادِمَ	بَولَهَايِمَ رَا	نَزْدَ تُو	أَيُّهَا الْقَاضِيُّ،	إِنَّ	لِي	أَمَانَةً	عَنْدَكَ.

«ای قاضی، همانا من نزد تو امانتی دارم. بولهایم را نزد تو گذاشتیم.»

قَالَ الْقَاضِيُّ:	«هَذَا	مَفْتَاحُ الصَّنْدُوقِ.	إِشْتَلِمْ	نُقُودِكَ.
قَاضِيٌّ گَفَتْ	اِينِ	كَلِيدَ	صَنْدُوقَ	بَرْدَارَ

قاضی گفت: «این کلید صندوق است. بولهایت را بردار.»

بَعْدَ يَوْمَيْنِ	ذَهَبَ	الْقَاضِي	عِنْدَ الْحَاكِمِ	وَتَكَلَّمَ	مَعَهُ حَوْلَ	ذَلِكَ	الْمَوْضُوعِ.	فَأَجَابَ	الْحَاكِمُ:
بَعْدَ دَوِ رُوزِ رَفَتْ	فَاقِيْسِ	نَزْدَ حَاكِمٍ	وَسَخَنَ گَفَتْ	بَا اوْ	بِيرَامُونَ	اَنِّ	مَوْضُوعَ	جَوَابَ دَادِ	حَاكِمَ

بعد از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد. پس حاکم جواب داد:

«أَيُّهَا الْقَاضِيُّ،	عَاشَرْتَنَا	أَمَانَةَ	ذَلِكَ	الْتَّرْجُلِ	إِلَّا	بَعْدَمَا	أَغْطِنَيْنَاكَ	كُلَّ الْبِلَادِ،	فَبِأَيِّ
اَيُّ قَاضِيٌّ	بَرْنَكِرَدَانِدِيِّ	اَمَانَتِ	اَنِّ	سَرَدِ	جزِ	بَعْدَ اِينِكَهِ	بَهْ تُوْ بَخْشِيدِيْمِ	هَمَهَ كَشُورِ	بَهْ بَاجِدِ

شَيْءٌ	نَشْتَرِجُ	الْبِلَادِ	مِنْكَ!؟
چیزی	پَسِ بَکِرِیْمِ	کَشُورِ رَا	ازِ تُو

«ای قاضی: امانت آن مرد را برنگرداندی مگر پس از اینکه همه کشور را به تو بخشیدیم، پس با چه چیزی کشور را از تو پس بگیریم.» سپس دستور به برکناری اش داد.

قالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): رسول اکرم (ص) فرمود:

لَا تَنْتَظُوْا إِلَى كُثْرَةِ مَسْلَاتِهِمْ	وَضَوِّهِمْ	إِلَى صِدْقِ الْمُحَدِّثِ	وَ	أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.
نَكَاهَ نَكَاهَدِ بَهْ زِيَادِيِّ	نَسَارَشَانِ	وَرُوزَشَانِ	وَزِيَادِيِّ حَجَّ	وَلِكِنْ

به زیادی نمازشان و روزهشان و زیادی حج نکاه نکاهد بلکه به راستی گفتار و امانتداری نکاه کنید.

سؤال متن

با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

نادرست

درست

۱- کان القاضی يَكْذِبُ.
قاضی دروغ می‌گفت.

۲- أَمْرَ الْحَاكِمِ يَعْزِلُ القاضِي.
حاکم دستور به برکناری قاضی داد.

۳- وَضَعَ الْمُسَافِرُ نُقْدَةً عِنْدَ الْحَاكِمِ.
مسافر پول‌هایش را نزد حاکم گذاشت.

۴- قَدَرَ الْحَاكِمُ عَلَى اسْتِرِجَاعِ الْأَمَانَةِ.
حاکم توانست امانت را برگرداند.

۵- بَعْدَ أَسْبُوعَيْنِ ذَهَبَ القاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ.
قاضی پس از دو هفته نزد حاکم رفت.

۱۰۴

الْمُؤْمَنَةُ الْمُؤْمَنَةُ
الْمُؤْمَنَةُ الْمُؤْمَنَةُ

۱۰۴

التمرين الأول

سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

عاقبت، جوینده یابنده بود

عداوة العاقد خير من صدقة الجاهل.

نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار

العالِمُ بِلاَعْمَلِ كَالشَّجَرِ بِلاَثَمِ.

چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی

أَسْتَرَذَهَبْكَ وَذَهَابْكَ وَمَذَهَبْكَ.

عالیم بی عمل به چه ماند؟ به زنیور بی عسل

مَنْ حَفَرَ بِثَرَأً لِأَخْيَهِ وَقَعَ فِيهَا.

تا توانی می‌گریز از پار بد پار بد بدتر بود از مار بد

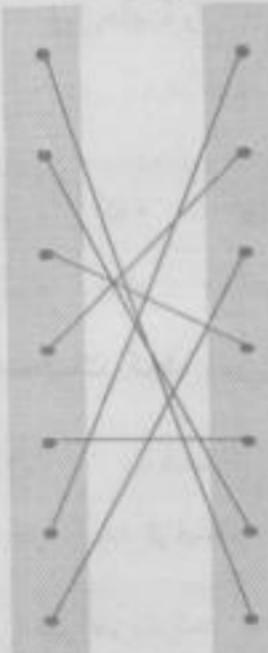
الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيلِ السَّوْءِ.

دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَمَنْ لَمْ طَلَبْ

در بیان این سه، کم چنیان لبیت از ذهب و از ذهب و ز مذهبت

لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ.



التمرين الثاني

ضرب المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

۱- عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشَرَةٍ عَلَى الشَّجَرَةِ.

یک گنجشک در دست بهتر از ده تا روی درخت است.

۲- مَا تَرَغَّبُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

آنچه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی (برداشت می‌کنی).

۳- مَنْ طَلَبَ أَخَمًا بِلَا عَيْبٍ بَقَى بِلَا أَخَ.

کسی که برادر یا دوست بی عیب طلب کند بدون دوست و برادر می‌ماند.

۴- هَذَا الْفَرْشُ وَهَذَا الْمِيدَانُ.

این اسب (گوی) و این میدان.

۵- يَوْمُ لَنَا وَيَوْمُ عَلَيْنَا.

یک روز با ما و روزی علیه ماست.

الْمُؤْمَنَةُ الْمُؤْمَنَةُ
الْمُؤْمَنَةُ الْمُؤْمَنَةُ

۷۸

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

<input type="checkbox"/> العربة	<input type="checkbox"/> الصورة	<input type="checkbox"/> الصحفة	<input checked="" type="checkbox"/> المطر	١- (الشحاب)
واگن	عکس	روزنامه	باران	ابر
<input type="checkbox"/> الصوم	<input checked="" type="checkbox"/> الغروس	<input type="checkbox"/> الأبحاث	<input type="checkbox"/> الزاقد	٢- (حفلة الزواج)
روزه	عروس	پژوهشها	بستری	جشن عروسي
<input checked="" type="checkbox"/> الزياح	<input type="checkbox"/> الجسور	<input type="checkbox"/> الرايس	<input type="checkbox"/> الأسد	٣- (عصفون)
بادها	پلها	مردود	شير	وزيد
<input type="checkbox"/> الرجاجة	<input type="checkbox"/> الغضبان	<input checked="" type="checkbox"/> البظارۃ	<input type="checkbox"/> الیبات	٤- (الكهرباء)
شیشه	خشمگین	باتری	گیاه	برق
<input type="checkbox"/> الفريق	<input checked="" type="checkbox"/> الخريق	<input type="checkbox"/> العميق	<input type="checkbox"/> الطرق	٥- (الدخان)
گروه	آتش	زرف	راه	دود

الْتَّمْرِينُ التَّرْابُعُ

درجای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

إنْجَعَلَ / إنْتَقَاعَدَ / فَرِيَضَةً / تَمَوَّثَ / الْأَمْهَاتِ / الْمَمَرَ / شَقاَوَةً / أَنْفَعَهُمْ

١- إنْجَعَلَ لِذَنْبِكَ كَائِنَكَ تَعِيشُ أَبْدًا وَإِنْجَعَلَ لِآخِرِتِكَ كَائِنَكَ تَشُوتُ حَدَّاً.

در دنیا چنان عمل کن گویی تو تا ابد زندگی می کنی و برای آخرت چنان عمل کن گویی که فردا می میری.

٢- مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حَسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقاَوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.

از خوشبختی و سعادت آدمیزاد اخلاق نیکو و از بدبختی آدمیزاد اخلاق بد است.

٣- إِذَا قَدَرْتَ خَلَى عَدُوكَ؛ فَاجْعَلْ الْعَفْوَ شَخْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

اگر بر دشمنت برتری یافته پس به خاطر شکر برتری بر او ببخش.

٤- أَظْلَلُوا الْجَلَمَ وَلَوْيَالْعَتَنِينَ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيَضَةً .

علم و دانش را طلب کنید اگرچه در چین باشد همانا طلب علم یک فریضه است.

٥- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعَهُمْ لِلنَّاسِ.

بهترین مردم سودمندترین آن‌ها نسبت به مردم است.

٦- الْجَنَّةُ تَحْتُ أَقْدَامِ الْأَمَهَاتِ .

بهشت زیر پای مادران است.

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

درجای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی

٤- أربع	٣- ثلات	٢- إثنان	١- واحد
٨- ثمانية	٧- سبعة	٦- ستة	٥- خمسة
١٢- إثنا عشر	١١- أحد عشر	١٠- عشرة	٩- تسعة

عددهای ترتیبی

٤. الرابع	٣- الثالث	٢- الثاني	١- الأول
٨- الثامن	٧- السابع	٦- السادس	٥- الخامس
١٢- الحادي عشر	١١- الثاني عشر	١٠- العاشر	٩- التاسع

١٠٧

ل (٥٩٥) اول متوسطه

التمرين السادس

هر جمله درباره چه توضیح می دهد؟

- | | | |
|---|---|---|
| <input type="checkbox"/> السخرية
ريشخند | <input checked="" type="checkbox"/> البكاء
گریه | ١- جريان قطرات الدموع من الحزن أو الوجع.
جريان قطرات اشک از روى اندوه یا درد |
| <input type="checkbox"/> الشاي الحار
چای داغ | <input checked="" type="checkbox"/> الزلزال مع السمك
برنج و ماهی | ٢- طعام محبوب في محافظتين شمال إيران.
غذای محبوب دو استان شمالی ایران |
| <input checked="" type="checkbox"/> الجامعة
دانشگاه | <input type="checkbox"/> المشفى
بیمارستان | ٣- مركز للتعليم العالي يخرج منه الطلاب.
مرکز تحصیلات عالیه که از آن دانشجویان فارغ التحصیل می شوند. |
| <input checked="" type="checkbox"/> الطلاب
دانشجویان | <input type="checkbox"/> الشرطي
پلیس | ٤- شبات يدرسون في الجامعات.
جوانانی که در دانشگاهها درس می خوانند. |
| <input checked="" type="checkbox"/> الخريف
پاییز | <input type="checkbox"/> الربيع
بهار | ٥- فصل يأتي بعد الصيف.
فصلی که بعد از تابستان می آید. |

١٠٨

التمرين السابع

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

خدادون / شرطیان / نافذتین / سیدات / أطعمة / فضة

فضة	مفرد مؤنث
شرطیان	مثنای مذكر
نافذتین	مثنای مؤنث
خدادون	جمع مذكر سالم
سیدات	جمع مؤنث سالم
أطعمة	جمع مذكر

١٠٨

التمرين الثامن

ترجمه کنید و انواع فعل های مشخص شده را بنویسید.

١- يا ولدي، لا تتأش في حياتك. أنت تقدير، أطلب واجتهد.

فعل نهی فعل مضارع فعل امر فعل امر

ای فرزندم در زندگی ات نامید نشو. تو می توانی. بخواه و تلاش کن.



٨٠

۲- يَا بِتِي، ابْنِي لِلْحَيَاةِ لَا تَخْزِنِي. أَنْتِ فَالثَّرَةُ. سَتَجْعِينَ فَرِيَاً.

فعل امر فعل نهى مضارع مستقبل

ای دخترم به زندگی لبخند بزن. اندوهگین نباش. تو پیروز هستی. بهزودی موفق خواهی شد.

۳- اُنْصُرُوا أَصْدِقَاءَكُمْ وَلَا تُنْكِحُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سُوفَ يُسَاعِدُونَكُمْ أَيْضًاً.

فعل امر فعل نهى مضارع مستقبل

دوستانان را یاری کنید و آن‌ها را در مشکلات رها نکنید. پس آن‌ها نیز به شما کمک خواهند کرد.

التَّمَرِينُ التَّاسِعُ

با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حَامِدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشَرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.

حامد پسری باهوش است و او در سن پانزده سالگی عمرش است.

هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِ الْمَدَرَسَةِ مَسَاءً.

او تکاليف مدرسه‌اش را عصر می‌نویسد.

يَنْهَى عَنْ صَبَاحَةِ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا زِبْعًا

صبح ساعت یک ربع به شش بلند می‌شود.

وَبَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَأَوَّلُ فَطْوَرَةً فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَالْتِسْعَةِ.

و بعد از نماز ساعت شش و نیم صبحانه می‌خورد.

فِي يَوْمِ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالَّذِي حَاسُوبَاهُ

در روزی از روزها پدرس برای او رایانه‌ای خرید.

وَسَخَّنَ لَهُ بِالْدُخُولِ فِي الْإِنْتَرْنَتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ.

و به او اجازه داد که در اوقات فراغت وارد اینترنت شود.

فَرَحِ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهُدْيَةِ.

حامد با این هدیه خوشحال شد.

يَمْدُدُ مَذَدَّةَ سَافِرِ الْدُّدُّ وَالَّذِي لَمْ يَهْمِمْ إِدَارِيَّةً لِمَدْدَةِ يَوْمَيْنِ.

پس از مدتی پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو روز سفر کردند.

قالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَأَقِيهِ: «سَأَنْجِحُهُ بِخَاتَمِ الْعِلْمِيِّ فِي الْإِنْتَرْنَتِ».

حامد به پدر و مادرش گفت: «یک تحقیق علمی در اینترنت جستجو خواهم کرد.»

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ

حامد پشت رایانه نشست.

وَلَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَفِي الْيَوْمِ التَّالِي نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا زِبْعًا.

و ساعات زیادی بازی کرد و در روز بعد ساعت یک ربع به هفت بیدار شد.

مَا أَكَلَ الْفَطْوَرَ وَمَا فَسَلَ وَجْهَهُ

صبحانه نخورد و صورتش را نشست.

وَخَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَرَكِبَ حَافَلَةَ الْمَدَرَسَةِ.

و از خانه خارج شد و سوار اتوبوس مدرسه شد.

كانَ حَامِدٌ يَشْغُلُ بِالثُّومِ فِي الصَّفَّ.

حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می‌کرد.

فَجَاهَةً سَمِعَ صَوْتُ الْمُعْلِمِ: «أَرِيدُ مُشَاهَدَةً وَاجِبَاتِكُمْ..»

ناگهان صدای معلم را شنید: «می‌خواهم تکالیفتان را ببینم.»

فَتَحَ حَامِدٌ حَقِيقَتَهُ وَفَهَمَ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ بِلَ لِأَخْتِيهِ.

حامد کیفشن را باز کرد و فهمید که همانا دفتر برای او نیست بلکه برای خواهرش است.

نَدِيمٌ حَامِدٌ وَقَالَ فِي تَفْسِيرِ يَالِيَّتِي كُنْتُ مُنْظَمًا!

حامد پشیمان شد و با خودش گفت: «ای کاش من مُنْظَم بودم.»



نادرست	درست	
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	۱- اشتری والد حامد حاسوباله. پدر حامد برای او رایانه‌ای خرید.
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲- حامد فی الثانية عشرة من العمر. حامد در سن ۱۲ سالگی است.
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳- هو يكتب واجباته المدرسية ظهراً. او تکاليف مدرسه‌اش را ظهر می‌نویسد.
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴- بحث حامد عن موضوع رياضي في الانترنت. حامد در اینترنت مسئله‌ای ریاضی را جستجو کرد.
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵- سافر والده و والدته لھمۃ إداریة ملدة شھرین. پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو ماه سفر کردند.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) اشتری والد حاسوباً.

ب) حامد ولد ذکر.

ج) الأسد سلطان الغابة.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) يوم لنا يوم علينا.

ب) العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر.

ج) بغداديون ذهب إلى المدرسة.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) إثنان:

دوم دو

هشت هشتم

ب) القائم:

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) كان حامد يشعر بالئوم في الصيف.

ب) الخريف فضل يأتي بعد الصيف.

ج) إشتم نعمونك.

د) إنى سوف أساير إلى العجم.

۵- نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۲)

الف) لا تأشن في حياتك.

ب) إنتمى للحياة.

ج) هم سوف يساعدونكم.

د) أنت تقدير.



۶- هر کلمه را در جای مناسب خود در جدول قرار دهید (یک کلمه اضافی است). (۱)

مُحَافِظَتَيْنِ - الجامعات - الصيف - شباب - شُرطَيَان

مفرد	مثنی مذكر	جمع سالم	جمع مكسر
------	-----------	----------	----------

۷- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱)

- | | | |
|---|---------------------------------------|---------------------------------|
| <input type="checkbox"/> التَّقَاعُدُ | <input type="checkbox"/> الْأَمْهَاتُ | الف) الجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ |
| <input type="checkbox"/> الشُّرْطَيَّنِ | <input type="checkbox"/> الْقُلَّابُ | ب) يَذْرُسُونَ فِي الجامعاتِ. |

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ الف) رایانه ب) باهوش ج) شیر (هر مورد ۰/۵) ۲ الف) علیه ما ب) درخت ج) دو هفته (هر مورد ۰/۵) ۳ الف) دو ب) هشتم (هر مورد ۰/۵) ۴ الف) حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می کرد. (۰/۵) ب) پاییز فصلی است که بعد از تابستان می آید. (۰/۵) ج) پول هایت را بردار. (۰/۵) د) همانا من به حج سفر خواهم کرد. (۰/۵) ۵ الف) فعل نهی = نا امید نشو ب) فعل امر = لبخند بزن ج) فعل مستقبل و کمک خواهند کرد. د) مضارع = می توانی (هر مورد ۰/۲۵) ۶ (هر مورد ۰/۲۵)

مفرد	مثنی مذكر	جمع سالم	جمع مكسر
الصيف	شُرطَيَان	الجامعات	شباب

۶ الف) الْأَمْهَاتُ ب) الْقُلَّابُ (هر مورد ۰/۵)

سوالات امتحانی

آخرین: دی ماه (نوبت اول)

تاریخ: / /

مت:

۱ نمره

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید.

الف) رَقَدْ حَسِينٌ فِي الْمَسْتَشْفِي.

ب) صَنَعَ النَّجَارُ جَسْرًا عَلَى النَّهْرِ.

ج) رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعْدِهِ.

د) هُمْ يَحْكِمُونَ حَقَائِقَهُمُ.

۲

۲- ترجمه جمله‌های زیر را کامل کنید.

الف) أَكْثَرُ خَطَايَا إِبْنِ آدَمَ فِي لَسَانِهِ.

ب) رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي.

۳

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید.

الف) الغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حِبَّةٌ.

غَرِيبٌ كُسْتَ اسْتَ كَهْ دُوْسْتَ نَدَارَد.

غَرِيبٌ آنْ كُسْتَ اسْتَ كَهْ بَا دُوْسْتَشْ رَابِطَهْ خُوبِيْ نَدَارَد.

ب) لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ.

۱) هیچ کاری همچون تحقیق کردن نیست.

۲) تحقیق نکنید.

۴

۴- در هر مجموعه کلمه نامهنه‌گ را مشخص کنید.

الف) ۱- طَبَيْبَةٌ	۲- مَوْظَفَةٌ
ب) ۱- أَسْبُوعٌ	۲- شَارِعٌ
ج) ۱- أَكْلٌ	۲- رَأْيٌ
د) ۱- ذَهَبٌ	۲- سَاحَةٌ

۵

۵- گزینه مناسب جای خالی را انتخاب کنید.

الف) بِأَنْظَرْتُهُ إِلَى نَزْوَلِ السَّطْرِ.

آنْظَرْ

ب) شَرْفَنِيْ إِلَيْهِ مِنْ فِي الْأَرْضِ بِرَزْخَنِكَ شَرْفَنِيْ الشَّمَاءَ.

آنْظَرْوا

آنْظَرْ

آنْظَرْ

آنْظَرْ

۶

۶- کلمات متضاد و مترادف را به هم وصل کنید (یک کلمه اضافی است).

رسیصه	-	شقاوه	-
لَهَا	-	بعید	-
سعاده	-	کثیر	-
قریب	-	عندما	-
	-	خالية	-

۷

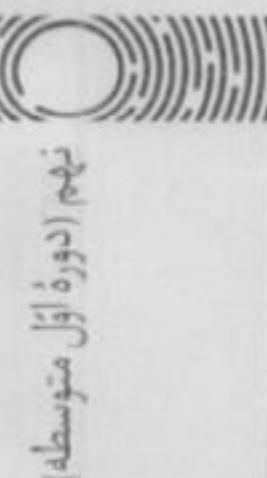
۷- جملات عربی را به فارسی روان ترجمه کنید.

الف) إِشْتَعَوْهُوا كَلَامِيْ وَإِغْتَلَوْهُ بِهِ.

ب) قَتَلَ أَخَاهُ وَاعْتَذَرَ.

ج) كَتَبَ التَّلَامِيدُ صَحِيفَةً جَدَارِيَّةً.

د) الشَّوَارُعُ مَحْلُوَةٌ بِالْبَنِينَ وَالْبَنِاتِ.



۱/۵

- ۸- کلمات زیر را در جای مناسب خود در جدول قرار دهید (یک کلمه اضافی است).
مظرا- مواصلة- طالبات- شباب- أخوين- أخوات- صابرین

مفرد مؤنث	مثنای مؤنث	جمع مؤنث سالم	مثنای مذكر	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث
-----------	------------	---------------	------------	---------------	-----------

۱/۵

- ۹- حروف اصلی و ترجمة کلمات زیر را بنویسید.

- (الف) کاتب، مكتوب:
(ب) خالق، مخلوق:

۲

- ۱۰- برای فعل های زیر ضمیر مناسب انتخاب کنید سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أنتم	<input type="checkbox"/>	هم	<input type="checkbox"/>	يَنْصُرُونَ	(الف)
نحن	<input type="checkbox"/>	أنا	<input type="checkbox"/>	نَفْتَلُ	(ب)

۱

- ۱۱- برای جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید (یک کلمه اضافی است).
الحجـرـ. الدـمـوعـ. الـقـالـىـ. مـصـنـعـ. الجـامـعـةـ

- (الف) جائزنا يغـمـلـ فـىـ الكـراسـىـ.
(ب) مـكـانـ لـلـتـعـلـيمـ العـالـىـ بـعـدـ المـدـرـسـةـ جـارـيـةـ عـلـىـ وـجـهـ الـقـلـفـلـةـ.
(ج) العـلـمـ فـىـ الصـفـرـ كـالـقـشـ فـىـ

۱

- ۱۲- در جملات زیر فعل های امر را پیدا کنید و سپس آنها را ترجمه کنید.

- (الف) أظـلـيـواـ الـعـلـمـ وـلـوـ بـالـصـنـعـ.
(ب) يـاـ طـالـبـاتـ، إـبـحـثـاـ عـنـ موـادـ غـذـائـيـةـ.

پاسخ سوالات اسختانی

۱	الف) بیمارستان ب) پل ج) دودی د) کیفها (هر مورد ۰/۲۵)
۲	الف) در زبان اوست. ب) ظلم کردم (هر مورد ۰/۵)
۳	الف) گزینه ۱ ب) گزینه ۱ (هر مورد ۰/۵)
۴	الف) حقیقت ب) ذهب
۵	الف) انتظروا ب) إِرْخَمْ (هر مورد ۰/۵)
۶	شقاوت ≠ سعادة ب) بعيد ≠ قریب عندما = لقا
۷	الف) سخنم را گوش کنید و به آن عمل کنید. ب) برادرش را بوسید و معدتر خواهی کرد.
۸	ج) دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند. ب) خیابان ها پر از پسران و دختران هستند.
۹	ج) دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند. ب) خیابان ها پر از پسران و دختران هستند.
۱۰	ج) دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند. ب) خیابان ها پر از پسران و دختران هستند.
۱۱	ج) دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند. ب) خیابان ها پر از پسران و دختران هستند.
۱۲	ج) دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند. ب) خیابان ها پر از پسران و دختران هستند.

سوالات اسْتَحْانِي

نامخنچه: / /

مدرس:

آخرین: خردادماه (نوبت دوم)

۱ نمره

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید.

الف) أنتِ تقدِّرين لاتيأسنِ.

ج) إشتملت المدرسة رسالةً.

ب) صنعت إديسون مُخترِّاً صغيراً.

د) البطارئيَّة مخزنُ الكهربائيِّ السيارة.

۲

۲- ترجمة جمله‌های زیر را کامل کنید.

الف) مَنْ كَثُرَ كَلَمَةً كَثُرَ حَطْفَهُ.

ب) أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ الْلِّسَانِ.

کسی که سخشنگ زیاد شود

محبوب‌ترین کارها نزد خداوند

۳

۳- ترجمة صحیح را انتخاب کنید.

الف) كَانَ يَأْكُلُونَ الْقَعْدَمَ.

□ ۱) آن دوغذا من خورند.

□ ۲) آن دوغذا من خوردند.

۴

۴- جملات عربی را به فارسی روان ترجمه کنید.

الف) سَيَأْتِي الْقَاضِي إِلَى غَدَاءٍ.

ب) يُمْكِنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ.

ج) كُثُثُ أَشْتَغَلُ فِي الْمَرْعَةِ.

د) دَرَسَ إِدِيسُونَ بِمُسَاعِدَةِ أُقْبَهِ.

۵

۵- در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید (دو کلمه اضافی است).

بعضان- نفقات- دلیل- البتر- مُهَدِّنة- الْجَزَر-

الف) حُجَاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.

ب) كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرْيِضِ حِبَّوْيَا لِمَعَالِجَةِ صُدَاعِهِ.

ج) إِنَّ مَفِيدَ لِتَقوِيَّةِ الْعَيْنَينِ.

د) يَجْلِبُ التَّاجِرُ جَدِيدًا إِلَى دَكَانِهِ لِلْبَيعِ.

۶

۶- کلمات متراوف و متضاد را با (= ≠) مشخص کنید.

ستَرَ □ كَتَمٌ بَغْتَةً □ فَجَاهَةً حَيَاةً □ قَوْتٌ حَيَّةً

حَزْبٌ □ صُلحٌ

۷

۷- در هر مجموعه کلمه ناهمانگ را مشخص کنید.

الف) ۱- جامِعَة

۲- مُلْعَبٌ

ب) ۱- رِيحٌ

۲- مَظَرٌ

ج) ۱- أَزْرَقٌ

۲- أحْمَرٌ

د) ۱- رِقَانٌ

۲- ثُقَاحٌ

۴- مَكْتَبَةٌ

۳- فَاكِهَةٌ

۴- أَخْذَ

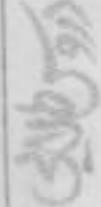
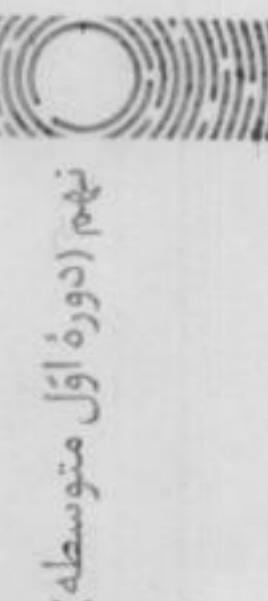
۳- سَحَابٌ

۴- أَخْضَرٌ

۳- إِفْتَاحٌ

۴- عِنْبٌ

۳- جَدٌ



۸- فعل‌های زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

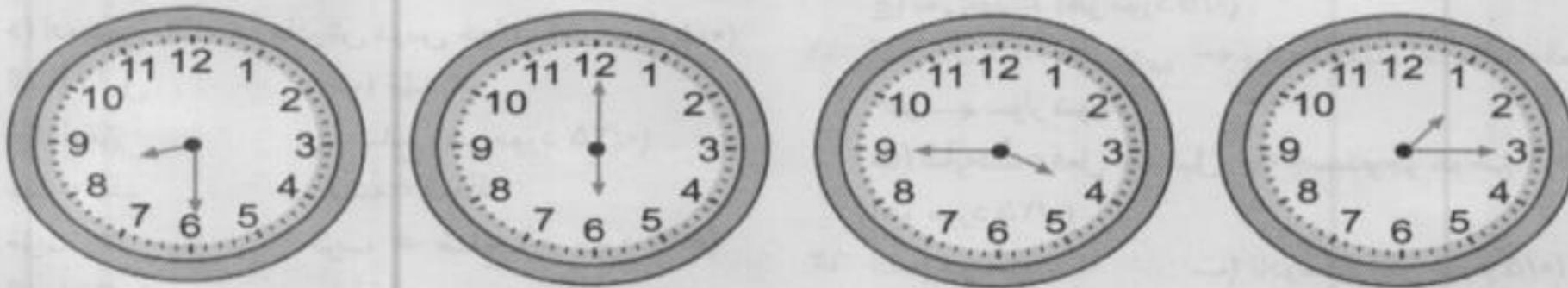
لَيَذْرُسُ - لَاقْطَعَ - مَارَسْمَنَا - يَنْفَعُ

نهی	مضارع منفي	مضارع مثبت	ماضي منفي
-----	------------	------------	-----------

۲

۹- زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید.

الرابعة الْزَّبِيعَةَ - الثَّامِنَةَ وَالْتِصْفَ - السَّادِسَةَ تَمَامًاَ - الْوَاحِدَةَ وَالثَّيْغَ



۱/۵

۱۰- با توجه به نمونه ترجمه کنید.

الف) واحد = يك إثنان = دو

ب) السادس = ششم السابع = هفتم

ج) ماشريوا = نوشيدند لايشريون =

۱/۵

۱۱- نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید پس آن‌ها را ترجمه کنید.

الف) يا زَمَلَانِي رجاء لاتَّزَلُوا، إضعدوا.

ب) سَأَبْحَثُ بحثاً علمياً في الانترنت.

۱

۱۲- متن زیر را بخوانید سپس درستی یا نادرستی جملات داده شده را مشخص کنید.

حامد ولد في الخامسة عشرة من العمر هو يكتب واجباته الدراسية متساهلاً. إشترى والده حاسوب له. تبحث حامد بحثاً علمياً في الانترنت. في يوم من الأيام جلس حامد خلف الحاسوب وله ساعات كثيرة. وفي اليوم التالي كان حامد يشتغل بالثوم في الصيف.

نادرست	درست
--------	------

-

۱- إشترى والد حامد حاسوب له.

۲- بحث حامد عن موضوع رياضي في الانترنت.



پانچ سوالات امتحانی

نهی	مضارع منفی	مضارع مثبت	ماضی منفی	٨ (هر مورد ۰/۲۵)
	لَا يَنْفَعُ	لَا يَدْرُسُ	لَا نَقْطَعُ	ما رَسَّمْنَا
	سُودٌ مِّنْ رِسَانٍ	دُرُسٌ نَّمِيَ خَوَانٍ	قَطْعٌ نَّكَنٌ	نَكْشِيدِيمْ
٩	الواحدة والربيع - الزايقة الازياعاً - السادسة تماماً - الثامنة	والتَّصْفِ (هر مورد ۰/۲۵)		
١٠	(الف) نه ج) نَمِيَ نَوْشَنْد (هر مورد ۰/۵)	(ب) يَازِدِهم		
١١	الـ(ف) لَا تَزَلُوا = فعل نهی ← بِيادِه نَشُونَد، إِصْعَدُوا = فعل امر ← سوار شوید.			
	ب) سَأَبْحَثُ = فعل مستقبل ← جَسْتَ وَجْوَخَاهِمْ كَرَد (هر مورد ۰/۲۵)			
١٢	(ب) نَادَرْسَت (هر مورد ۰/۵)	(الف) درست		

١ الف) نَامِيدْ نَشَو (هر مورد ۰/۲۵)	ب) أَزْمَايِشْگَاه
ج) دَرِيَافَتْ كَرَد	د) بَرَق (هر مورد ۰/۲۵)
٢ الف) خَطَائِيشْ زَيَاد مِي شَوَد.	
ب) حَفْظ زَبَان اسْت.	(هر مورد ۰/۵)
٣ الف) گَزِينَه ٢ ب) گَزِينَه ١ (هر مورد ۰/۵)	
٤ الف) قَاضِي فَرَدا نَزَد مِنْ خَوَاهِد آمد.	
ب) معالِجَه بِيَمَارِي هَا بَا رَنَگ هَا مُمْكِن مِي شَوَد.	
ج) دَرِ مَزْرَعَه كَار مِي كَرَدَم.	
د) اَدِيسُون با كَمَكْ مَادِرَش درس خَوَانَد.	(هر مورد ۰/۵)
٥ الف) دَلِيل	ب) مُهَدِّدَه
ج) الْجَزَر	د) بَضَائِع (هر مورد ۰/۲۵)
٦ شَرَّ=كَثِيم	بَغَتَه=فَجَاهَه
مَوْت ≠ حَيَاة	حَرْب ≠ صَلْح (هر مورد ۰/۲۵)
٧ الف) فَاكِهَه	ب) أَخَدَ
ج) إِفْتَح	د) جَذَ (هر مورد ۰/۲۵)

